



سازمان آموزش پژوهش و توشش

هنر

راهنمای معلم

ششم ابتدایی



معاونت برنامه ریزی و آموزشی و توانبخشی
گروه برنامه ریزی و آموزشی دانش آموزان با آسیب بینایی

سال تحصیلی ۱۴۰۱_۱۴۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

راهنمای معلم

کتاب هنر

پایه ششم ابتدایی

(ویژه دانش آموزان با آسیب بینایی)

۱۴۰۱



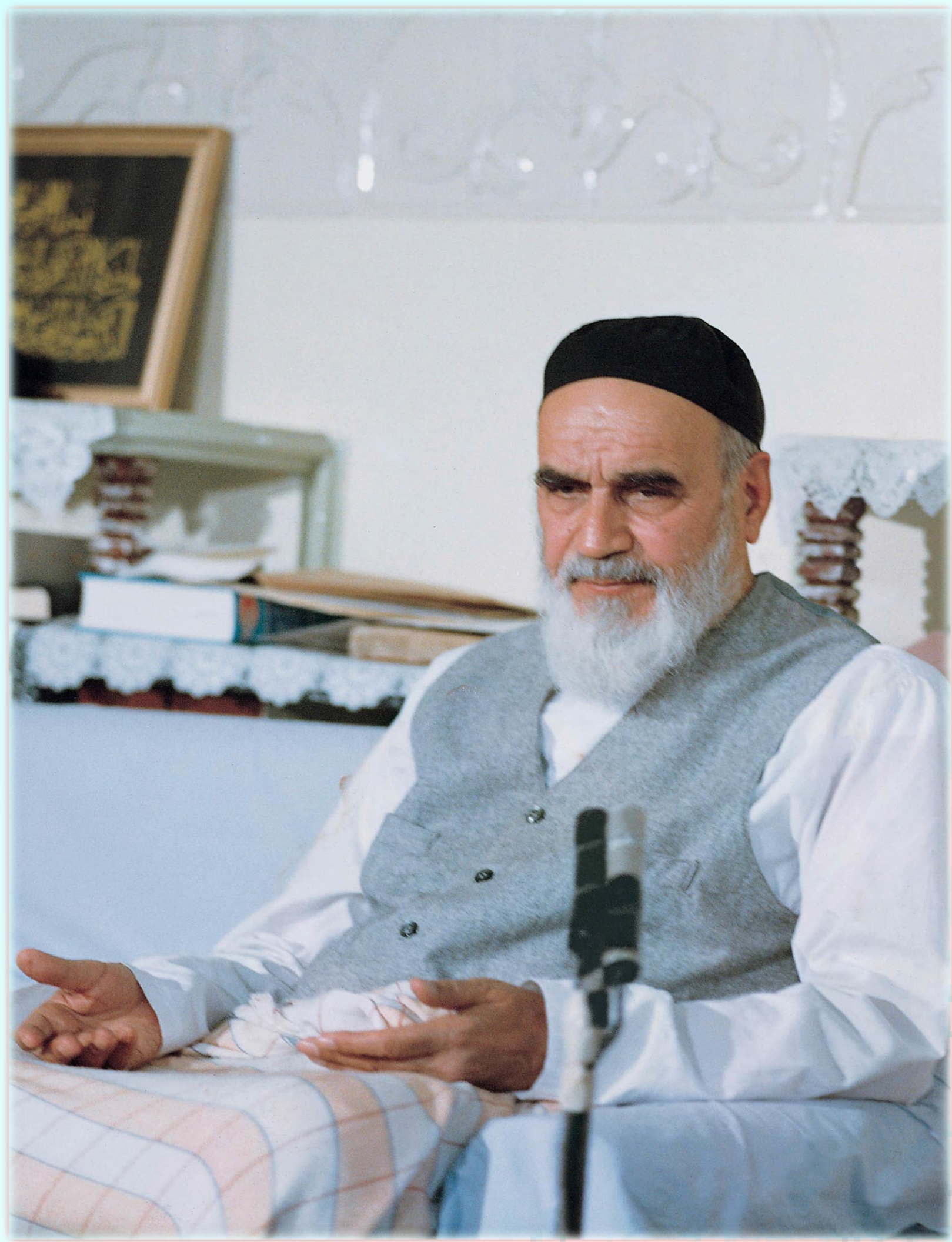
معاونت برنامه‌ریزی آموزشی و توانبخشی
کارشناسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی گروه آسیب‌دیده بینایی

گرد آوری و تنظیم متون:

امینه نگهبان، ریحانه زحمتکش، مسعود رضایی، زهرا صادقی
بلداجی، سمیه برزویی نژاد، رقیه وهابی جولادی، زهرا کاظمی،
نوشین کمالی

ویراستاری: امینه نگهبان

صفحه آرایی: ریحانه زحمتکش



گر بی هنرم و گر هنرمند

لطف است امیدم از خداوند

سعدی

هنر، نقش محرکی را اجرا می‌کند که کودکان برای رشد در جنبه‌های مختلف شخصیتی به آن نیاز دارند. هنر به کودکان اجازه می‌دهد تا خلاقیت خود را بروز دهند. کودکان با هنر می‌آموزند، در موقعیت‌های گوناگون زندگی چگونه تصمیمات مهم را اتخاذ نمایند. فعالیت‌های هنری موجب تربیت و تقویت عزت و اعتماد به نفس در کودکان می‌شود. کارشناسان تعلیم و تربیت اذعان دارند، هنر موجب آرامش و آسودگی خاطر شده و به رشد مغز کمک می‌کند. فعالیت‌های هنری نگرانی‌های کودکان را از آن‌ها دور و حتی یک روش درمانی برای اضطراب محسوب می‌شود.

سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی کشور با توجه به اهداف فوق و به منظور پرورش توانایی‌های مختلف دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی، راهنمای معلم کتاب هنر ویژه این گروه را که به همت تعدادی از آموزگاران و گروه برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی تالیف شده است، در اختیار همکاران محترم قرار می‌دهد، تا در سراسر کشور به صورت یکسان و هماهنگ، این کتاب در زنگ هنر مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

با عنایت به استعداد اکثر دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی در زمینه‌های مختلف اجرایی، شاهنامه‌خوانی، فراگیری موسیقی و همچنین اهمیت فراگیری دوخت در دوره‌ی ابتدایی، در این کتاب علاوه بر سرفصل‌های راهنمای کتاب هنر پایه‌های (اول، دوم و سوم)، سرفصل‌های جدیدی مربوط به دوخت، آشنایی با شاهنامه و موسیقی اضافه شده است.

امید آن است که وجود کتاب حاضر بتواند گامی راه‌گشا در مسیر تحول دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی باشد تا علاوه بر ارضاء عواطف و احساسات خود، دست به آفرینش و خلاقیت‌های نوینی در عرصه‌های مختلف هنر بزنند و با اکتساب آن به صورت علمی، آینده شغلی و هنری خود را در زمینه‌های ورود به بازار کار هنرهای دستی، آهنگ‌سازی، تنظیم و تدریس آن و یافتن تبحر در صوت و لحن قرآن تضمین نمایند.

کتاب حاضر در پنج بخش تهیه و تنظیم شده است. همکاران گرامی می‌توانند مطابق با امکانات مدرسه و ذوق و توانمندی هریک از دانش‌آموزان و شرایط زیست بوم منطقه تدریس نمایند به عبارت دیگر مدیریت تقدم و تاخر ارائه بخش‌های مختلف بصورت موازی و متناسب با توان و علایق دانش‌آموزان، به عهده‌ی آموزگار محترم می‌باشد.

همچنین مقتضی است همکاران محترم به دقت محتوای فوق را مطالعه و پیشنهادات خود را در سامانه نظرسنجی کتب به آدرس Csdeo.ir درج نمایند.

فهرست مطالب

ردیف	مطالب	صفحه
۱	مقدمه	۵
۲	بخش اول کاردستی	۸
۳	فعالیت‌های بخش کاردستی	۱۱
۴	کاغذ و تا	۱۳
۵	کاغذ و برش	۲۵
۶	کار با مقوا	۳۵
۷	کار با خمیر و گل رس	۴۱
۸	کار با مروارید	۵۳
۹	کلاژ	۵۸
۱۰	دورریختنی	۶۱
۱۱	کار با هسته	۶۷
۱۲	کار با نمد	۷۲
۱۳	کار با کاموا	۷۸
۱۴	کار با مواد طبیعی	۸۶
۱۵	صدا سازها	۹۴
۱۶	بخش دوم دوخت	۱۰۱
۱۷	دکمه دوزی	۱۰۲
۱۸	بخش سوم نقاشی	۱۰۹
۱۹	نقاشی با مهره حساب	۱۱۳
۲۰	بخش چهارم قصه و شعر	۱۲۴
۲۱	داستان اول	۱۲۶
۲۲	شاهنامه خوانی	۱۳۵
۲۳	نمایش	۱۴۲
۲۴	بخش پنجم تمرینات شنیداری	۱۶۴
۲۵	تمرینات شنیداری	۱۶۵
۲۶	موسیقی	۱۷۰
۲۷	منابع	۱۸۱



باید برای کودکان امکان کشف و ارتباط با جهان، شناخت و احساس جایگاهی که در جهان دارند را فراهم کنیم. مهم‌ترین ابزارهای آموزشی، ابزارهای پیشرفته به لحاظ تکنولوژیک نیستند. بلکه دست‌ها هستند. دست‌ها را آزاد کنید.

«ماریا مونته سوری»

بخش اول: کار دستی



کاردستی محصول فعالیت، همکاری و هماهنگی بین ذهن، چشم و دست در ساختن اشیاء است و باعث پرورش خلاقیت، تخیل و تفکر کودکان می‌شود. به کمک این فعالیت سرگرم‌کننده و آموزنده، می‌توان مهارت‌های فردی و گروهی کودکان را تقویت کرد و از این طریق، سطح فرهنگ تجسمی آن‌ها را بالا برد تا به کشف محیط اطراف خود و زیباسازی آن بپردازند. کودکان با انجام دادن کاردستی، ضمن پرورش قوه‌ی تخیل خویش وسایل موردنیازشان را نیز می‌سازند؛ بنابراین می‌توان گفت که کاردستی:

۱. باعث پرورش روزافزون تخیل، تفکر و قوه‌ی خلاقیت کودکان و در نتیجه، بازآفرینی آنان می‌شود.
۲. اوقاتی لذت‌بخش و سرگرم‌کننده را برای آن‌ها فراهم می‌سازد.
۳. به کودکان یاد می‌دهد که فقط مصرف‌کننده نباشند بلکه سازنده و خلاق باشند و حتی اشیای دورریختنی را تغییر دهند و آن را کاربردی سازند.
۴. توجه کودکان را به تغییر و زیباسازی محیطی که در آن زندگی می‌کنند (محیط فردی و اجتماعی)، جلب می‌کند.
۵. کودکان را با مواد و ابزار مختلف و کاربردهای گوناگون آن‌ها آشنا می‌سازد.
۶. کودکان با ساختن انواع کاردستی در مناسبت‌های مختلف اجتماعی، با آداب و رسوم و فرهنگ جامعه‌ی خود آشنا می‌شوند.
۷. توانایی‌های فیزیکی و حواس مختلف کودکان، به‌ویژه حس لامسه و بینایی آن‌ها را تقویت می‌کند و به‌طور کلی، دقت و حساسیت آنان را نسبت به محیط اطراف و آنچه در آن وجود دارد، افزایش می‌دهد.

فعالیت‌های یادگیری

مجموعه‌ی فعالیت‌هایی که دانش‌آموزان در ساعت درس هنر انجام می‌دهند تا به اهداف کلی درس هنر در بخش کاردستی برسند، با عنوان فعالیت‌های یادگیری آمده است. ابتدا برای سهولت اجرای این برنامه به معلم توصیه‌هایی می‌کنیم تا وی با استفاده از آن‌ها بتواند فرصت مناسبی را برای کلاس خود فراهم آورد.

توصیه‌هایی برای اجرای برنامه:

۱. معلم، برای استفاده‌ی بهتر از زمان در بعضی از فعالیت‌ها، از قبل دانش‌آموزان را برای انجام دادن کاردستی آماده می‌کند. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که در فرصت‌های مناسب، نمونه انواع شکل‌ها را در اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف آماده کنند و همراه داشته باشند و در کلاس هنر با استفاده از نمونه‌های آماده، ایده‌های بیشتری را به اجرا درآورند. انتخاب شکل، روش کشیدن آن روی زمینه و نحوه‌ی برش دادن آن به عهده‌ی دانش‌آموز است.
۲. برای ساختن هر کاردستی، ابزار و مواد مختلفی موردنیاز است. معلم می‌تواند در ابتدای سال از دانش‌آموزان بخواهد که هرکدام یک کیسه‌ی نایلونی یا جعبه‌ی مناسب برای خود تهیه کرده و ابزار و مواد مورد استفاده در

فعالیت‌های کاردستی مانند خرده‌های کاغذ و مقوای رنگی، کاغذهای کهنه که تصویر رنگی دارند، کارت‌پستال‌ها، چسب، قیچی نوک‌گرد، پولک، روبان، تکه پارچه، برگ، صدف، شاخه، سنگ‌ریزه، نخ کاموا و ... را جمع‌آوری و در آن نگهداری کنند. به این ترتیب، توجه آن‌ها به جمع‌آوری مواد و وسایل مورد نیاز جلب می‌شود و در مورد تهیه ابزار و مواد، استفاده‌ی بهتر و نگهداری از آن‌ها بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند. بعضی از این ابزار و مواد را می‌توان در ابتدای سال تحصیلی تهیه و در کلاس نگهداری کرد؛ مثلاً برای فعالیت‌های کاغذ و مقوا می‌توان از مدیر مدرسه، اولیا و دیگران کمک خواست تا انواع کاغذ و مقوای باطله‌ی تمیز را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند. تهیه‌ی بعضی از مواد - مانند گل رس - را هم هر دانش‌آموز به‌طور مستقل می‌تواند برعهده بگیرد و هم مسئولان مدرسه می‌توانند به‌اندازه‌ی همه‌ی دانش‌آموزان تهیه کنند و در اختیار آن‌ها قرار دهند. برای انجام دادن فعالیت‌های کاردستی، با توجه به امکانات محیط و شرایط موجود در هر منطقه می‌توان ابزار و موادی را با نمونه‌های پیشنهادی در برنامه جایگزین کرد. معلم، دانش‌آموزان را هدایت می‌کند که این مواد و ابزار را پیدا کنند و در هر برنامه، مورد استفاده قرار دهند. در هر صورت بهتر است معلم، طرح آموزشی چند جلسه‌ی درس هنر را از قبل آماده کند و موضوع و ابزار و مواد مورد نیاز را به اطلاع دانش‌آموزان برساند تا آمادگی اجرای برنامه را داشته باشند.

۳. دانش‌آموزان برای ساختن کاردستی باید از ایده‌های شخصی خود استفاده کنند. معلم، نمونه‌ی کار آماده را به آنان نشان نمی‌دهد؛ زیرا هدف، الگوبرداری نیست. بیان ویژگی‌های ماده‌ی مورد استفاده، امکانات آن و ایجاد انگیزه برای فعالیت، دانش‌آموز را برای آغاز کار آماده می‌کند. معلم در مراحل مختلف کار، نقش راهنما را بر عهده دارد.

۴. گنجاندن کار گروهی در برنامه‌ی دانش‌آموزان لازم است و آن را به چند روش می‌توان انجام داد:

الف- همه‌ی کلاس در تکمیل یک کار مشترک شرکت می‌کنند و با کنار هم گذاشتن بخش‌های مختلف کارها، یک اثر بزرگ و کامل ایجاد می‌شود.

ب - دانش‌آموزان کلاس به چند گروه تقسیم می‌شوند؛ به‌طوری‌که کار هر گروه با گروه دیگر متفاوت است. هر یک از گروه‌ها، شکل دلخواه خود را می‌سازد. (اعضای یک گروه، ترکیبی از همه‌ی معلولیت‌ها باشد).

بهتر است دانش‌آموزان کاردستی‌هایی را که می‌سازند، به‌خوبی نگه دارند. آن‌ها را راهنمایی کنید تا کاردستی‌های مسطح را به ترتیب تاریخ اجرا در پوشه‌ی کار خود قرار دهند؛ کاردستی‌هایی را که حجم دارند (مانند کار با سنگ)، در جعبه‌ی مقوایی بگذارند.

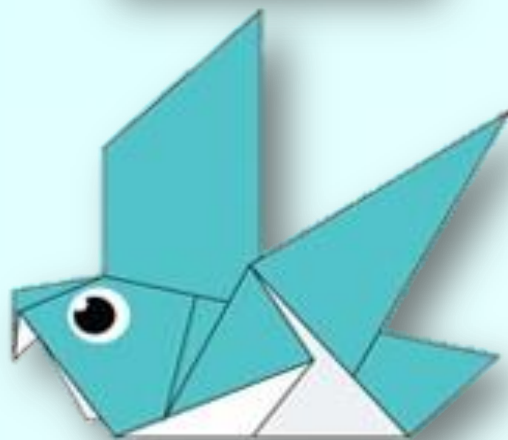
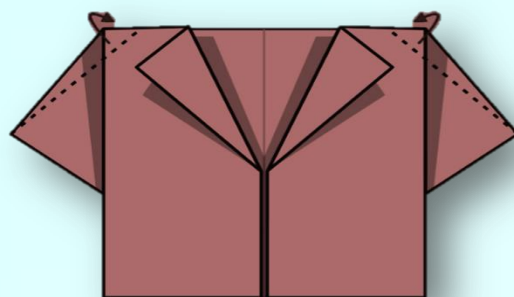
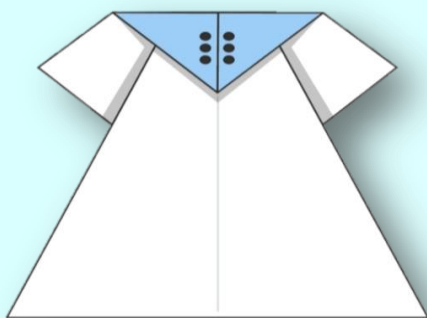
فعالیت‌های بخش کاردستی

کاغذ و تا	۱.درخت ۲.پیراهن پسرانه ۳.پیراهن دخترانه ۴.پرنده ۵.ساک دستی
کاغذ و برش	۱.گل صد برگ ۲.لاک پشت ۳.آویز ستاره ۴.خرگوش شیطان
کار با مقوّا	۱.دسته تنیس ۲.جعبه هدیه ۳.صورتک نمایشی
کار با خمیر	۱.گربه ۲.قلک سیب ۳.ماشین ۴.گل تزئینی
کار با مروارید	۱.دستبند فنری ۲.شمع تزئینی
کلاژ	۱.گل آفتابگردان ۲.منظره
دورریختنی	۱.فوتبال دستی ۲.جامدادی_جعبه‌ی خیاطی ۳.گل فنری
کار با هسته	۱.گل با هسته کدو ۲.جعبه تزئینی
کار با نمد	۱.گل کوکب ۲.جامدادی
کار با کاموا	۱.گوشواره ۲.توپ تزئینی ۳.مچ‌بند
کار با مواد طبیعی	۱.سیر پنبه‌ای ۲.کیسه هدیه ۳.سبد کنفی میوه
صداسازها	۱.شیکر ۲.نی ۳.بلز

وسایل مورد نیاز بخش کاردستی

۳۹. گیره فلزی	۲۱. گل رس	۱. کاغذ رنگی
۴۰. رنگ انگشتی	۲۲. لیوان یکبار مصرف	۲. ماژیک
۴۱. پاستل روغنی	۲۳. روغن جلا	۳. چشم و بینی عروسکی
۴۲. اسفنج (ابر)	۲۴. گواش و آبرنگ	۴. مداد و مداد رنگی
۴۳. نمد	۲۵. کاور لباس	۵. قیچی
۴۴. کاتر یا چاقو	۲۶. تخمه آفتابگردان	۶. چسب مایع
۴۵. بند کفش	۲۷. چسب حرارتی	۷. خط کش
۴۶. قلم مو	۲۸. دانه آفتابگردان	۸. کارگاه گلدوزی
۴۷. بشقاب یکبار مصرف	۲۹. چسب چوب	۹. نی
۴۸. تخم شنبلیله و نخود	۳۰. پیپ پاکن	۱۰. نخ و کاموا
۴۹. کیسه فریزر	۳۱. نخ کنفی	۱۱. چسب نواری
۵۰. لایه چسب	۳۲. گونی	۱۲. رولت خیاطی
۵۱. پنبه	۳۳. درب شیشه مربا	۱۳. زیپ
۵۲. چسب ماتیکی	۳۴. بطری پلاستیکی	۱۴. جعبه کفش
۵۳. ماکارونی فرمی	۳۵. میله چوبی	۱۵. دانه ذرت
۵۴. روبان	۳۶. اسپری رنگ طلایی	۱۶. سوزن
۵۵. شن رنگی	۳۷. رول دستمال کاغذی و حوله	۱۷. کاموا
۵۶. ماژیک پفی	۳۸. درب پلاستیکی نوشابه	۱۸. مقوارنگی
		۱۹. کارتن
		۲۰. خمیربازی

کاغذ و تا



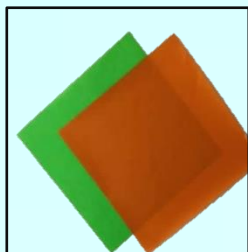
درخت

وسایل موردنیاز: کاغذ رنگی سبز و قهوه‌ای.

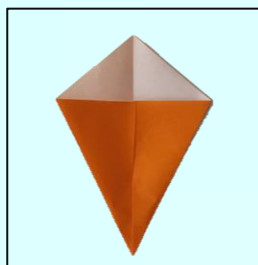
مربیان گرامی:

۱. دو مربع هم‌اندازه، به رنگ‌های سبز و قهوه‌ای آماده کنید.

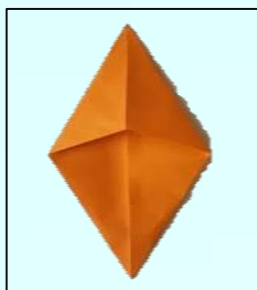
ابتدا برای ساقه، مربع قهوه‌ای را از جهت دو قطر تا بزنید.



۲. از گوشه‌ی پایین دو لبه‌ی کاغذ را به سمت داخل تا بزنید.

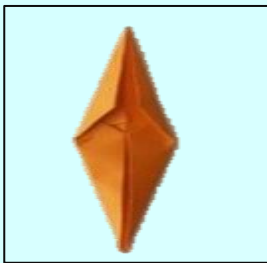


۳. از گوشه‌ی بالا هم به سمت پایین تا بزنید.



۴. از سمت پایین دوباره به سمت داخل از دو طرف تا بزنید.

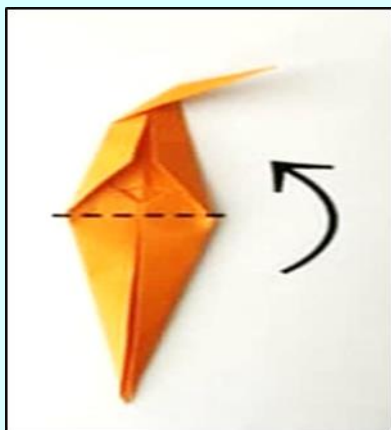




۵. از گوشه‌ی بالا هم دوباره از دو طرف به سمت داخل تا بزنید.

۶. از گوشه‌ی بالا به اندازه‌ی دو سانتی‌متر به سمت پایین تا بزنید. تا حالت گوشه و شاخه پیدا کند.

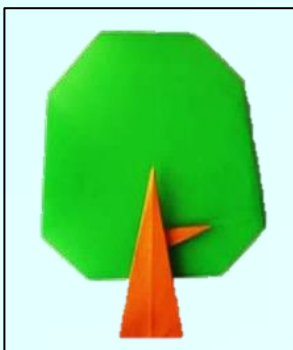
سپس از سمت گوشه‌ی پایین به سمت وسط تا بزنید. (تنه‌ی درخت آماده است.)



۷. کاغذ سبز را از هر چهار گوشه به اندازه‌ی یک مثلث کوچک به سمت داخل تا بزنید تا قسمت بالای درخت درست شود.



۸. حالا آن را برگردانید و تنه را روی قسمت بالایی درخت قرار دهید.



پیراهن پسرانه

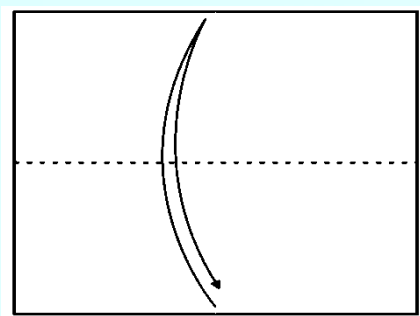
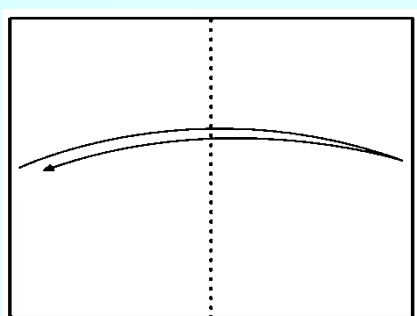
وسایل مورد نیاز: کاغذ رنگی

مربیان گرامی:

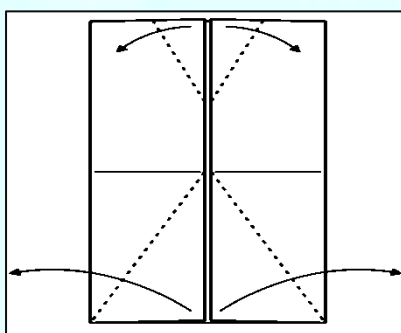
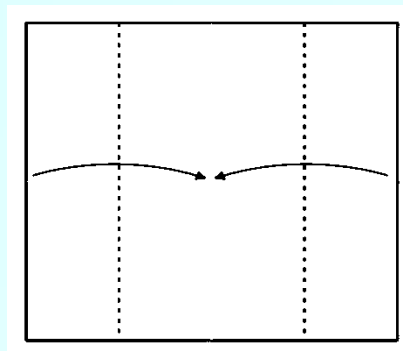
برای ساخت لباس‌های پسرانه و دخترانه کاغذی، دو روش آسان و مشکل پیشنهاد می‌شود که با توجه به توانایی‌های دانش‌آموزان در کلاس قابل اجرا است.

هر دو روش طبق مراحل نشان داده شده انجام شود.

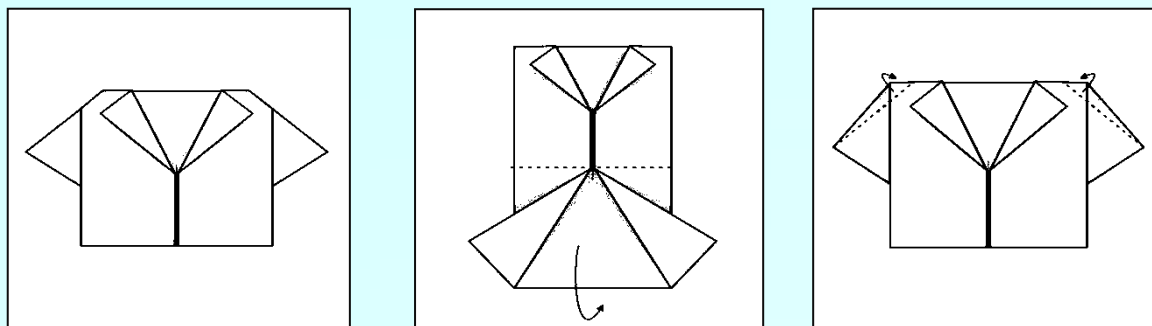
۱. در مرحله اول و دوم کاغذ انتخاب شده را طوری تا بزنید که اضلاع روبه‌رو، روی هم قرار بگیرد سپس کاغذ را تا کرده و دوباره باز کنید تا دو خط تایی عمود بر هم داشته باشید.



۲. کناره‌های چپ و راست را به روی خط تایی وسط تا کرده و طبق شکل از بالا و پایین لبه‌های باز را به صورت مثلثی به سمت بیرون تا بزنید تا قسمت بالا که کوچک‌تر است برای یقه و قسمت پایین خط وسط برای آستین‌ها باشد.



۳. سپس از خط تایی وسط به سمت پشت تا زده تا قسمت آستین آن در دو طرف بالا قرار بگیرد و در آخر از قسمت سرشانه مانند شکل زیر به سمت پشت کار تا بزنید.



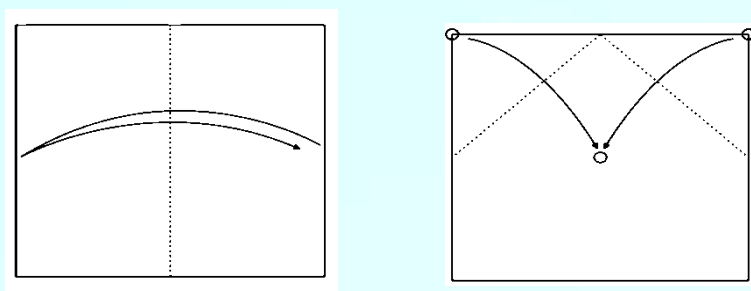
پیراهن دخترانه

وسایل مورد نیاز: کاغذ رنگی.

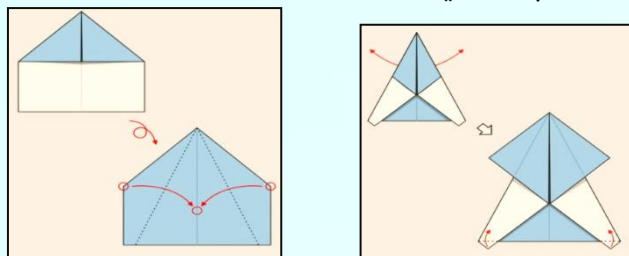
مربی: گرامی:

۱. در ابتدا دو طرف چپ و راست کاغذ را روی هم قرار داده و خط تا ایجاد کرده و سپس آن را باز کنید.

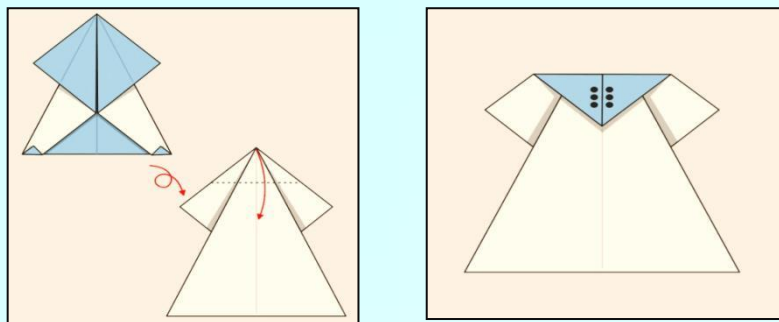
در مرحله بعد دو طرف لبه های بالای کاغذ را به سمت خط تایی وسط به صورت مثلثی به داخل تا کنید.



۲. کار را به پشت برگردانده و دوباره مانند شکل زیر دو گوشه بالا را روی خط وسط تا کنید و لبه های زیر بالای شکل را به سمت بیرون باز کرده و قسمت های اضافه پایین را نیز به سمت بالا تا کنید.



۳. کاغذ را به پشت برگردانده مطابق شکل از بالا به صورت مثلثی تا بزنید. پیراهن دخترانه شما آماده است. برای زیبایی کار می‌توانید دکمه‌هایی را در قسمت بالا بچسبانید.

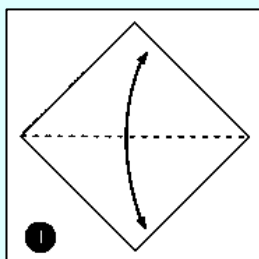


پرنده

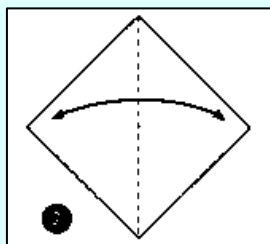
وسایل مورد نیاز:

کاغذ رنگی لوزی شکل، مداد رنگی.

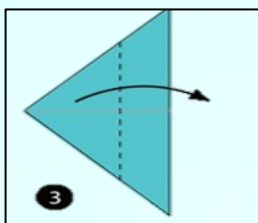
مربیان گرامی:



۱. گوشه‌های بالا و پایین لوزی را مطابق شکل تا بزنید، تا خط تا مشخص شود.

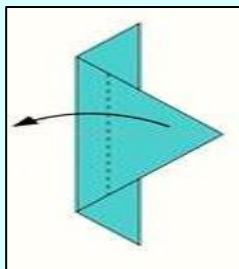


۲. گوشه سمت راست را بر روی گوشه سمت چپ تا بزنید.

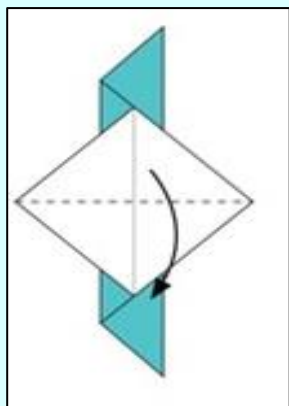


۳. مطابق شکل از قسمت نقطه چین به سمت راست تا بزنید.

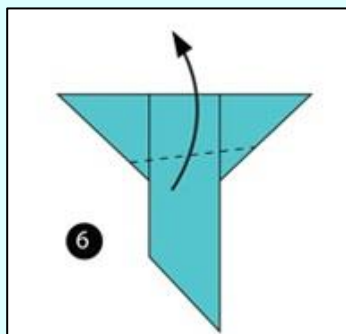
۴. از قسمت نقطه چین به سمت چپ تا بزنید.



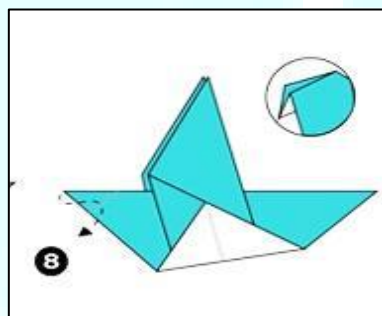
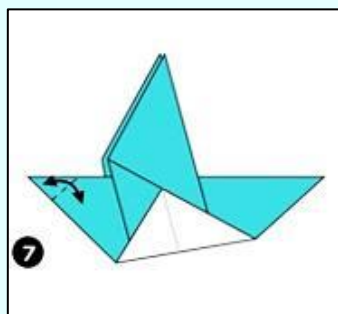
۵. از دو روی کاغذ، رویه بالایی را به سمت راست برگردانید، و مطابق نقطه چین از بالا به پایین تا بزنید.



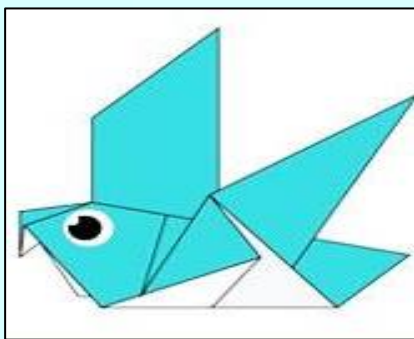
۶. رویه بالایی شکل را از قسمت نقطه چین به طرف بالا و رویه‌ی زیر شکل را به همین صورت به طرف پشت تا بزنید.



۷. نوک سمت چپ را از قسمت نقطه چین از هر دو سمت تا بزنید و هم‌زمان نوک تصویر را به داخل تا بزنید.



۸. با رنگ کردن چشم‌های پرنده یا چسباندن چشم عروسکی، کاردستی آماده می‌شود.



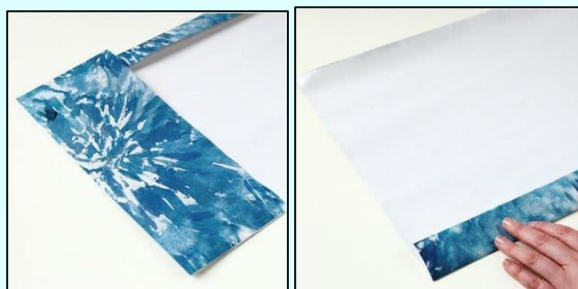
ساک دستی

وسایل موردنیاز: کاغذرنگی

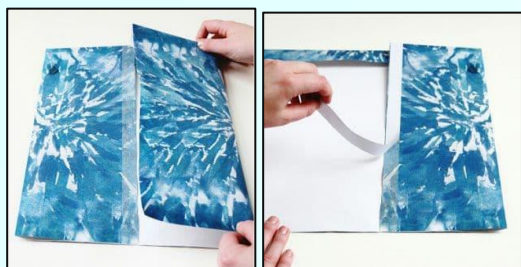
مربیان گرامی:



۱. کاغذرنگی یا کاغذ کادو را برعکس کنید و به اندازه‌ی ۳ تا ۵ سانت از لبه یک سمت کاغذ را مثل تصویر تا بزنید.



۲. کاغذ را ۱۸۰ درجه بچرخانید. وسط کاغذ را مشخص کرده، سمت دیگر کاغذ را تا آن علامت تا بزنید. روی لبه‌ی تاخورده، یک تکه چسب نواری یا چسب ماتیکی بچسبانید.



۳. سمت پایینی کاغذ را به سمت بالا تا بزنید. هر چه این قسمت را بالاتر ببرید، حجم بسته‌ی شما بزرگ‌تر خواهد بود.
۴. سپس قسمت پایینی کیف را باز کرده تا بزنید. دو مثلث در کناره‌ها و یک خط جداکننده‌ی عرضی در وسط کار خواهیم داشت.



۵. لبه‌ی پایینی این قسمت را به سمت بالا تا بزنید تا به خط جداکننده برسد. سپس روی لبه‌ی بخش تا شده را چسب بزنید تا لبه‌ی بالایی روی آن چسبانده شود.



۶. در این مرحله با تا زدن لبه‌های جانبی ساک، دیواره‌های کناری ساک دستی تشکیل می‌شود. تا‌های ایجاد شده را کاملاً محکم کنید. حالا ساک را باز کرده، کناره‌ها را با دست باز کنید.



۷. چند مقوا یا کارت را کف ساک قرار دهید تا محکم‌تر شود. با یک پانچ بخش بالایی ساک را سوراخ کنید.



۸. حالا هرطور که دوست دارید، ساک زیبای خود را تزئین کنید.



کاغذ و برش



گل صد برگ

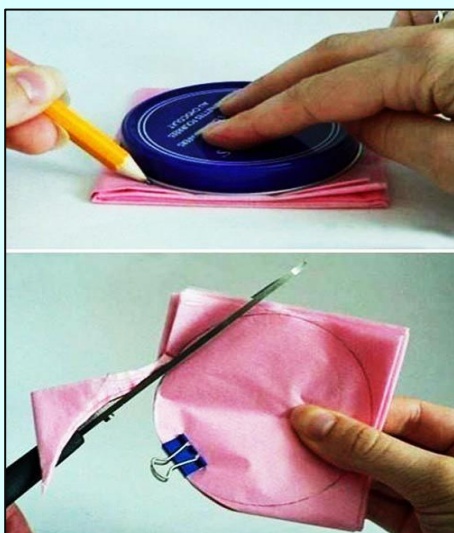
وسایل مورد نیاز:

کاغذ رنگی، قیچی، گیره، درب شیشه مربا یا هر وسیله گرد.

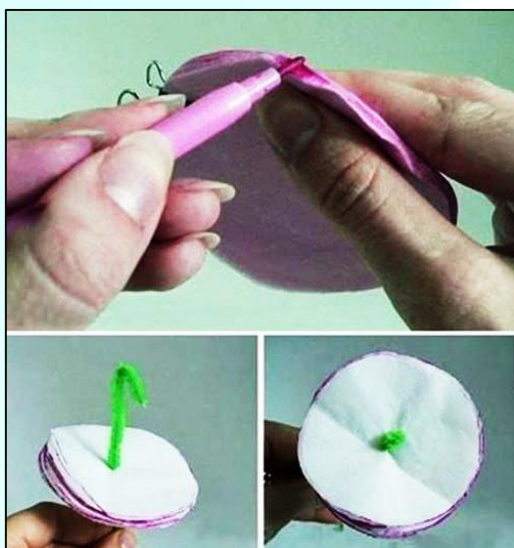
مربیان گرامی:

۱. برای درست کردن این کاردستی با کاغذ رنگی باید از کاغذهای نازک استفاده کنید تا گل زیبا و ظریف تر شود.

۲. یک کاغذ را بردارید مثل تصویر زیر چند بار تا بزنید بعد روی آن شکل دایره بکشید و دور تا دور آن را ببرید. یک گیره نگه دارنده کاغذ روی دایره بزنید تا برگه ها از هم جدا نشوند.



۳. دور تا دور دایره ها را با یک ماژیک رنگ کنید. بعد یک ساقه گل را در مرکز دایره فرو کنید و سر آن را حالت قلاب در آورید. ساقه گل باید ۲ سانتی متر بالاتر از دایره ها قرار بگیرد.



۴. حال هر برگ را جداگانه دور ساقه گل جمع کنید. تا آخرین دانه برگ کاغذ این کار را تکرار کنید و بعد نقطه اتصال ساقه با آخرین گلبرگ را چسب بزنید.



لاک پشت

وسایل مورد نیاز:

کاغذ رنگی، قیچی، چسب ماتیکی و مدادرنگی.

مربیان گرامی:

۱. لبه یک نوار زرد را به صورت موج دار برش داده، سپس آن را روی یک ورق آبی بچسبانید تا دریا، شن و ماسه را نشان دهد.

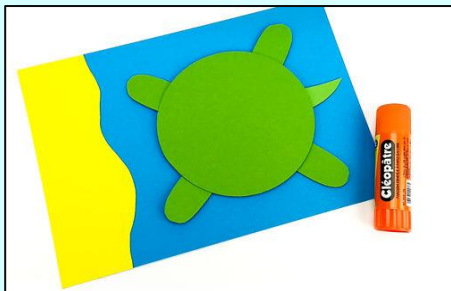


۲. قسمت‌های بدن لاک پشت را به این ابعاد قیچی کنید:

- یک دایره ۷ سانتی متری (سر)
- یک دایره ۱۴ سانتی متری (بدن)
- چهار عدد پا (مطابق شکل)
- یک دم (مطابق شکل)



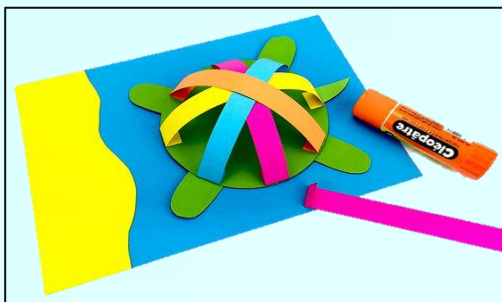
۳. قسمت‌های مختلف بدن لاک پشت را به هم وصل کنید (به جز سر)، سپس آن را روی کاغذ آبی قبلی بچسبانید.



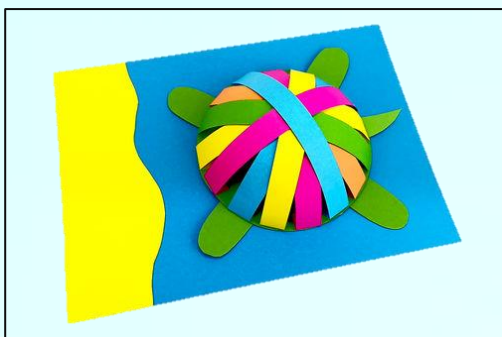
۴. هشت نوار از کاغذهای رنگی مختلف را با عرض ۲ سانتی‌متر و طول ۲۱ سانتی‌متر برش بزنید.



۵. دو سمت نوارها را تا کنید. سپس آن‌ها را در دو طرف دایره بزرگ سبز بچسبانید تا لاک پشت ساخته شود.



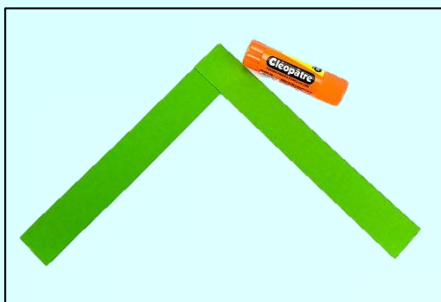
۶. پس از چسباندن همه نوارها شکل زیر به دست می‌آید.



۷. با استفاده از مدادرنگی (یا چشم‌های عروسکی آماده)، روی سر لاک پشت چشم بگذارید.



۸. دو نوار به عرض ۴ سانتی‌متر و طول ۳۰ سانتی‌متر برش بزنید و مطابق شکل چسب بزنید.



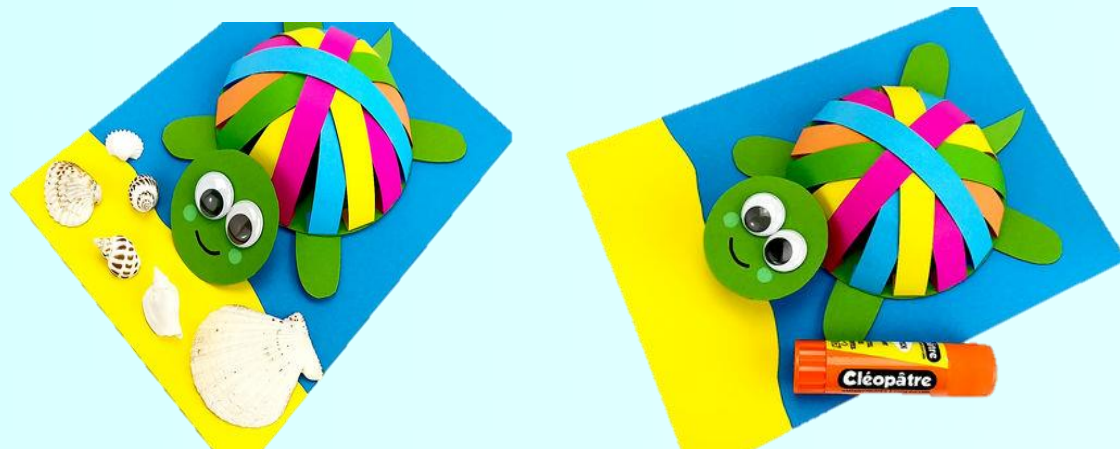
۹. نوارهای کاغذی را یک در میان روی هم تا زده و انتهای آن‌ها را چسب بزنید.



۱۰. سر لاک پشت را روی فنر کاغذی بچسبانید.



۱۱. با چسباندن سر و فنر کاغذی به کنار بدن لاک پشت کاردستی ما کامل می شود. برای زیبایی بیشتر کار می توانید از صدف ها استفاده کنید.



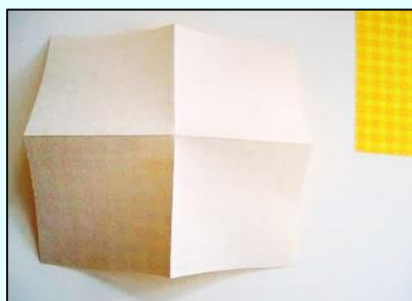
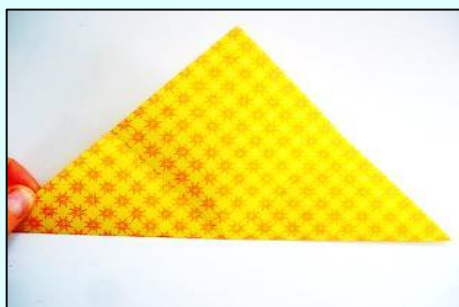
آویز ستاره

وسایل مورد نیاز:

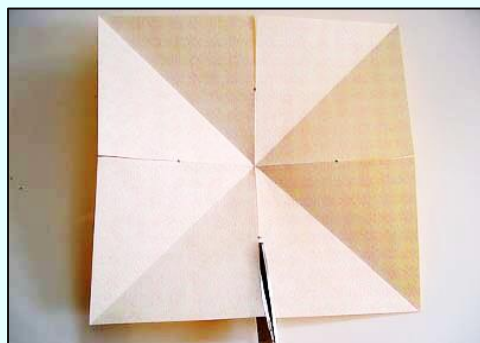
کاغذ رنگی (به رنگ دلخواه)، قیچی و چسب.

مربیان گرامی:

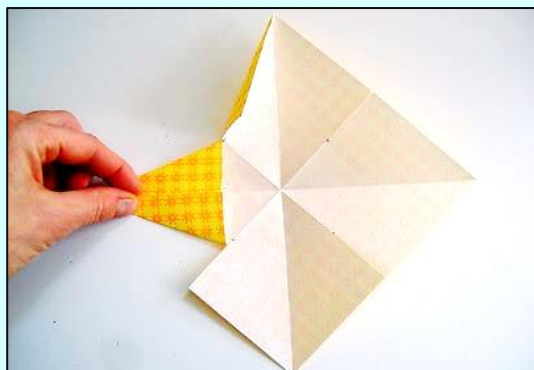
۱. یک کاغذ رنگی مربعی به ابعاد دلخواه بردارید (هرچه کاغذ بزرگ تر باشد ستاره بزرگ تری خواهید داشت). و طبق تصویر تا بزنید.



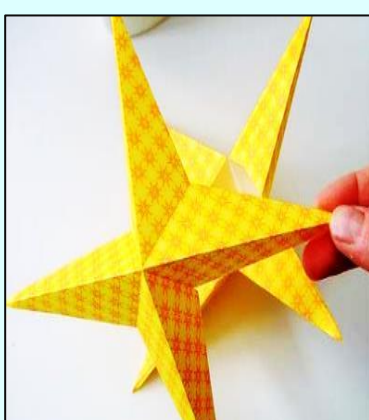
۲. در این مرحله با استفاده از قیچی قسمت های مشخص شده را برش بزنید و دقت کنید که برش ها به یک اندازه باشند تا ستاره متقارن شود.



۳. طبق تصویر قسمت‌های برش داده شده را تا خط تا بزنید و با استفاده از چسب بچسبانید.



نکته: برای برجسته شدن کار لازم است لایه‌های برش خورده را کاملاً تا خط تا زده شده روی هم گذاشته و بچسبانید.



طبق مراحل بالا یک ستاره دیگر درست کنید و به کمک چسب هر دو ستاره را به هم بچسبانید.

۴. ستاره شما آماده است حالا می‌توانید با استفاده از نخ آن را آویزان کنید و لذت ببرید.



خرگوش شیطان

وسایل مورد نیاز:

کاغذ رنگی به رنگ های دلخواه، قیچی، چسب، ماژیک برای رسم چشم یا در صورت تمایل چشم عروسکی.

مربیان گرامی:

۱. دو کاغذ را به شکل مستطیل نواری هم اندازه برش دهید و سر نواریها را مطابق تصویر روی هم قرار دهید. به مربع ایجاد شده توجه کنید.



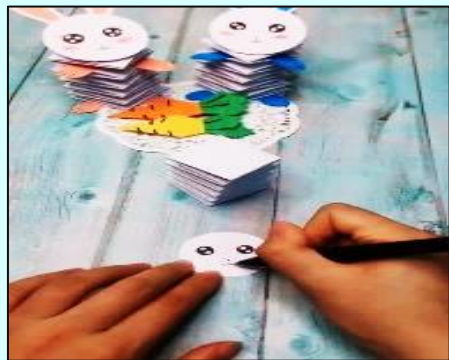
۲. حالا دو نوار دارید و یک مربع، نواریها را به نوبت روی مربع تا بزنید، تا به انتهای نواریها برسید.



۳. اضافی نوار را مطابق شکل، با قیچی برش بزنید. بدن خرگوش ما آماده است.



۴. دایره‌ای را جهت آماده‌سازی صورت، البته متناسب با بدن از مقوا برش بزنید و چشم و دهان خرگوش را رسم کنید.



۵. پشت و روی کاغذ مربع شکل کوچک را چسب بزنید و یک طرف آن را روی بدن خرگوش بچسبانید و روی طرف دیگر آن سر خرگوش را بچسبانید.



۶. از مقوا برای خرگوش، گوش، دست و پا درست کنید و با چسب ماتیکی در مکان‌های مناسب آن را بچسبانید.



کار با مقوا



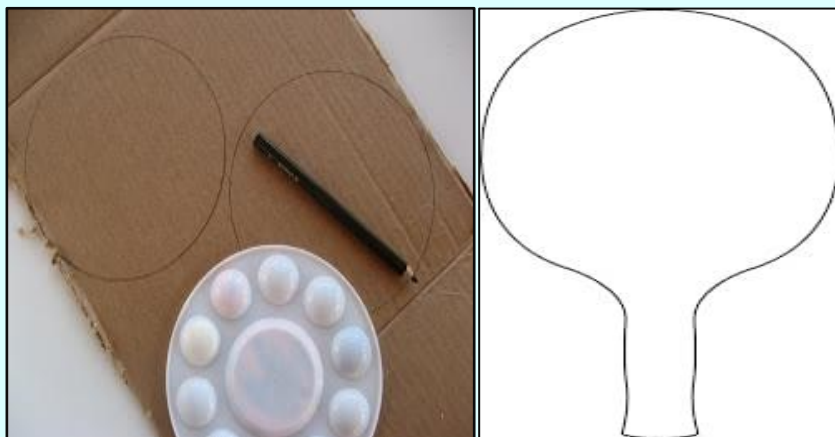
راکت تنیس

مواد و ابزار لازم:

مقوا، ماژیک قرمز و سیاه، چسب، قیچی و بادکنک.

مربیان گرامی:

۱. دو دایره‌ی هم‌اندازه ببرید. سپس آن‌ها را با چسب به هم بچسبانید.



۲. دو طرف دایره را با ماژیک قرمز رنگ کنید.

۳. دو مستطیل باریک (به‌عنوان دسته‌ی راکت) بریده و روی هم بچسبانید، به‌طوری‌که یک سر آن‌ها به هم متصل نباشد.

۴. مستطیل‌ها را با ماژیک رنگ کنید.

۵. دایره‌های به‌هم‌چسبیده را بین انتهای دو مقوای مستطیل شکل قرار داده و به هم بچسبانید. می‌توانید از یک بادکنک برای روکش دسته‌ی راکت استفاده کنید.



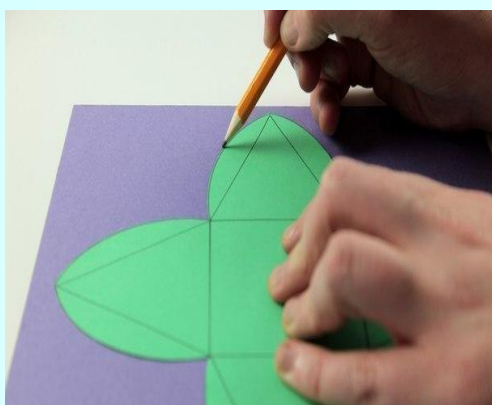
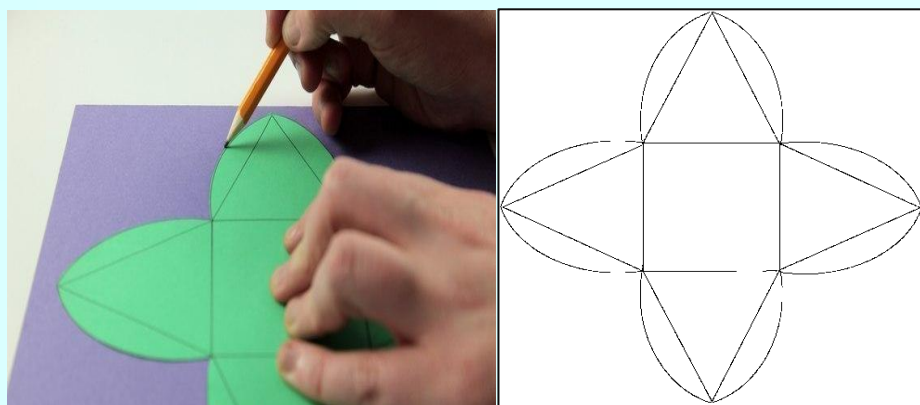
جعبه هدیه

وسایل مورد نیاز:

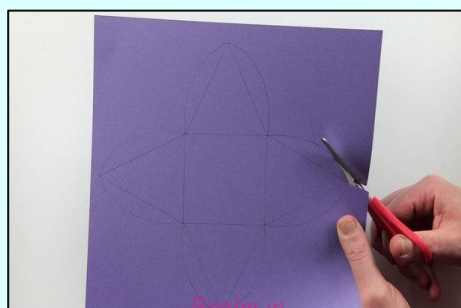
مقوا، قیچی، خط کش، مداد، نخ کاموا و پانچ.

مربیان گرامی:

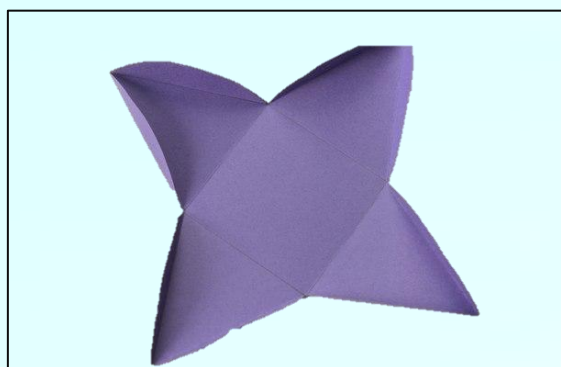
۱. الگویی مانند شکل روبرو را بر روی مقوا رسم کنید.



۲. الگوی رسم شده را مطابق شکل قیچی نمایید.



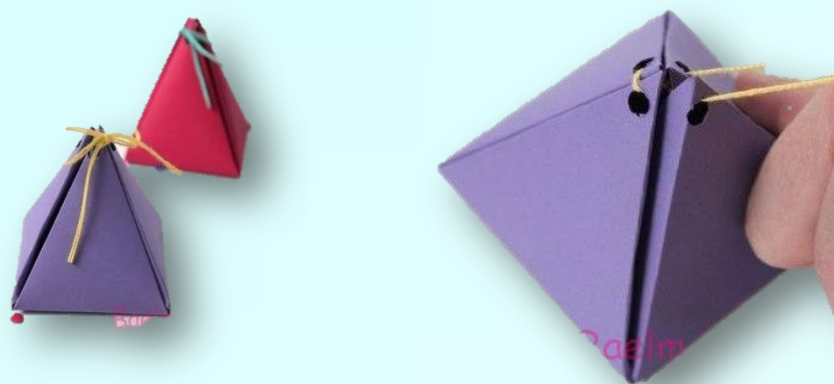
۳. با استفاده از خط کش، قسمت وسط و کناره های شکل را مطابق خط های رسم شده به طرف داخل تا بزنید.



۴. با استفاده از پانچ گوشه‌ها را سوراخ و مطابق شکل نخ کاموا را از آن عبور دهید.



۵. با بستن نخ‌های کاموا کاردستی ما کامل می‌شود.



صور تک نمایشی

وسایل موردنیاز:

مقوا یا کاغذ A۴، مدادرنگی یا هر وسیله رنگ‌آمیزی دیگر، قیچی، پانچ، کش و چسب نواری.

مربیان گرامی:

بچه‌ها دوست دارند با ماسک‌های دست‌ساز به حیوانات بازیگوش تبدیل شوند. شما می‌توانید کودکان را با این ماسک‌ها سرگرم کنید و همچنین آن‌ها را با انواع حیوانات آشنا کنید.

۱. ماسک حیوان موردنظر خود را انتخاب کنید. می‌توانید هریک از این ماسک‌ها را روی برگه A۴ چاپ کنید یا روی مقوا بکشید.



۲. صورت حیوان را رنگ کنید.



۳. ماسک را برش دهید.

با کمک مربی سوراخ‌های چشم را ببرید.

۴. سوراخ‌هایی که برای زدن کش در نظر گرفتید را محکم کنید.



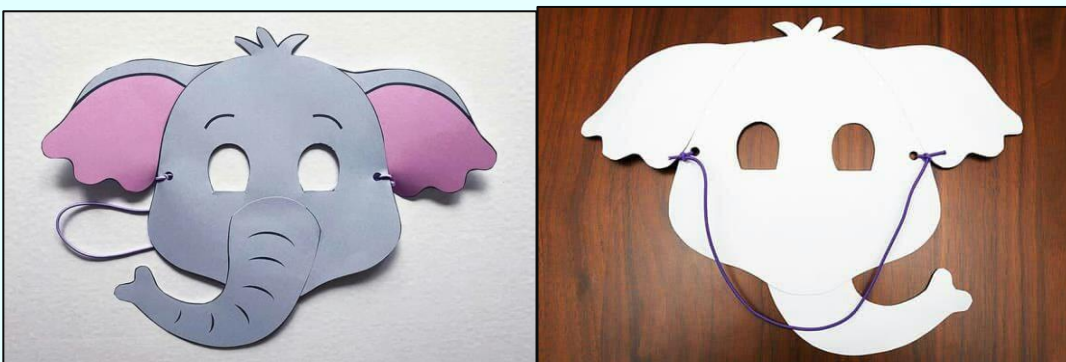
برای محکم کردن این سوراخ‌ها، نوار چسب شفاف را روی سوراخ‌های مشخص شده قرار دهید و چسب را به سمت پشت ماسک تا کنید.

۵. محل قرارگیری کش‌ها را سوراخ کنید.

۶. کش را وصل کنید.

به اندازه دور سر کش ببرید. سر هر کش را روی هر سوراخ ببندید. ماسک را امتحان کنید. باید کاملاً اندازه باشد اما خیلی محکم نباشد. در صورت لزوم طول کش را تنظیم کنید.

ماسک شما آماده است. می‌توانید از انواع حیوانات برای درست کردن ماسک استفاده کنید.



کار با خمیر و گل رس



گربه

وسایل مورد نیاز:

گل رس، قلم‌مو، گل رقیق شده، رنگ و جلادهنده.

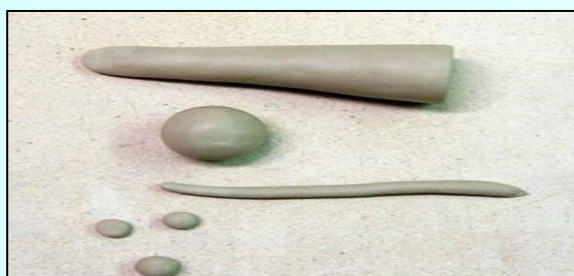
مربیان گرامی:

۱. گل سفالگری را به صورت آماده تهیه کنید و کمی گل رقیق شده هم کنار دستتان بگذارید.

۲. از گل، یک تکه بردارید و به شکل مخروط در بیاورید. این تنه و بدن گربه است.



۳. یک گردی برای سر، یک تکه به شکل دم و سه گردی کوچک هم برای چشم و بینی گربه آماده کنید.



۴. مخروط را روی سطح صاف بگذارید و سر را با کمی گل رقیق شده بچسبانید.



۵. دم را بچسبانید.



۶. یکی از گردی ها را نصف کنید.



۷. گردی های نصف شده را روی صورت بچسبانید.



۸. با انتهای قلم‌مو، جای چشم را کمی گود کنید.



۹. یکی از گردی ها را برای بینی به شکل مثلث درآورید و دو کره دیگر را داخل گودی چشم بچسبانید.



۱۰. با انگشت مرطوب، خطوط را محو کنید.

۱۱. روی صورت گربه را مثل شکل طراحی کنید.



۱۲. برای پا هم دو گردی دیگر درست کنید و مطابق شکل روی آن خط بکشید و به بدن گربه وصل کنید.



۱۳. خطوط پشت گردن و اطراف دم را هم محو کنید.

۱۴. بعد از خشک شدن مجسمه در سایه، دوباره با چسب چوب شفاف رقیق شده، سطح کار را بپوشانید و بگذارید کاملاً خشک شود و بعد با گواش، گربه را رنگ کنید.

می توانید از اسپری براق کننده برای جلوه دادن به کارتان استفاده کنید.



قلک سیب

وسایل موردنیاز:

گل رس، یک پیاله کوچک آب، کاور لباس، زیرانداز برای کار و یک عدد دندان .

مربیان گرامی:

۱. دانش آموزان در کلاس چهارم درست کردن سبد را یاد گرفتند (مقداری از خمیر را در کف دست گرد کنید. سپس وسط آن را با انگشت شست گود کنید تا به شکل کاسه سبد درآید). طبق مراحل ساخت سبد، دو سبد هم اندازه درست کنید و دهانه‌ی آن دو را روی هم بگذارید.



۲. برای چسباندن این کاسه‌های سبدي شکل، انگشت خود را کمی با آب خیس کنید و سپس دورتادور شکاف را با گل‌های کناره‌هایشان به هم بچسبانید تا صاف و یکدست شود.



۳. ته قلک سببی را با انگشت شست صاف کنید.

۴. برای قراردادن ساقه و برگ، بالای قلک را با انگشت مطابق شکل گود کنید.



۵. مقداری از گل را به صورت فتیله و سپس آن را به شکل ساقه دریاورید و با زدن آب آن را در سرجای خود ثابت کنید.



۶. مقداری از گل را به شکل برگ درآورید و با خلال دندان رگبرگ آن را بکشید و مطابق شکل کنار ساقه بچسبانید.



۷. در پایان کار محل انداختن سکه را با خلال دندان ایجاد کنید.



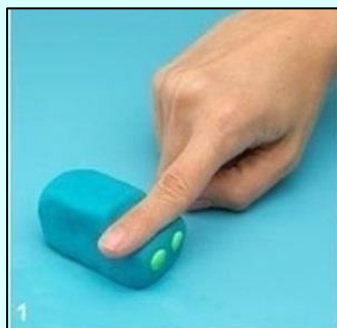
ماشین

وسایل مورد نیاز:

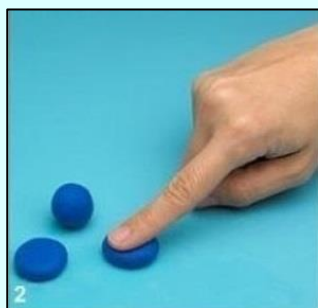
خمیر از رنگ های مختلف.

مربیان گرامی:

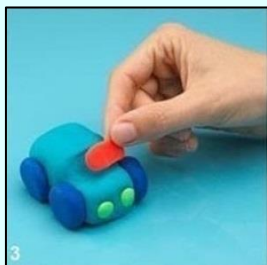
۱. ابتدا کمی خمیر به مقدار دلخواه بردارید و آن را به شکل مکعب مستطیل درآورید، سپس یک قسمت از آن را با کمک انگشت فشار دهید تا قسمت جلوی ماشین تشکیل شود و بعد دو تکه کوچک خمیر از یک رنگ دیگر را به صورت گلوله درآورید و پس از پهن کردن به عنوان چراغ در قسمت جلوی ماشین قرار دهید.



۲. چهار تکه خمیر را به شکل گلوله مطابق تصویر زیر درآورید و بعد از پهن کردن، از آن ها به عنوان چرخ ماشین استفاده کنید.



۳. پس از چسباندن چرخ ها به ماشین، یک تکه خمیر با رنگ متفاوت را به صورت مستطیل در آورید و به عنوان شیشه جلو، مانند شکل زیر به کاردستی بچسبانید.



۴. کاردستی شما آماده است.



گل تزئینی

وسایل مورد نیاز:

خمیر گل چینی، رنگ، چسب و موردی که می‌خواهید گل را روی آن نصب کنید: (مگنت، کش مو، تل، گیره‌ی مو و ...).



مربیان گرامی:

۱. خمیربازی در رنگ‌های دلخواه آماده کنید. (یکی از رنگ‌ها سبز باشد)

یک دایره‌ی کوچک با خمیر سبز درست کرده و آن را پهن کنید.



۲. سه تکه خمیر سبز را با اندازه‌های مساوی جدا کنید و آن‌ها را به شکل دایره درآورید.



۳. دایره‌ها را (مانند تصویر) به شکل برگ درآورید.



۴. برگ‌ها را روی دایره‌ی پهن بچسبانید.



۵. هفت دایره توپی کوچک به رنگ دلخواه درست کنید و به‌عنوان گلبرگ‌های گل روی برگ‌ها بچسبانید. (ترجیحاً یکی از دایره‌ها با رنگ متفاوت در وسط کار چسبانده شود.)



۶. از این گل زیبا در موارد دلخواه زیر استفاده کنید. (مگنت، تل‌مو، گیره‌ی مو، کش مو و جاکلیدی)



کار با مروارید و مهره



دستبند فنی

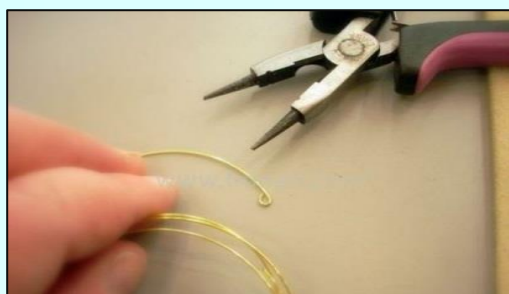
وسایل مورد نیاز:

مروارید سایز ۴، ۵، ۶، ۸ و ۱۰، سیم مفتول برنجی و انبردست.

مربیان گرامی:



۱. مفتول را به طول تعداد لایه‌هایی که می‌خواهید دستبند دوردست ببیچد، اندازه زده و انتهای مفتول را با انبر حلقه کنید.



۲. مرواریدها را با ترکیب‌بندی دلخواه (سایزها و رنگ‌های مختلف)، با توجه به توانمندی‌های دانش‌آموزان، یکی‌یکی از مفتول رد کرده و انتهای مفتول را هم با انبر حلقه کنید.



۳. نتیجه ی نهایی به شکل زیر خواهد بود.



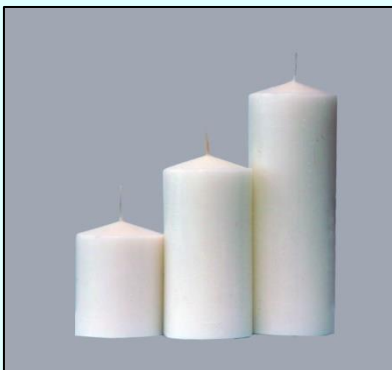
شمع

وسایل موردنیاز:

مروارید لپه‌ای متری، چسب حرارتی، متر و شمع در اندازه دلخواه.

مربیان گرامی:

۱. شمع موردنظر خود را انتخاب کنید. دور شمع را با متر اندازه بگیرید و به همان اندازه از ریشه مروارید جدا کنید.



۲. رشته مروارید را با چسب به بدنه شمع بچسبانید.



۳. به این ترتیب سه الی چهار دایره درست کنید و با چسب حرارتی به بدنه شمع بچسبانید.



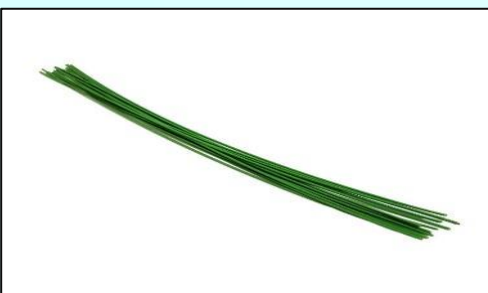
ڪلاڙ



گل آفتاب گردان

وسایل مورد نیاز:

ماکارونی فرمی، تخمه‌ی آفتاب گردان، وسیله‌ی مناسب برای ساقه (ساقه‌ی مصنوعی و ...)، مقوا یا کاغذ و چسب.



مربیان گرامی:

۱. ابتدا با رولت محل مرکز گل را روی مقوا یا کاغذ مشخص کنید تا دانش آموز دایره‌ی مشخص شده را ابتدا با چسب و سپس با تخمه‌های آفتاب گردان پر کند.



۲. سپس مانند شکل، ماکارونی‌های فرمی را اطراف دایره بچسبانید و ساقه‌ی مناسبی که برایش در نظر گرفته‌اید را در جای خود بچسبانید.



منظره

وسایل موردنیاز:

کاموا در رنگ‌ها و انواع مختلف (کاموای کرکی، کاموای مخملی و قیطان)، چسب، قیچی، مقوا رنگی و رولت خیاطی.

مربیان گرامی:

۱. ابتدا طرح موردنظر خود را با رولت خیاطی روی مقوا برجسته کنید.



۲. برای کامل کردن طرح موردنظر از کاموای رنگی متناسب طرح استفاده کنید. می‌توانید در بعضی از موارد به‌دلخواه از مقوای رنگی استفاده کنید.



دور ریختنی



فوتبال دستی

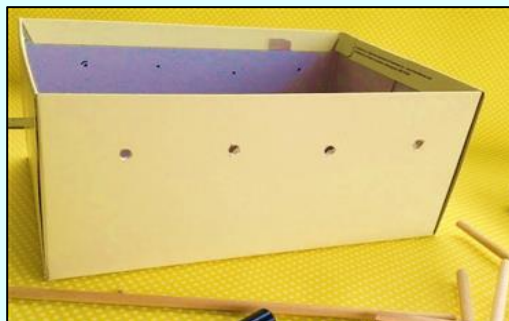
وسایل موردنیاز:

یک جعبه‌ی کفش یا جعبه‌ی مشابه دیگر، تعدادی گیره‌ی چوبی لباس، میله‌ی چوبی (به تعداد لازم)، چاقو یا ابزاری برای سوراخ کردن و چسب (چسب چوب یا چسب حرارتی).



مربیان گرامی:

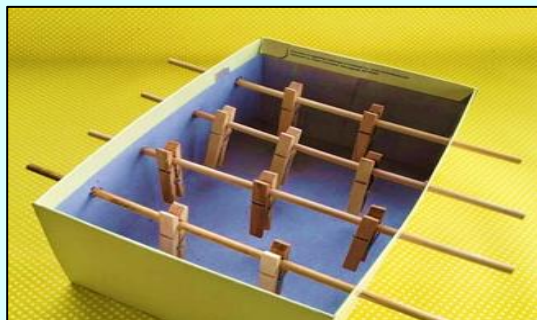
۱. ابتدا بر اساس سایز جعبه‌ای که انتخاب کرده‌اید در هر طرف تعدادی سوراخ مطابق شکل ایجاد کنید. سوراخ‌های دو طرف جعبه در یک راستا و مساوی باشند. (تعداد سوراخ‌ها باید زوج باشد). سوراخ‌ها به‌گونه‌ای از هم فاصله داشته باشند که یک گیره‌ی لباس بتواند در این فاصله بچرخد. در صورت تمایل می‌توانید از جعبه‌های بزرگ‌تر یا حتی جعبه‌های چوبی استفاده کنید.



۲. مانند شکل، گیره‌های لباس را با فاصله‌های مساوی روی میله‌های چوبی وصل کنید. برای محکم کردن گیره‌ها از چسب استفاده کنید.



۳. گیره‌ها را داخل جعبه قرار دهید. برای قراردادن گیره‌های متصل به چوب، ابتدا یک طرف چوب را وارد سوراخ کنید و با کمی فشار به جعبه، طرف دیگر چوب را نیز وارد سوراخ طرف مقابل کنید تا دسته‌ها به خوبی در جای خود قرار بگیرند. همچنین، شما می‌توانید زمانی که میله‌های چوبی بین دو سوراخ جعبه قرار گرفته‌اند، گیره‌ها را وصل کنید.



۴. برای اینکه گیره‌های چوبی برای هر شخصی که بازی می‌کند، مشخص باشد، می‌توانید با اسپری رنگ آمیزی کنید و جناح‌ها را مشخص کنید.

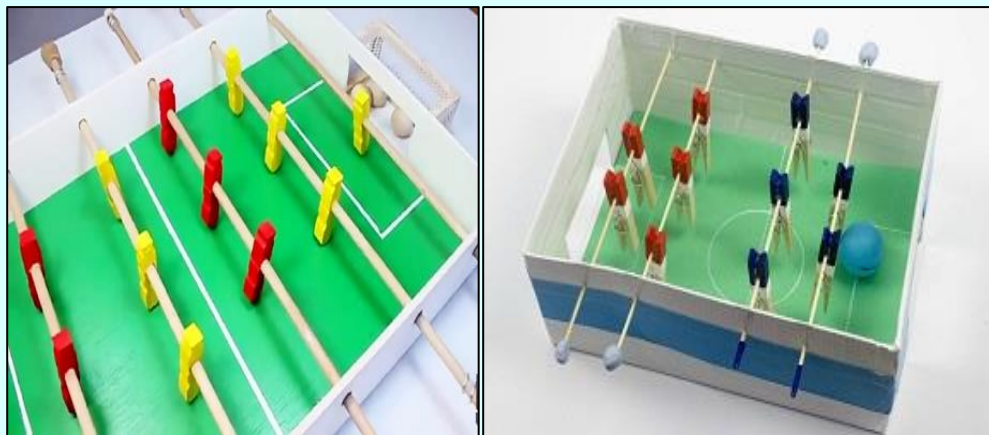


۵. اگر مایل باشید، می‌توانید با کاغذهای رنگی دورتادور جعبه را زیبا کنید.

در نهایت، در دو طرف جعبه (از عرض) به یک اندازه، برش‌های مستطیلی ایجاد کنید تا دروازه‌ها مشخص شود.



۶ . حالا می‌توانید این کاردستی زیبا را به دوستان خود هدیه دهید یا با آن بازی کنید و لذت ببرید.



جامدادی – جعبه وسایل خیاطی

وسایل موردنیاز:

بطری پلاستیکی، انواع زیپ رنگی، چسب حرارتی بی‌رنگ، قیچی و اتو.

مربیان گرامی:

۱. برای ساخت جامدادی، دو بطری پلاستیکی نیاز است. در ابتدا به اندازه طول وسایلی (مدادها، خودکارها و...) که قرار است داخل جامدادی قرار بگیرند، بطری را مطابق تصویر برش بزنید. حالا قسمت برش زده را، به کف اتو داغ شده بچسبانید (این کار را خودتان انجام دهید)، تا بی‌نظمی‌هایی که احياناً در هنگام برش ایجاد شده است از بین برود و لبه‌های آن مسطح شود.



۲. زیپ را برداشته و به وسیله چسب حرارتی داغ شده، یک سمت زیپ را به یک سر بطری و سمت دیگر زیپ را به قسمت بریده شده بطری دیگر بچسبانید.



۳. جامدادی شما آماده است. حال می‌توانید لوازم التحریر خود را داخل آن قرار دهید.



۴. با همین روش می‌توان جعبه‌هایی با ابعاد دلخواه، جهت نگهداری وسایل مختلف (مانند وسایل خیاطی و کاردستی) تهیه کرد.



کار با هسته



گل با دانه کدو

وسایل مورد نیاز:

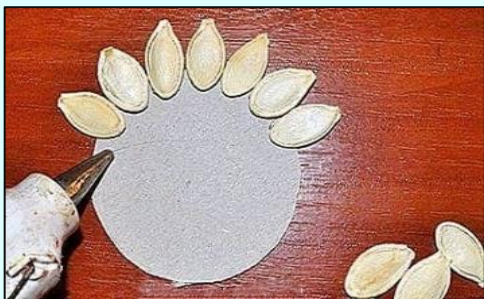
مقوا، دانه کدو تنبل، تکه گونی، دانه ذرت، یک شاخه نازک یا سیخ چوبی، رولت خیاطی، چسب نواری سبز یا کاغذکشی، چسب مایع یا چسب چوب.

مربیان گرامی:

۱. یک دایره (با قطر حدود ۷ سانتی متر) از یک ورق مقوا رولت کنید و ببرید.



۲. یک لایه نازک از چسب دور دایره‌ای که بریده‌اید بزنید و طبق عکس، دانه‌های کدو را دور دایره بچسبانید. در امتداد محیط دایره چند ردیف دیگر بچسبانید تا فضای مرکزی دایره پر شود.



۳. برای زیبایی بیشتر می‌توانید فضای مرکزی خالی گل را با دانه‌های ذرت پر کنید.



۴. برای ساقه یک شاخه نازک یا سیخ چوبی را با چسب سبز بپوشانید و از زیر با چسب به دایره بچسبانید.



۵. برگ‌هایی به قطر ۷ و ۴ سانتی‌متر روی مقوا بکشید یا رولت کنید و در مرحله بعد برش دهید. سپس آن‌ها را روی گونی قرارداده و گونی را به همان شکل برش دهید. در آخر با چسب گونی را به مقوا بچسبانید. در صورت تمایل می‌توانید برگ‌های خشک یا کاغذی را به ساقه بچسبانید.



جعبه تزئینی

وسایل مورد نیاز:

قوطی پلاستیکی، مقداری تخم هندوانه، چسب، مقوا، مقداری گونی یا لایه چسب، قیچی، رولت خیاطی و اسپری رنگ.

مربیان گرامی:

۱. ابتدا تخمه‌های هندوانه را با چسب روی قوطی بچسبانید.



۲. روی در و بدنه قوطی را با تخمه پر کنید.



۳. روی مقوا گلبرگ‌هایی مانند شکل رولت کنید تا دانش‌آموزان بعد از برش به عنوان الگو روی گونی یا لایه چسب گذاشته و ببرند.



۴. گلبرگ‌ها را از قسمت وسط طوری با چسب به هم وصل کنید تا یک گل کامل شود.



۵. گل را روی در قوطی با چسب بچسبانید. قوطی شما آماده است. برای زیبایی بیشتر، روی کل کار اسپری طلایی بزنید یا هرطور که میل دارید رنگ آمیزی کنید. از این قوطی برای خرده ریزها و مهره ها می توان استفاده کرد.



کار با نمد



گل کوکب

وسایل موردنیاز:

پارچه نمدی (سبز، صورتی، یاسی)، قیچی، چسب

مربیان گرامی:

۱. ابتدا پارچه نمدی خود را به عرض ۲ الی ۴ سانتی متر و طول دلخواه برش بزنید. هرچه طول پارچه بیشتر باشد گل بزرگ تری به دست می آید.

۲. نوار را از وسط تا زده و با چسب دو طرف آن را به هم بچسبانید.



۳. روی نوار نمدی با قیچی برش هایی با فاصله مناسب ایجاد کنید.



۴. در مرحله بعد از یک طرف نوار نمدی را بپیچانید. سعی کنید قسمت پایین آن کمی محکم تر باشد.



۵. یک تکه کوچک از نمد را زیر گل بچسبانید، به طوری که از روی گل پیدا نباشد. می توانید از تزئیناتی مثل برگ نیز برای زیباتر شدن گل کوکب خود استفاده کنید.



شما می‌توانید چند گل با رنگ و اندازه مختلف درست کنید و با آن گیره‌ی مو یا تل سر درست کنید.



جامدادی

وسایل موردنیاز:

یک قطعه نمد به ابعاد ۲۰ در ۳۰ سانتی‌متر، یک قطعه آستر به اندازه نمد، زیپ (۱۸ سانتی‌متری)، مهره و استیکر برای تزئین، نخ سفید گل‌دوزی (نخ ابریشم)، قیچی، سوزن، چسب و الگو.



مربیان گرامی:

۱. با توجه به تصویر طول و عرض قسمت‌های مختلف الگو را به دلخواه طراحی کنید. در ادامه نمد و آستری را از روی الگو برش دهید.



۲. نمد و آستری را روی هم قرار دهید و زیپ را با استفاده از سوزن ته گرد یا چسب در جای خودش بچسبانید.



زیپ را با نخ و سوزن بدوزید.

۳. اگر استیکر شما از نوع حرارتی است آن ها را با استفاده از اتو روی کار بچسبانید و صبر کنید تا خنک شوند.

۴. نمد را از وسط تا کنید و با استفاده از سوزن یا گیره آن را محکم کنید.



۵. سپس دورتادور آن را بدوزید (البته غیر از سمتی که محل قرارگرفتن زیپ است).



به همین راحتی شما صاحب یک جامدادی نمدی دست ساز می شوید.

کار با کاموا



گوشواره

وسایل مورد نیاز:

کاموا، چنگال، مروارید درشت، حلقه و میخ مخصوص گوشواره، دمباریک و تیغ یا قیچی.

مربیان گرامی:

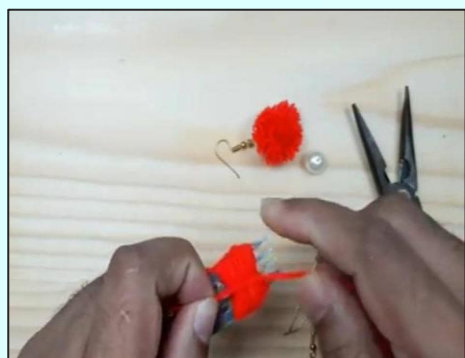
۱. کاموا را به اندازه ۲ سانتی متر دور سر چنگال چند دور بچرخانید. هرچه تعداد دورها بیشتر باشد، نتیجه کار زیباتر

می شود.



۲. نخ اضافه را قیچی کنید و کاموا را از وسط گلوله‌ی کاموایی که ساخته‌اید عبور داده و گره بزنید به طوری که وقتی گلوله

را از چنگال خارج کردید رشته‌ی نخ‌ها از یکدیگر جدا نشوند.



۳. به کمک تیغ یا قیچی، از سمت چپ و راست گلوله‌ی کاموایی را قیچی و آن را افشان کنید و با چیدن کاموهای اضافه

سعی کنید اندازه‌ی کاموهای افشان شده یکدست باشد.



۴. در این مرحله میخ حلقه‌ی گوشواره (شبهه یک سوزن ته‌گرد یک طرف آن بسته و طرف دیگر سوزنی شکل است) را از قسمت پایین گلوله‌ی کاموایی فرو ببرید و مروارید را از قسمت بالای آن وارد کنید.



۵. حالا اضافی میخ را به کمک دم‌باریک حلقه کنید و حلقه‌ی آویز گوشواره را به آن وصل کنید و به کمک دم‌باریک محکم کنید.



توپ تزئینی

وسایل موردنیاز:

بادکنک، کاموا به رنگ دلخواه، چسب چوب، قیچی و ظرف مستطیل شکل



مربیان گرامی:

۱. ابتدا بادکنک را باد کنید و سر آن را با نخ ببندید. بزرگی یا کوچکی بادکنک را متناسب با کارایی توپ تزئینی انتخاب کنید. مثلاً در نظر بگیرید که توپ تزئینی برای آباژور یا ریسه استفاده می‌شود.

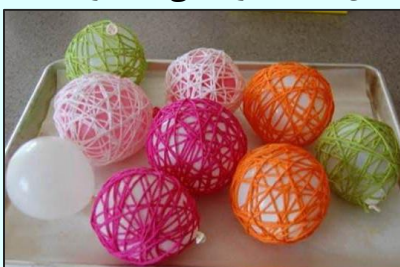
۲. چسب چوب را در ظرف مستطیلی بریزید و با سیخ چوبی به هم بزنید تا یکدست شود.



۳. کاموای موردنظر را به چسب آغشته کنید و دور تادور بادکنک به طرح دلخواه بپیچانید به طوری که کاموا همه جای بادکنک قرار گیرد.



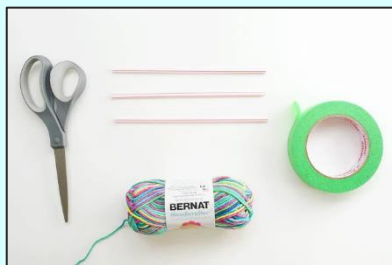
۴. بعد از اینکه بپیچاندن کاموا دور بادکنک تمام شد. توپ تزئینی را در جای مناسب بگذارید تا خشک شود بعد از دو سه روز که خوب خشک شد با وسیله‌ی نوک تیزی مانند سوزن یا قیچی هوای داخل بادکنک را خالی کنید و بادکنک را از داخل توپ خارج کنید.



مچ‌بند

وسایل مورد نیاز:

کاموا در چند رنگ، قیچی، سه عدد نی و چسب کاغذی یا نواری.

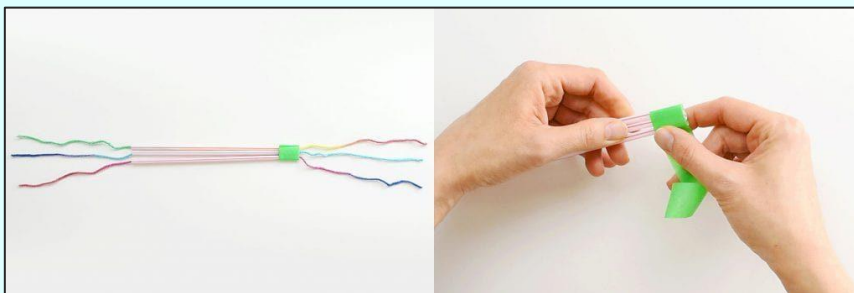


مربیان گرامی:

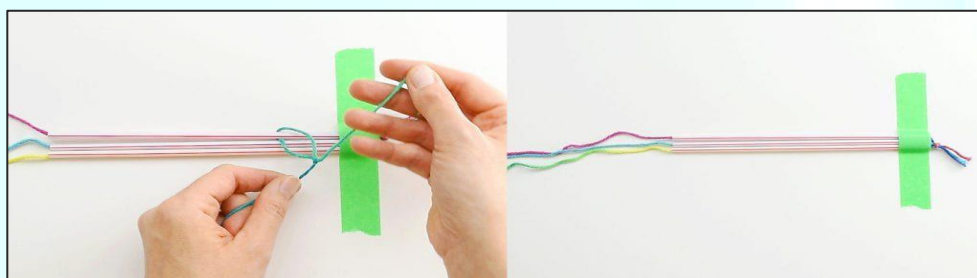
توجه داشته باشید نی‌ها در حکم اسکلت‌های اصلی بافت این مچ‌بند هستند و پهنای این مچ‌بند به تعداد آن‌ها بستگی دارد. قطعاً هرچه تعداد نی‌ها بیش‌تر باشد پهنای آن نیز بیش‌تر می‌شود.

۱. برای طول مچ‌بند، دور مچ را با متر اندازه‌گیری کنید. سپس به همان اندازه از نی‌ها را قیچی کنید. مثلاً اگر دور مچ فردی ۱۵ سانت است باید بلندی نی‌ها هم ۱۵ سانت باشد.

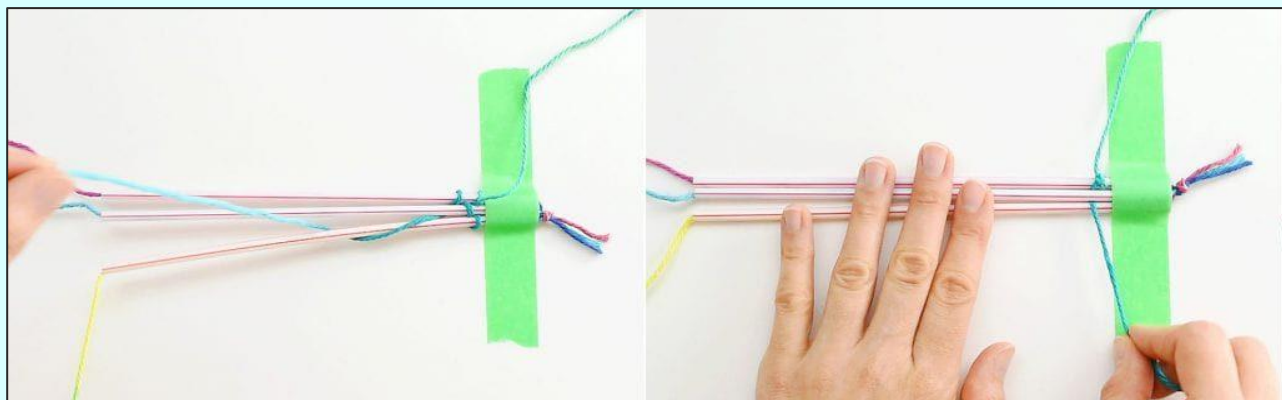
۲. برای شروع سه عدد نی را کنار هم قرار دهید و با چسب نواری آن‌ها را ثابت کنید. سه رنگ کاموا را از داخل نی‌ها رد کنید. ابتدای کامواها را به هم گره بزنید، سپس ادامه‌ی کامواها را از داخل نی‌ها رد کرده و چند سانت اضافه‌تر در نظر بگیرید و قیچی کنید.



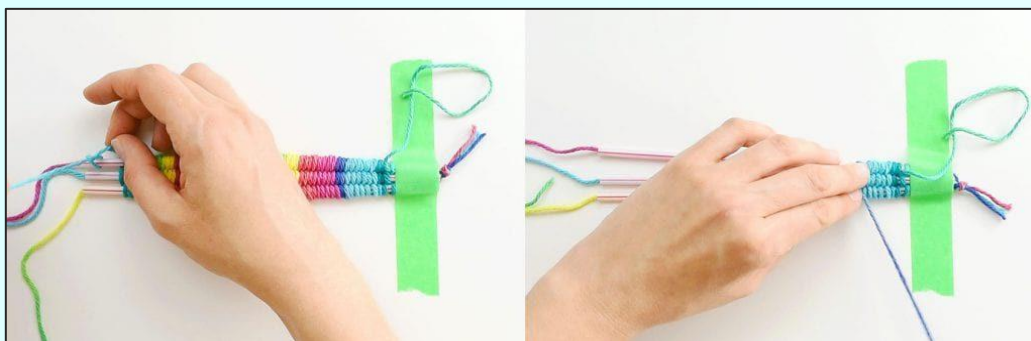
۳. دسته‌ی نی‌ها را مجدداً با یک قطعه نوار چسب روی سطح صافی ثابت کنید. یک رنگ کاموا را بردارید و از زیر یکی از نی‌های سمت راست یا چپ رد کنید و یک گره بزنید.



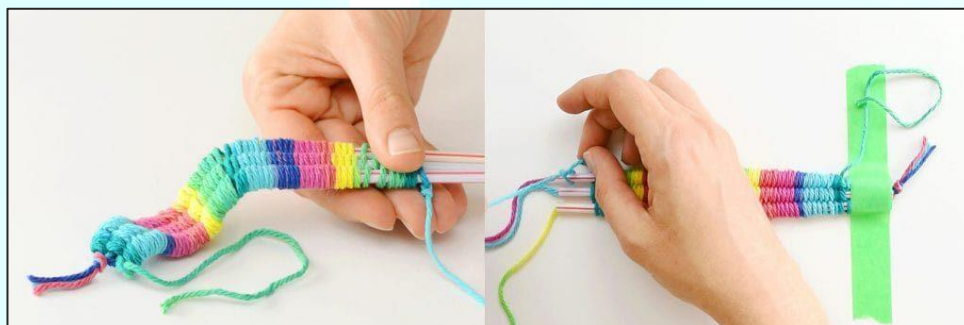
۴. بافت را ادامه بدهید. ادامه‌ی کاموا را از زیر نی دوم رد کنید و آن را مجدداً دور نی دوم بپیچید تا به نی سوم برسید و یک مرتبه هم کاموا را دور نی سوم بپیچید. با این کار یک ردیف بافت روی نی‌ها ساخته می‌شود. بافت را به همین ترتیب ادامه دهید.



۵. از هر رنگ طبق سلیقه‌ی خودتان می‌توانید چند ردیف ببافید. در انتها کاموا را یک گره بزنید و کاموای رنگ بعدی را مجدداً با یک گره از همان نی اول شروع کنید.



۶. هنگامی که کل طول نی‌ها با کاموا پوشانده شد، می‌توانید نی‌ها را از بین بافت به آرامی و یکدست بیرون بکشید.



۷. سه نخ‌ی که ابتدا از بین نی‌ها رد کرده بودید اکنون به‌عنوان ستون اصلی بافت محسوب می‌شوند. انتهای کاموا را یک مرتبه با نخ اول، یک مرتبه با نخ دوم و یک مرتبه با نخ سوم گره بزنید. سپس مقداری بافت را با فشردن بافت روی هم متراکم کنید و انتهای نخ‌ها را گره بزنید. دو سمت گره‌ها را نیز به هم متصل کنید.

از زیبایی مچ‌بند رنگین‌کمانی تان لذت ببرید.



کار با مواد طبیعی



سیر پنبه‌ای

وسایل مورد نیاز:

کیسه فریزر، پنبه، نخ کوک، چسب و تخم شنبلیله یا موارد مشابه (سماق و ...).

مربیان گرامی:

۱. کیسه فریزر را به شکل مربع ببرید.



۲. مقداری پنبه را گرد کرده، وسط کیسه‌ی مربعی بریده شده قرار دهید.



۳. کیسه را مطابق تصویر جمع کنید.



۴. نخ کوک را مطابق تصویر دور دایره بچرخانید.



۵. انتهای کیسه را ببرید.



۶. مقداری چسب زیر سیر درست شده بزنید و آن را به آرامی در ظرفی که تخم شنبلیله در آن ریخته شده است، وارد کنید تا مقداری از تخم شنبلیله (یا هر چیز مناسب دیگری که آماده کرده‌اید) به آن بچسبد.



۷. در آخر سیرهای زیبا و هنری خود را روی حلقه بچسبانید یا به صورت ریسه تزئین کنید و لذت ببرید.



کیسه هدیه

وسایل موردنیاز:

گونی پارچه‌ای، قیچی، نخ، سوزن، نخ کنفی یا ربان و وسایلی برای تزئین.

مربیان گرامی:

۱. برای شروع ساخت این کیسه تزئینی، ابتدا باید از پارچه گونی کنفی، مستطیلی در ابعاد دلخواه ببرید و از قسمت طول کار روی هم قرار دهید و دو قسمت عرض و یک قسمت از طول که روی هم قرار می‌گیرد را بدوزید تا شکل کیسه درست شود. سپس کیسه را پشت و رو کنید تا دوخت‌ها در داخل کار قرار بگیرند.



۲. سپس لبه دوخته‌نشده را دو سانتی‌متر به داخل تا کنید و بدوزید.



۳. با استفاده از یک وسیله نوک‌تیز چند سوراخ در قسمت لبه باز کیسه ایجاد کنید.



۴. بعد یک نخ کنفی یا روبان بردارید و از این سوراخ‌ها رد کنید. این کار به شما کمک می‌کند باز و بسته کردن کیسه هدیه کوچک برایتان راحت‌تر باشد. کیسه هدیه شما آماده است. حالا می‌توانید با سلیقه‌ی خودتان آن را تزئین یا رنگ‌آمیزی کنید.



۵. برای رنگ‌آمیزی، طرح خود را روی کاغذ کشیده و برش داده و با چسب روی کیسه ثابت کنید. با رنگ دلخواه داخل قسمت بریده‌شده را رنگ‌کرده سپس کاغذ را بردارید. به این صورت طرح شما روی کیسه قرار می‌گیرد.



سبد کنفی

وسایل موردنیاز:

نخ کنفی، نایلون، کاسه به شکل دلخواه، چسب چوب و قیچی.

مربیان گرامی:

۱. ابتدا یک کاسه بزرگ انتخاب کنید. کاسه را برگردانید سپس پشت کاسه را با نایلون یا محافظ غذا کاملاً پوشش دهید.



۲. چسب چوب را روی نایلون (پشت کاسه) بریزید و با قلم‌مو در تمام سطح پشت کاسه پخش و یکدست کنید.



۳. مطابق شکل نخ کنفی را با دقت از مرکز دایره دور کاسه بپیچانید.



۴. بعد از اینکه پیچیدن کنف دور کاسه تمام شد، کار را در جای مناسب بگذارید تا خشک شود و بعد کار را برگردانید و نایلون‌ها را از داخل سبدی که درست کردید جمع کنید. سبد کنفی آماده است.
(با توجه به کارایی سبد می‌توانید در ابتدای کار از کاسه بزرگ یا کوچک استفاده کنید.)



صدا سازها



شیکر

وسایل مورد نیاز:

دو عدد لیوان یک بار مصرف، کمی نخود، روبان رنگی، قیچی، چسب پهن و وسیله‌ای برای سوراخ کردن لیوان.



مربیان گرامی:

۱. ابتدا کف هر کدام از لیوان‌ها سه سوراخ ایجاد کنید و روبان‌ها را از سوراخ‌ها عبور دهید. با زدن گره در سمت داخل لیوان، روبان‌ها را به هم متصل کنید.



۲. نخودها را در یکی از لیوان‌ها بریزید.



۳. با استفاده از چسب مناسب لیوان‌ها را به هم بچسبانید.



۴. حالا می‌توانید از بازی با این شیکر زیبا لذت ببرید.

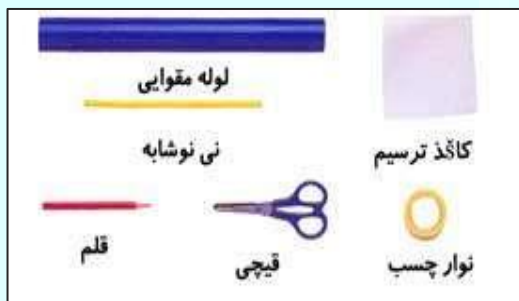
به جای استفاده از روبان‌ها می‌توانید از نوارچسب‌های رنگی استفاده کنید یا می‌توانید تکه‌های مقوای رنگی را به نوارچسب بچسبانید و شیکر زیبایی را که ساخته‌اید، با سلیقه‌ی خودتان تزئین کنید و لذت ببرید.



نی

وسایل موردنیاز:

کاغذ رنگی، لوله مقوایی، نی نوشابه، نوارچسب، قیچی و قلم (یا وسیله‌ای نوک‌تیز برای سوراخ کردن).



مربیان گرامی:

۱. ابتدا با فشار یک طرف نی را صاف کنید و کناره‌های آن را ببرید تا نوک‌تیز شود.



۲. کاغذ رنگی را روی یک طرف لوله مقوایی بپیچید و با نوار چسب آن را محکم کنید.



۳. با قلم سوراخی در وسط کاغذ رنگی به وجود آورید.



۴. با دقت طرف صاف نی را درون سوراخ ببرید.



۵. با قلم شش سوراخ در طول لوله به وجود آورید.



۶. نی شما آماده است. با انگشتان سوراخ‌ها را بگیرید و در نی بدمید. با برداشتن و گذاشتن انگشتان بر روی سوراخ‌ها می‌توانید زیر و بمی صدا را تغییر دهید.



بلز

وسایل مورد نیاز:

رول دستمال کاغذی، رنگ، چسب یا کش و قیچی.

مربیان گرامی:

۱. برای ساختن این بلز زیبا و خلاقانه، رول های دستمال کاغذی در سایزهای مختلف تهیه کنید.



۲. آن ها را با رنگ های دلخواه رنگ کنید.



۳. با استفاده از چسب یا کش آن ها را به هم وصل کنید.



۴. با استفاده از مقوا، یک مثلث و چند نوار مقوایی (مانند شکل) ببرید و نوارهای مقوایی را روی لبه های مثلث بچسبانید. (عرض نوارها طوری باشد که رول ها به راحتی درون مثلث قرار بگیرند). گوشه ی بالای مثلث را برش بزنید و یک نوار مقوایی بچسبانید تا دورتادور شکل کاملاً بسته شود.



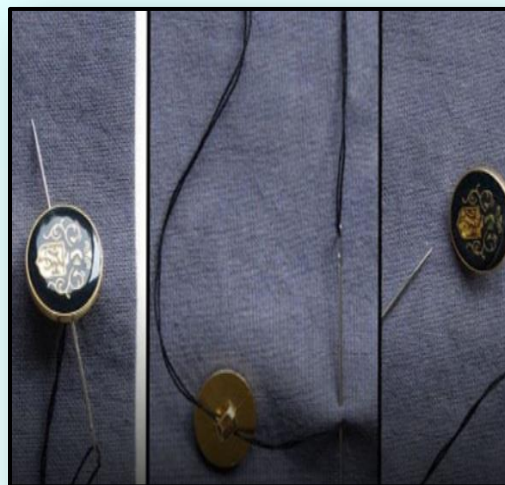
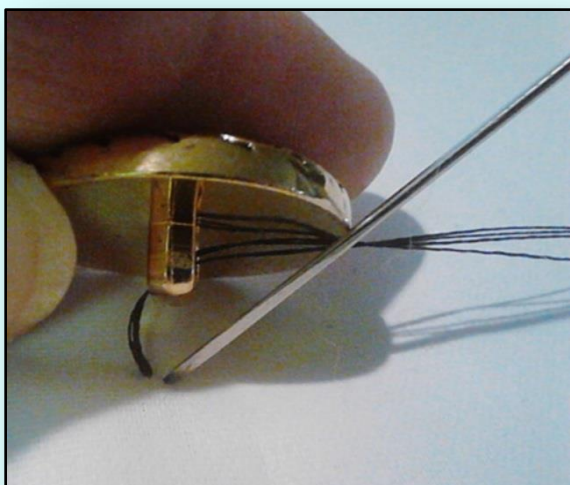


۵. رول‌ها را مانند شکل درون جعبه مقوایی قرار دهید.

۶. حالا می‌توانید با دو چوب که دارای سر مناسبی هستند (پلاستیکی و ...) از صدای بلز زیبایتان لذت ببرید.



بخش دوم : دوخت



دکمه دوزی

وسایل مورد نیاز:

مقواهای رنگی، پانچ برای سوراخ کردن، بند کفش و دکمه‌های رنگی کوچک.

مربیان گرامی:

برای آموزش روش دوخت دکمه به دانش آموزان، ابتدا می‌توانید با درست کردن لباس‌های مقوایی و سوراخ کردن آن‌ها و با کمک بند کفش که به عنوان نخ استفاده می‌شود، این کار را آموزش دهید. به این صورت که ابتدا یک سر بند را گره زده و با عبور از پشت لباس به روی آن و سپس عبور از سوراخ‌های دکمه، دوباره بند را به زیر لباس برده و در پشت با گره محکم کنید.



دوخت دکمه روی پارچه (دکمه ساده)

وسایل مورد نیاز:

نخ، سوزن، دکمه، قیچی، پارچه، انگشتانه و کارگاه گل دوزی (برای ثابت کردن پارچه).

مربیان گرامی:

۱. ابتدا پارچه را در کارگاه ثابت کرده و سوزن را نخ کنید و با گره زدن انتهای نخ، کار را شروع کنید.



۲. سوزن نخ شده را از زیر پارچه بیرون آورده و آن را از یکی از سوراخ‌های دکمه عبور دهید و در سوراخ دیگر فرو کنید تا از زیر پارچه بیرون آید.



۳. مرحله قبل را چند بار تکرار کنید تا دکمه کاملاً محکم شود. در پایان، نخ را زیر پارچه با گره محکم کنید.



دوخت دکمه پایه‌دار

وسایل مورد نیاز:

نخ، سوزن، دکمه، قیچی، پارچه و انگشتانه.



مربی‌ان گرامی:

۱. ابتدا سوزن را نخ کنید و انتهای نخ را گره بزنید، سپس سوزن نخ شده را از زیر پارچه بیرون آورید و آن را از پایه (سوراخ) زیر دکمه عبور دهید و سوزن را دوباره در پارچه فرو کنید.



۲. دوباره سوزن را از زیر پارچه بیرون آورید و چندین بار دور پایه‌ی دکمه بپیچید تا دکمه کاملاً محکم شود.



۳. سپس با فروکردن سوزن در پارچه، نخ را در پشت کار با گره محکم کنید و اضافه نخ را قیچی کنید.



کیف جامدادی

وسایل موردنیاز:

پارچه ضخیم یا نمدی، قیچی، نخ، سوزن، انگشتانه، دکمه، ریان یا کش.

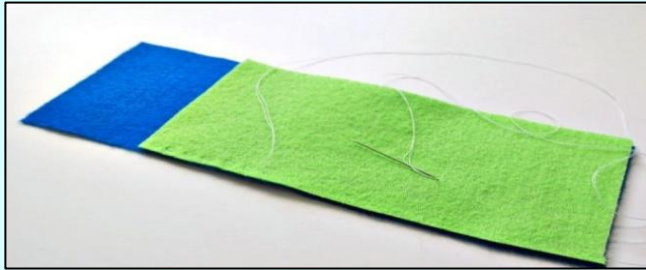
مربیان گرامی:

۱. ابتدا دو پارچه به شکل مستطیل برش بزنید طوری که یک مستطیل کوچک و تقریباً هم‌اندازه مدادها و یک مستطیل

بزرگ‌تر باشد.



۲. پارچه مستطیلی کوچک را روی پارچه بزرگ‌تر قرار داده و دورتادور آن به جز قسمت بالا را با کوک ریز بدوزید.



۳. در این قسمت جای دوخت دکمه را روی کار مشخص کنید و دکمه دلخواه را روی جامدادی بدوزید. شما برای بستن در جامدادی می‌توانید در لایه بالای پارچه یک شیار ایجاد کنید تا دکمه درون آن قرار گیرد یا از یک تکه ربان استفاده کنید و یک سر آن را به لایه بالایی متصل کنید. برای بستن کافی است ربان را دور دکمه پیچانید یا به جای ربان از یک تکه کش که دو سر آن به قسمت بالای جامدادی دوخته می‌شود، استفاده کنید.



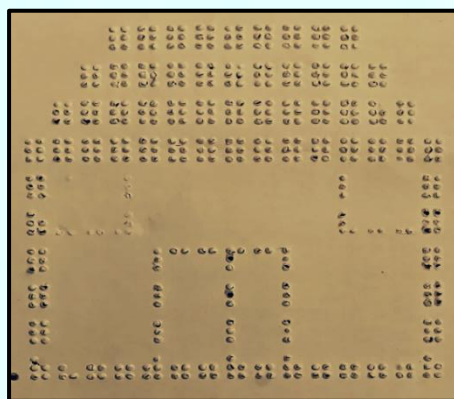
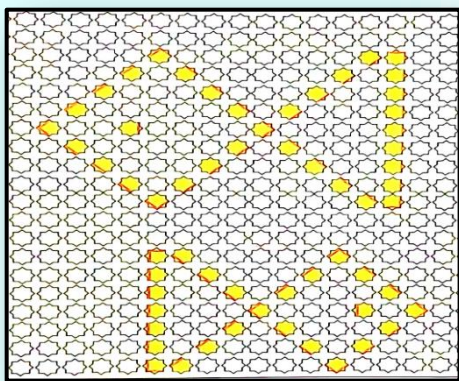
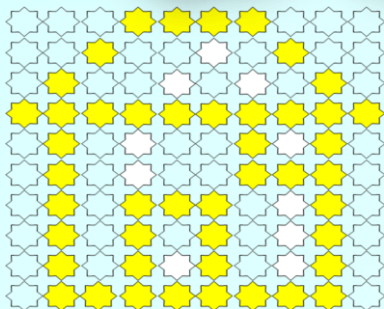
۴. سپس در صورت تمایل برای زیباتر شدن کار می‌توانید یک گل درست کنید و به جامدادی وصل کنید. برای این کار یک تکه پارچه مستطیل شکل برش بزنید و با تا کردن پارچه و برش هلالی در یک طرف طول مستطیل، شکل دالبری ایجاد کنید. سپس با دوخت ساده در قسمت صاف پارچه و کشیدن نخ و جمع‌شدن پارچه یک گل زیبا درست کنید و روی جامدادی بدوزید.



۵. کیف شما آماده است. از این کیف به عنوان جامدادی یا جا عینک یا وسایل دیگر می‌توانید استفاده کنید.



بخش سوم : نقاشی



در مقوله نقاشی برای دانش آموزان نابینا، در نگاه اول این سؤال پیش می‌آید که بچه‌های نابینای مطلق وقتی نمی‌بینند، چگونه می‌توانند نقاشی بکشند؟ چگونه درک نقاشی خواهند داشت؟

باید بدانید تصویر و تصور دو مقوله‌ای است که خیلی‌ها نسبت به آن آگاهی ندارند. تصور یک تصویر درونی است و تا زمانی که فرد آن را با ابزار در فضای بیرونی ترسیم نکند، دیده نمی‌شود. تصویر، آن چیزی است که هرکسی به صورت واقعی می‌بیند. این دو مقوله یعنی تصور و تصویر در همه انسان‌ها وجود دارد. چه آن‌هایی که می‌بینند و چه آن‌هایی که نمی‌بینند. این کودکان با قدرت تصور خود با دنیای اطراف ارتباط برقرار می‌کنند و این توانایی با راهکارهای مختلف می‌تواند تقویت شود. مثلاً به یک کودک نابینا اشکال هندسی را به صورت برش خورده بدهید که لمس کند. او تا قبل از این هیچ تصویری از شکل دایره یا مربع نداشت ولی با لمس کردن، یک تصور درونی به دست می‌آورد.

تقویت قدرت تجسم، بهترین راهکار آموزشی

هر کودکی در هر شرایطی (بینا و نابینا)، اگر این ویژگی را نداشته باشد، نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای موفق شود. پرورش قدرت تجسم و رویاپردازی، یکی از اصول آموزشی برای کودکان است و این موضوع برای کودکان نابینا صدچندان مهم‌تر است چرا که آن‌ها تا نتوانند تجسم کنند نمی‌توانند چیزی را به تصویر بکشند. یکی از راه‌های تجسم کردن برای این کودکان، لمس کردن است. یعنی کودکان فرم‌ها و اشکال مختلف را لمس کنند. در مرحله بعد تلفیق این فرم‌ها با یکدیگر است. مثلاً شما به یک کودک یک مربع مقوایی را می‌دهید و او با لمس کردن، شکل آن را تجسم می‌کند. سپس یک مثلث را می‌دهید و او در مرحله بعد این دو شکل را کنار هم قرار می‌دهد و یک شکل دیگر را تجسم می‌کند که در این مرحله شکل جدید می‌تواند خانه باشد. این آموزش‌ها با توجه به شرایط و سن کودکان می‌تواند متغیر باشد ولی آنچه مسلم است، این کودکان به راحتی می‌توانند مانند بقیه بچه‌ها نقاشی کنند به شرطی که به آن‌ها درست آموزش داده شود.

هنر برای کودکان نابینا یک سری مبانی تجسمی دارد که با مبانی هنرهای تجسمی کودکان معمولی خیلی فرق دارد و دانستن این مبانی برای شما مربیان گرامی لازم و ضروری است. از جمله ذهنیت این کودکان از خط، رنگ، سطح فضا، حجم و ... کاملاً با بچه‌های دیگر تفاوت دارد. شاید ساختار همه به یک صورت باشد ولی درک و برداشت این کودکان متفاوت است.

تجسم اشکال هندسی و واقعیت‌های بیرونی

یک کودک نابینا با حواس دیگر خود با جهان ارتباط برقرار می‌کند. او به واسطه نداشتن حس بینایی حواس دیگرش را تقویت می‌کند مانند: بویایی، شنوایی، لامسه و چشایی.

مطمئناً این‌گونه بچه‌ها در طول زندگی خود از دست برای لمس کردن استفاده کرده‌اند و خیلی از شکل‌ها و اجسام را از طریق لمس کردن شناخته‌اند. ولی در اینجا قرار است آن‌ها بعد از تجسم کردن تصویر، آن را به صورت واقعی بر روی مقوا بکشند. مرحله تجسم ذهنی و تبدیل آن به تصویر واقعی در اینجا مدنظر است. در مدرسه با توجه به سن و سطح هوش دانش‌آموز و محتویات کتاب‌های درسی با مفاهیم ابتدایی و پایه و به تدریج مفاهیم پیچیده‌تر، مانند شمارش اعداد، مفهوم کم و زیاد، مفهوم پر و خالی، بالا و پایین، چپ و راست، زیر و رو، بالا به پایین و برعکس، مفهوم ردیف و ستون، یکی در میان، دو تا در میان،

مفهوم قرینه و اشکال هندسی (مربع و مثلث و دوزنقه و ...) آشنا می‌شوند. همین آموزش‌ها به همراه چاشنی خلاقیت دانش آموز، باعث شکل‌گیری هنر نقاشی نابینایان می‌شود.

آموزش رنگ به کودک نابینا

درک و آموزش رنگ به کودک نابینا بسیار سخت است. با این حال او می‌تواند نام رنگ‌ها و خصوصیات آن‌ها را یاد بگیرد. مثلاً اینکه کلاغ، سیاه و برگ درختان، سبز است. می‌توان گفت که رنگ‌ها و معنای آن‌ها در ناخودآگاه هر شخصی وجود دارد. در واقع یادگیری رنگ‌ها یکی از راه‌های شناخت جهان و دنیای اطراف برای کودک است.

اول: در ابتدای امر از صحبت کردن درباره‌ی رنگ‌ها با کودک نابینا نترسید. ممکن است فکر کنید که صحبت کردن درباره‌ی رنگ‌ها با کودک نابینا بسیار ناراحت‌کننده است. اما نباید از انجام این کار بترسید. حتی اگر کودک تا کنون رنگی ندیده ولی باید کنجکاوی‌اش را در این زمینه تحریک کنید.

دوم: در گفت‌وگو با کودک نابینا از رنگ‌ها صحبت کنید. برای آموزش رنگ به کودک نابینا بهتر است بگویید که آن‌ها یکی از خصوصیات چشم‌گیر هر شی و ماده‌ای در جهان است. مثلاً بگویید: ما این‌جا یک سیب قرمز زیبا برای خوردن داریم، بیا دستکش سبز قشنگت را بپوش؛ بنابراین هنگامی که معلم از او می‌پرسد: لباسی که پوشیدی، چه رنگی است؟ کودک با افتخار می‌گوید آبی.

سوم: احساسات و عواطف خود را با رنگ‌ها بیان کنید. به کودک کمک کنید که رنگ‌ها را از طریق مرتبط کردن آن‌ها با احساسات و عواطفش بیان کند. قرمز به‌عنوان یک رنگ گرم، سفید را رنگی آرام و نرم و سیاه را براق و درخشان.

چهارم: یک اصل مهم در آموزش رنگ، اطلاعات دادن در مورد آن‌هاست. مثلاً بگویید: رزها قرمز و بنفشه‌ها آبی هستند. هرچند کودک هرگز رنگی ندیده است و درکی از رنگ‌ها ندارد. اما می‌تواند یاد بگیرد که چه رنگی به هریک از اجزا و عناصر موجود در جهان تعلق می‌گیرد. اما او را هیچ‌وقت خسته نکنید. مثلاً دانستن اینکه هریک از اسباب‌بازی‌ها چه رنگی دارند، ممکن است برای کودک خسته‌کننده باشد.

کدگذاری رنگ‌ها

برای آموزش خط و نوشتن به کودک نابینا، سال‌هاست که از خط بریل استفاده می‌شود. پس برای آموزش بنیادی و اصولی رنگ‌ها نیز بهترین روش استفاده از کدهای مشخص و قابل لمس و درک و به معنی دیگر، بهره گرفتن از ابعاد چندگانه حواس می‌باشد. بنابراین؛ برای آموزش رنگ‌ها می‌توان از چند حس (صدا، لمس، بو و مزه، احساس)، هم‌زمان بهره گرفت.

برای نمونه کدهای قراردادی برای هر رنگ:

رنگ قرمز (کد عددی ۱)، رنگ آبی (کد عددی ۲)، رنگ زرد (کد عددی ۳) و...



نقاشی ماهی با مهره‌ی لوح حساب

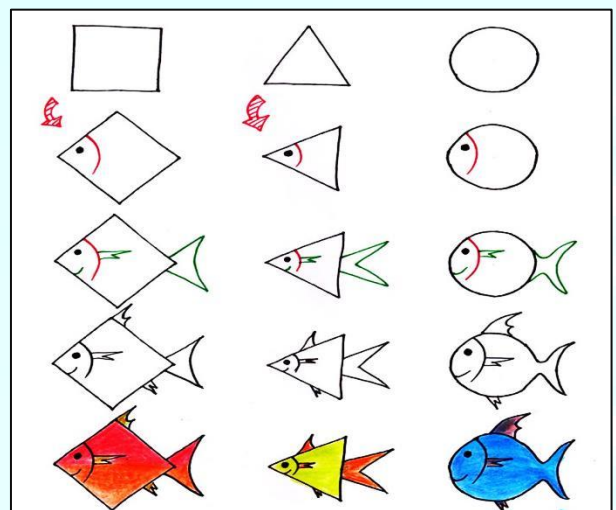
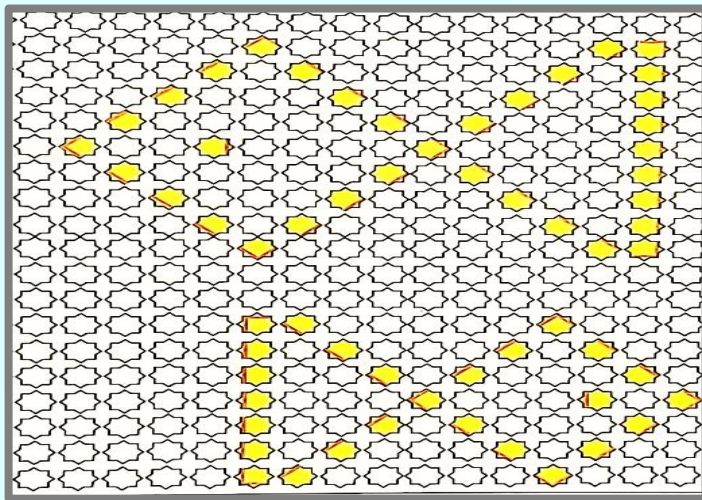
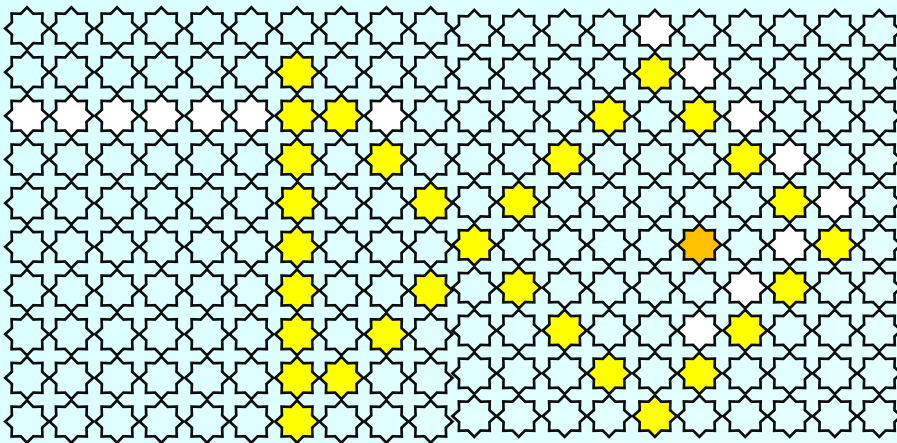
وسایل موردنیاز:

مهره‌های لوح حساب و لوح حساب‌افزار.

مربیان گرامی:

برای ایجاد طرح این ماهی می‌توانید از مهره‌هایی که در شکل زیر نمایش داده شده، استفاده کنید. همچنین می‌توانید با توجه به درک و خلاقیت دانش‌آموزان از مهره‌های دیگر نیز کمک بگیرید.

نکته‌ی قابل توجه این است که، بهتر است در ابتدا، کار از قسمت پایین لوح حساب شروع شود.



*دانش‌آموزان کم‌بینا مراحل نقاشی ماهی را با مداد در دفتر نقاشی خود کشیده و آن را با مدادرنگی رنگ‌آمیزی کنند.

خانه

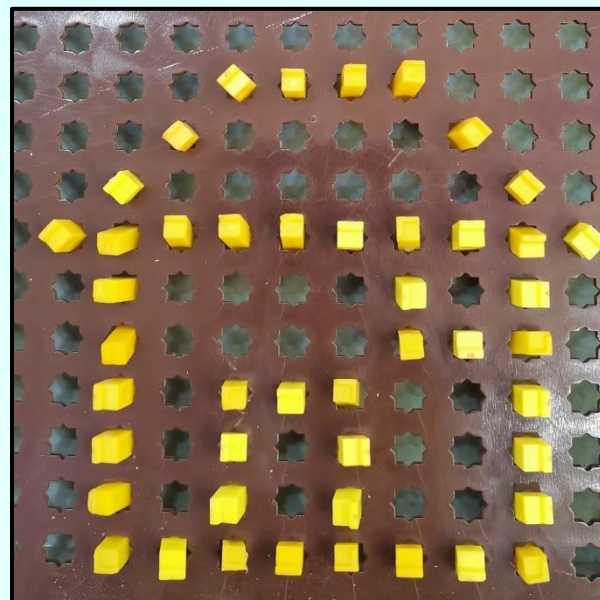
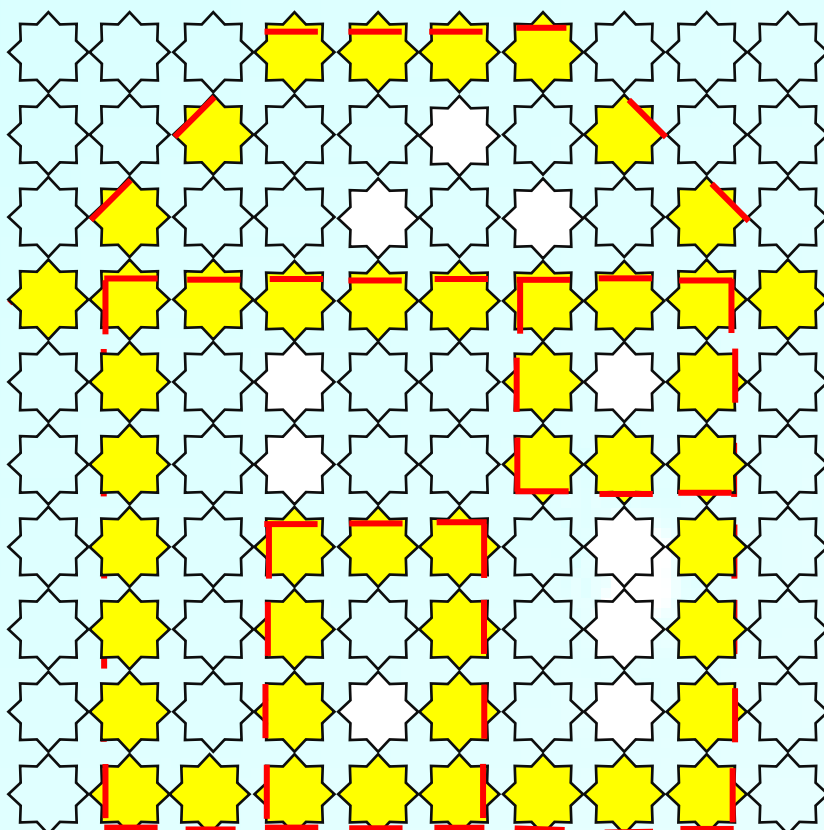
وسایل مورد نیاز:

مهره‌های ساده و جبری لوح حساب یا لوح و قلم، کاغذ.

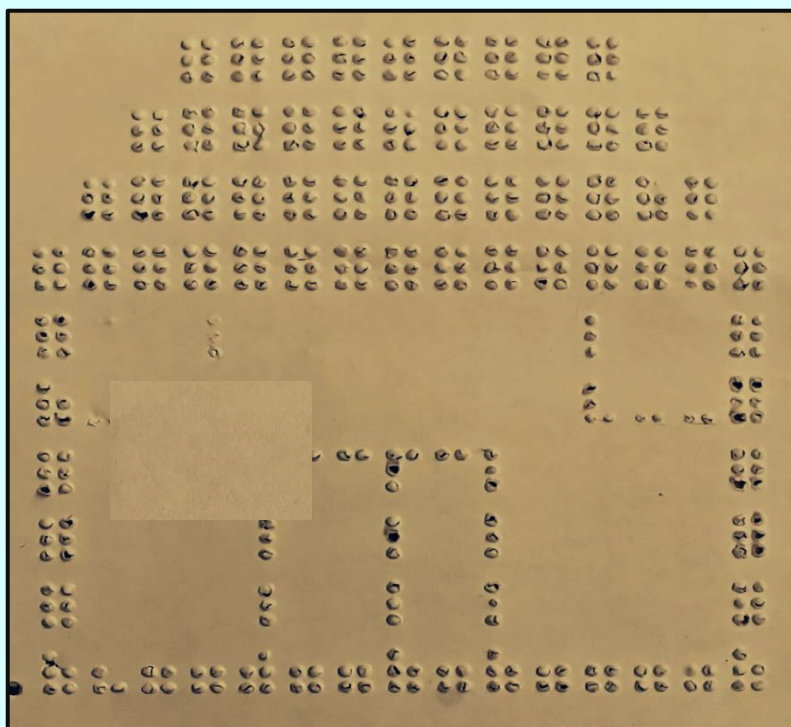
مربیان گرامی:

برای ایجاد طرح خانه می‌توانید از مهره‌هایی که در شکل زیر نمایش داده شده، استفاده کنید. همچنین می‌توانید با توجه به درک و خلاقیت دانش‌آموزان از مهره‌های دیگر نیز کمک بگیرید.

*نکته‌ی قابل توجه این است که، بهتر است در ابتدا، کار از قسمت پایین لوح حساب شروع شود.



همچنین شما می‌توانید با توجه به الگوی خانه که در زیر قرار دارد و با استفاده از لوح و قلم، یک خانه‌ی زیبا بکشید و سپس آن را با آبرنگ یا رنگ انگشتی رنگ‌آمیزی کنید.



*دانش‌آموزان کم‌بینا هم می‌توانند این نقاشی را با مداد در دفتر نقاشی خود کشیده و آن را با آبرنگ و یا رنگ انگشتی یا هر ابزار رنگ‌آمیزی که دوست دارند، رنگ‌آمیزی کنند.

نقاشی با شابلون

وسایل مورد نیاز:

رنگ گواش، اسفنج، بشقاب یک بار مصرف، قیچی، کاغذ، ماژیک، رولت خیاطی.



مربیان گرامی:

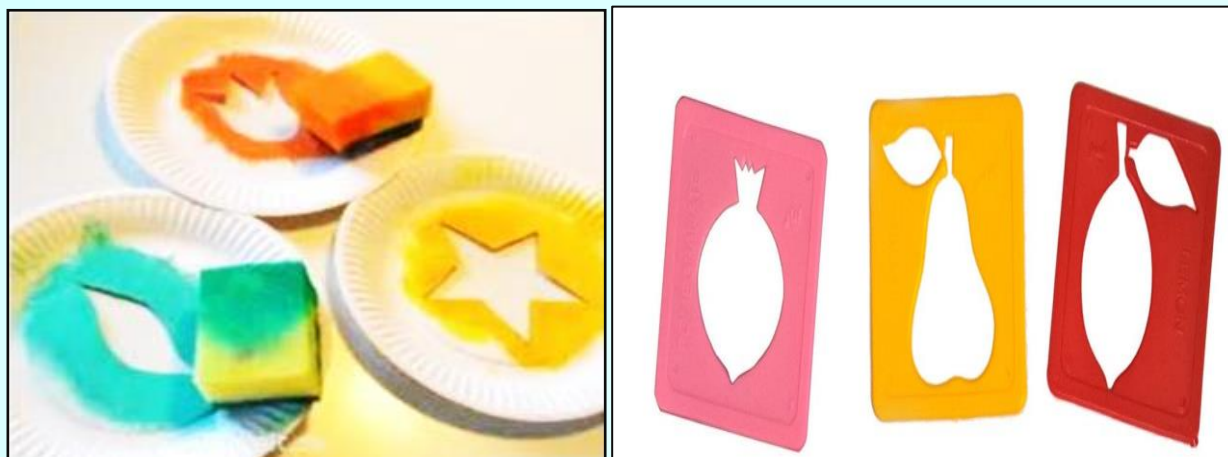
۱. استفاده از شابلون‌ها در نقاشی باعث تقویت عزت نفس و خلاقیت در فعالیت‌های هنری کودکان می‌شود. در صورتی که نمونه‌های آماده بازاری در دسترس نباشد، به راحتی می‌توانید با کمک یک بشقاب یک بار مصرف در کلاس شابلون درست کنید. ابتدا تصویر مورد نظر را با ماژیک روی بشقاب کشیده و با رولت خیاطی برجسته کنید.



۲. سپس با قیچی دور طرح را طوری می‌بریم که از وسط بشقاب جدا شود.



۳. سپس بشقاب را روی کاغذ قرار داده و با کمک اسفنج سطح داخلی آن را کاملاً با رنگ بپوشانید و با برداشتن بشقاب طرح آن روی کاغذ قرار می‌گیرد. یا سطح داخل آن را ابتدا با چسب مایع یا چسب ماتیک آغشته کنید و سپس با مواد مختلف پر کنید. از کنار هم قراردادن طرح‌ها می‌توانید نقاشی‌های زیبایی خلق کنید. شما می‌توانید با استفاده از شابلون‌های آماده هم این کار را انجام دهید.



نقاشی با ماژیک پفی

وسایل مورد نیاز: ماژیک پفی، مداد و کاغذ سفید یا رنگی.

مربیان گرامی:

یکی از وسایل مفید و کاربردی جهت برجسته نمودن نقاشی، استفاده از ماژیک پفی می‌باشد. نحوه استفاده از این ماژیک بسیار ساده می‌باشد که مراحل آن به این ترتیب است.

۱. ابتدا طرح خود را بر روی کاغذ سفید یا رنگی بکشید.



۲. قسمت‌های دلخواه طرح را با استفاده از ماژیک رنگ آمیزی کنید.



۳. سپس با استفاده از سشوار، نقاشی را خشک کنید که این کار باعث برجسته شدن و یا به اصطلاح پف کردن نقاشی رنگ آمیزی شده می‌شود که این نوع فعالیت برای دانش‌آموزان جذابیت زیادی خواهد داشت.



نقاشی با کاموا

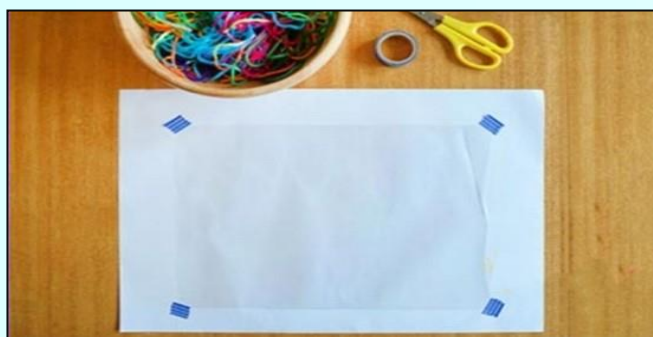
وسایل مورد نیاز:

کاغذ چسبدار (اگر این نوع کاغذ در دسترس نیست می‌توانید سطح کاغذی را با چسب ماتیکی کاملاً بکشید تا چسبناک شود)، نوار چسب و نخ‌های رنگی کاموا.



مربیان گرامی:

۱. ابتدا کاغذ چسبدار را با نوار چسب بر روی یک کاغذ معمولی یا مستقیماً روی میز بچسبانید تا ثابت بماند (سمت چسبدار باید رو باشد). نخ‌های کاموا را به اندازه‌های مختلف قیچی کنید و در اختیار بچه‌ها قرار دهید.



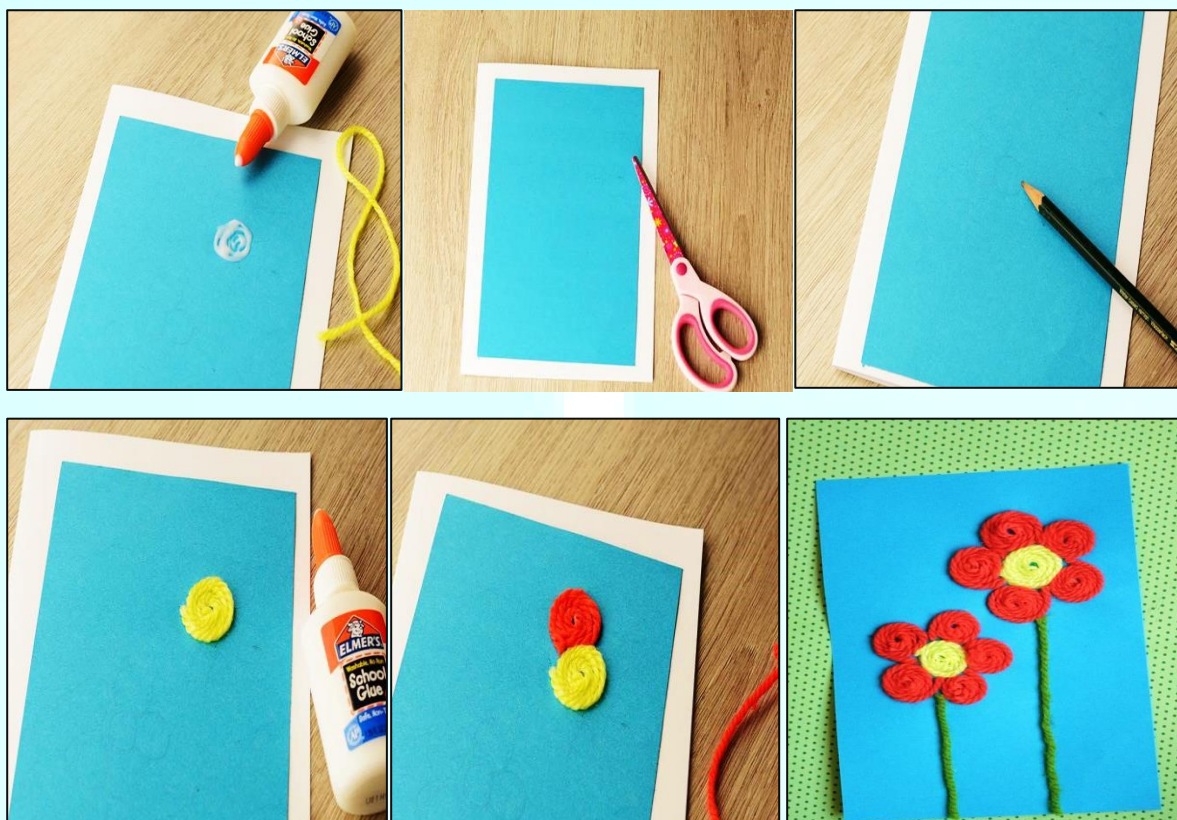
۲. از دانش‌آموزان بخواهید به صورت خلاقانه و تصادفی نخ‌ها را کنار هم بچسبانند و یا در صورت تمایل طرحی را با رولت برایشان مشخص کنید تا نخ‌ها را روی طرح بچسبانند. به بچه‌های نابینا در هنگام کار تاکید کنید حتماً از هر دو دست استفاده کنند، به این صورت که وقتی کاموا در یک نقطه قرار دارد یک‌دست به عنوان ردیاب باشد و با دست دیگر کاموا را بچسبانند.



۳. نقاشی با کاموا یکی از آسان‌ترین کارهای هنری می‌باشد که دانش‌آموزان می‌توانند انجام دهند و از آن لذت ببرند.



۴. دانش‌آموزان کم‌بینا هم می‌توانند طرح دلخواه خود را با مداد روی مقوا بکشند و سپس کاموای رنگی را روی آن بچسبانند. مانند مراحل زیر:



نقاشی با شن

مواد مورد نیاز:

شن در رنگ‌های مختلف، چسب چوب یا چسب سفید (مخصوص کاردستی)، مقوا، مداد و قلم‌مو.

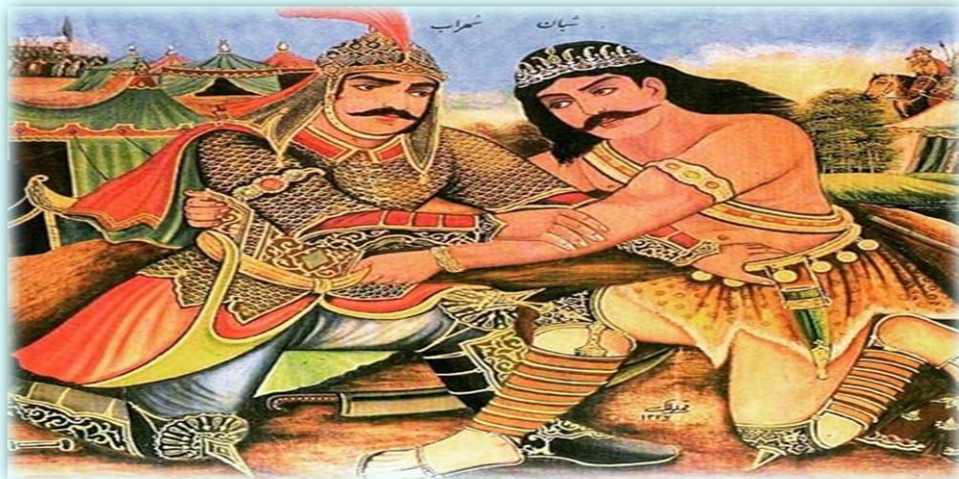


مربیان گرامی:

جهت اجرای این فعالیت برای دانش‌آموزان نابینا می‌توان با استفاده از برچسب‌های مختلف و یا شابلون محدوده فعالیت و موضوع را برای آن‌ها مشخص نمود تا بر اساس آن، فعالیت را انجام دهند. دانش‌آموزان کم‌بینا نیز با استفاده از خلاقیت خود و یا استفاده از شابلون اقدام به انجام این فعالیت نمایند.

۱. دانش‌آموزان بر اساس توانایی خود و با راهنمایی معلم، پس از تعیین موضوع فعالیت، آن را بر روی مقوا پیاده نمایند.
۲. سپس از دانش‌آموزان بخواهیم تا چسب را بر روی سطح نقاشی با استفاده از قلم‌مو بکشند. بهتر است برای راحت‌تر پخش شدن چسب بر روی سطح نقاشی کمی با آب رقیق شود.
۳. شن‌های رنگی را با توجه به موضوع نقاشی بر روی سطح چسب زده شده پخش کنید. می‌توان با استفاده از ترکیب شن‌های رنگی مختلف، رنگ‌های جدید ایجاد نمود به عنوان مثال با ترکیب شن‌های زرد و آبی می‌توان شن‌های سبز رنگ تهیه کرد.
۴. پس از انجام این فعالیت و اتمام آن می‌توان با ضربه‌های آرام، شن‌های اضافی را از روی سطح نقاشی پاک کرد. اجازه دهید تا نقاشی شما خشک شود. پس از خشک شدن، می‌توانید منظره‌ای که خلق کرده‌اید را مشاهده نمایید.

بخش چهارم: قصه و شعر



شنیدن یک قصه کوتاه نقش زیادی در تقویت توان ذهنی کودکان و تقویت خلاقیت آن‌ها دارد و می‌تواند جنبه‌های مختلف هوش یک کودک را تحت تأثیر مثبت قرار دهد. معلم می‌تواند یک قصه یا یک داستان صوتی برای دانش‌آموزان خود پخش کند و در انتها از آن‌ها بخواهد قسمتی از قصه را هرچند بسیار کم و اندک، حتی در حد یک جمله بازگو کنند. در این حالت ضمن اینکه دانش‌آموزان سرگرم می‌شوند، این موضوع را می‌آموزند که باید به اتفاقاتی که در محیط اطراف خود می‌افتد با دقت توجه داشته باشند تا بتوانند قسمتی از آن، هرچند اندک را به‌خاطر بسپارند. از طرف دیگر وقتی یک قصه یا داستان صوتی برای دانش‌آموز پخش شده یا خوانده می‌شود و در یک دوره زمانی تکرار می‌گردد، معنا و مفهوم آن در ذهن دانش‌آموز نهادینه خواهد شد.

هیچ‌کس در تأثیر شعر در زندگی انسان‌ها تردید ندارد. شعر، همسایه‌ی روح و جان و ذهن همه‌ی جامعه در همه‌ی زمان‌هاست. به همین دلیل، آینده‌ی تمام حالات، احساسات، نیازها و جلوه‌های زندگی است. در خلوت، غم و شادی، بیم و امید، فراق و وصال، مرگ و زندگی، هنر و شعر یار و همدم آشنای انسان بوده است. در ایران، شعر از نخستین روزهای زندگی در هیئت، لالایی‌ها، با کودک همراه است و تقریباً شعر کودک با پیشینه‌ی طولانی خویش، به قدمت عمر شعر فارسی، کم و بیش ظهور و حضور داشته است. در ارتباط با اهمیت و جایگاه و قلمرو حوزه‌های گوناگون شعر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پاسخ به نیاز فطری کودک به موسیقی و آهنگ

۲. تلطیف و جهت‌دهی به عواطف و احساسات کودکان

۳. آشناساختن کودکان با مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی، دینی، علمی

۴. گسترش دنیای ذهنی و ذوقی کودک

۵. زمینه‌ساز بروز و ظهور ذوق و استعداد کودک

۶. آموزش زبان و گسترش واژگان

۷. تصحیح گفتار کودکان

۸. اصلاح گرایش‌های محلی و آشناسازی با زبان معیار

۹. حمایت و تقویت جریان رسمی زبان‌آموزی

داستان اول

عنوان داستان: حاضر جوابی بلبل

نویسنده: مهدی آذر یزدی

برگرفته از کتاب: قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب

هدف: آموزشی و تربیتی

روزی بود و روزگاری ... یک باغبان باذوق و خوش‌سلیقه بود که باغی سبز و خرم داشت و در آن انواع گل‌های زیبا و خوش‌بو فراهم آورده بود و هر روز بامداد پیش از آفتاب در کنار چمن‌ها و گل‌ها قدم می‌زد و از بوی خوش گل‌ها و هوای تروتازهی صبح و تماشای سبزه‌ها لذت می‌برد و از بس همیشه بانشاط و خنده‌رو بود، دوستانش او را "پیر زنده‌دل" می‌نامیدند. او هم عقیده داشت کسی که هر روز سحر از خواب برخیزد و چند دقیقه در هوای پاکیزه و باطراوت صبح در کنار گل و سبزه قدم بزند، هرگز دلش پیر نمی‌شود و همیشه بانشاط و زنده‌دل و خوشحال خواهد بود.

پیر زنده‌دل در میان گل‌های بسیاری که در باغ خود فراهم کرده بود، به یک درخت گل سرخ که از همه‌ی گل‌ها زیباتر و خوشبوتر بود خیلی علاقه داشت و هر روز دانه‌دانه گل‌های آن را تماشا می‌کرد و می‌بویید و می‌گفت: «بلبل‌ها حق دارند که این قدر عاشق گل هستند، سبزه و گل صفای زندگی و مایه‌ی نشاط روح است.»

در صبح یکی از روزها که هنوز هوا به‌خوبی روشن نشده بود، باغبان بنا بر عادت همیشگی در باغ قدم می‌زد تا اینکه به درخت گل سرخ رسید و بلبلی را دید که روی یکی از شاخه‌ها نشسته و با نوک خود گلبرگ‌های یکی از گل‌های زیبا را پیش‌وپس می‌کند و سرخود را در میان گل فرومی‌برد و چهچه می‌زند و آواز می‌خواند و خوشحال است که هم‌نشین گل است و در نتیجه گل سرخ پرپر می‌شود و می‌ریزد.

باغبان قدری ایستاد، به آهنگ دلکش بلبل گوش داد و از تماشای خوشحالی بلبل در وصال گل خرسند شد اما از پرپر شدن گل دلش می‌سوخت و چند لحظه طول کشید تا بلبل حضور باغبان را حس کرد و پرواز کرد.

روز بعد هم وقتی در هوای تاریک و روشن صبح به آنجا رسید، باز بلبل را دید که یکی از گل‌ها را پریشان کرده و از بوی گل، مست و غزل‌خوان شده، باز هم بلبل پرواز کرد و باغبان از این که بلبل یکی‌یکی گل‌های عزیزش را پرپر می‌کند، خیلی غمگین شد و با خود گفت: «بلبل حق دارد گل را دوست بدارد اما گل برای تماشا کردن و بوییدن است نه برای پرپر کردن و پریشان کردن، این که نمی‌شود، هی من زحمت بکشم و گل پرورش بدهم و هی بلبل بیاید و آن را از هم بپاشد.»

روز سوم هم باز بلبل را دید که با یک گل دیگر، گرم گفتگو و راز و نیاز است و برگ‌های آن گل هم به پای درخت فروریخته. دیگر باغبان از دست بلبل خشمگین شد و گفت: «وقتی بلبل از آزادی سوءاستفاده می‌کند سزایش قفس است.»

تله‌ای در میان درختان گل گذاشت و بلبل را گرفت و او را در قفس زندانی کرد و گفت: «قدر آزادی ندانستی حالا اینجا باش تا بفهمی که پریشان کردن گل‌ها یعنی چه.»

بلبل وقتی خود را در میان قفس محبوس دید، اعتراض کرد و به باغبان گفت: «ای دوست عزیز، من و تو هر دو دوست‌دار گلیم، تو گل را پرورش می‌دهی و باعث خوشحالی من می‌شوی، من هم پای گل سرود می‌خوانم و مایه‌ی دلخوشی تو می‌شوم. همان‌طور که تو آزادانه در گلستان گردش می‌کنی، من هم می‌خواهم آزاد باشم. سبب چیست که مرا زندانی کرده‌ای؟ اگر مقصودت شنیدن آواز من است که آشیانه‌ی من در گلستان توست و شب و روز برایت نغمه‌سرایی می‌کنم و اگر علت دیگری دارد بگو تا من هم بدانم.»

باغبان گفت: «نغمه‌سرایی جای خود، اما تو روزگار مرا سیاه کرده‌ای و چند گل نازنین مرا آزاده‌ای، وقتی اختیارت دست خودت است، بی‌اختیار می‌شوی و گل‌ها را پریشان می‌کنی، سزایت همین است که در قفس زندانی باشی و از تماشای گلزار محروم باشی. این مکافات عمل تو است تا عبرت دیگران باشد.»

بلبل جواب داد: «ای آدم بی‌انصاف! تو با حبس کردن من و اینکه نمی‌گذاری در گلزار بگردم، دل مرا شکستی و جانم را آزاده ساختی و آن‌وقت از مکافات عمل سخن می‌گویی، اما فکر نمی‌کنی که اگر مکافات وجود داشته باشد، گناه تو از من بیشتر است، زیرا من گلی را پریشان می‌کنم اما تو دلی را پریشان می‌کنی!»

سخن بلبل در باغبان اثر کرد، از جواب او خوشش آمد و بلبل را از قفس آزاد کرد. بلبل بعد از اینکه آزاد شد، رفت روی شاخه‌ی گل نشست و به باغبان گفت: «حالا که در حق من نیکویی کردی، من هم به تو نیکی می‌کنم؛ بدان که در زیر همین زمین که رویش ایستاده‌ای، یک کوزه‌ی طلا پنهان است. بردار و خوش باش.» دهقان زمین را کند و سخن بلبل راست بود. به او گفت: «خیلی تعجب می‌کنم که تو کوزه‌ی طلا را در زیر خاک می‌بینی، اما چطور دمی را که من برای تو گذاشته بودم ندیدی و در آن گرفتار شدی؟»

بلبل جواب داد: «آری علتش دو چیز است: یکی اینکه، هر قدر کسی بینا و دانا باشد، گاهی پیشامد و تصادف روزگار که نامش را قضا و قدر می‌گذارند، او را گرفتار می‌کند. دیگر اینکه، چون دوست‌دار کوزه‌ی طلا نیستم آن را می‌بینم و می‌گذرم، اما چون دوست‌دار گل هستم در هوای عشق گل، دیده و گوش و هوش خود را از دست دادم و در میان درخت گل به دام افتادم و همه‌چیز وقتی از اندازه خارج شد، مایه‌ی رنج است حتی دوستی زیاد.»

بلبل این را گفت و باز به سراغ گل‌ها پرواز کرد.

داستان دوم

عنوان داستان: کوه جواهر

نویسنده: محمود احیایی

برگرفته از کتاب: ۳۶۵ قصه برای بچه‌های خوب

هدف: آموزشی و تربیتی

مرد بازرگانی به کوه جواهر رفت تا جواهر بردارد و بفروشد. وقتی به پای کوه رسید، فهمید نمی‌تواند به بالای کوه برود. کوه خیلی بلند بود و جواهر هم فقط در نوک کوه بود. بازرگان ناراحت شد. نمی‌دانست چه کار کند؟ در برابر کوه، دریای بزرگی وجود داشت. بازرگان به سمت دریا رفت و جوانی را دید که کنار دریا نشسته بود و برای ماهی‌ها خرده نان می‌ریخت.

بازرگان از جوان پرسید: تو می‌توانی به بالای کوه بروی و برای من جواهر بیاوری؟

جوان جواب داد: این کار خیلی سخت است، هیچ‌کس نمی‌تواند به آسانی به بالای کوه برود، تو باید پوست یک گوسفند را به اینجا بیاوری، من داخل پوست گوسفند می‌روم و پای کوه می‌خوابم، بالای کوه عقاب‌ها لانه دارند، آن‌ها پوست گوسفند را که من در آن هستم به جای لاشه‌ی گوسفند اشتباه می‌گیرند و آن را به بالای کوه می‌برند، آن وقت من از پوست بیرون می‌آیم و برای تو جواهر پایین می‌ریزم، به شرط این که نیمی از جواهرها را به عنوان دستمزد به من بدهی.

بازرگان پذیرفت و به دهی در آن نزدیکی رفت و گوسفندی خرید و کشت و پوستش را کند و به کوه جواهر بازگشت. جوان هم در پوست فرورفت و لحظه‌ای بعد عقاب‌ها او را به بالای کوه بردند. جوان از پوست گوسفند بیرون آمد و تا می‌توانست جواهرهای رنگارنگ به پایین ریخت. بازرگان همه‌ی جواهرها را جمع کرد و توی کیسه‌ی بزرگی که به همراه داشت، ریخت. آن وقت جوان از بالای کوه فریاد زد: حالا برو مقدار زیادی پنبه بیاور و در پای کوه بریز تا من از همین جا روی پنبه‌ها بیروم، این تنها راه پایین آمدن است!

بازرگان، کیسه‌ی پر از جواهر را بر دوش انداخت و درحالی‌که به راه می‌افتاد گفت: من هرگز این کار را نمی‌کنم، حالا بالا باش تا بمیری!

جوان هرچه التماس کرد و حتی از گرفتن دستمزد هم گذشت سودی نداشت و بازرگان رفت. جوان چند روز در بالای کوه بود.

کم کم گرسنگی و تشنگی به او فشار آورد و به ناچار از بالای کوه خیز برداشت و خودش را به دریا انداخت. ماهی‌های بزرگی که او همیشه به آن‌ها غذا داده بود، فوری او را با کمک هم از آب گرفتند و به کنار ساحل آوردند و جوان نجات یافت.

چندی بعد بازرگان دوباره به کوه جواهر آمد و همین که نگاهش به جوان افتاد، تعجب کرد. سپس خواست او را فریب دهد و گفت: من به تو خیلی بدی کردم، حالا آمده‌ام تا جبران کنم. بعد پوست گوسفندی را بر زمین انداخت و گفت: برو توی پوست تا عقاب‌ها تو را به بالای کوه ببرند و برای من جواهر بریزی، من نیمی از جواهرها را به تو خواهم داد.

جوان گفت: بالای کوه جواهرهای بسیار زیبا و رنگارنگی است که من دفعه‌ی پیش آن‌ها را پایین نریختم، بهتر است تو به بالای کوه بروی و آن جواهرها را ببینی و بعد پایین بیایی و به من بگویی از کدام نوع و رنگ برایت بریزم.

بازرگان پذیرفت و در پوست گوسفند فرورفت و عقاب‌ها او را به بالای کوه بردند. او ساعتی در کوه جواهر گشت و بعد با صدایی بلند فریاد زد: حالا پنبه بیاور، می‌خواهم پایین بیایم و به تو بگویم چه نوع جواهری برایم پایین بریزی چون خودم نمی‌توانم جواهر بکنم.

جوان خندید و گفت: همان جا باش! راهی برای پایین آمدن تو نیست!

بازرگان فریب‌کار فهمید که جوان خواسته است از او انتقام بگیرد و با التماس گفت: به من بگو تو چگونه پایین آمدی؟ جوان پاسخ داد: خودم را به دریا انداختم و ماهی‌ها مرا نجات دادند. بازرگان هم فوری خودش را به دریا پرت کرد. اما ماهی‌ها که هرگز از دست او غذایی نخورده بودند و او را نمی‌شناختند کمکش نکردند و بازرگان دروغگو در دریا غرق شد.



حاصل جمع قطره‌ها

آبی دریا به رنگ آسمان
قطره‌ها بی‌رنگ و از دریا جداست
قطره‌ی تنها چرا بی‌رنگ ماند؟
رنگ دریا‌های آبی از کجاست؟
قطره‌ی تنها به دور از قطره‌ها
با خود آهنگ جدایی می‌زند
قطره‌هایی را که با هم می‌روند
آسمان رنگ خدایی می‌زند
این من و تو حاصل تفریق ماست
پس تو هم با من بیا تا ما شویم
حاصل جمع تمام قطره‌ها
می‌شود دریا، بیا دریا شویم.

(قیصر امین پور)



نشانی

خانه دوست کجاست؟

در فلق بود که پرسید سوار

آسمان مکشی کرد

رهگذر شاخه نوری که به لب داشت

به تاریکی شن‌ها بخشید و به انگشت

نشان داد سپیداری و گفت

نرسیده به درخت

کوچه باغی است که از خواب خدا

سبزتر است

و در آن عشق به اندازه پره‌ای صداقت آبی است

می‌روی تا ته آن کوچه

که از پشت بلوغ سر به در می‌آرد

پس به سمت گل تنهایی می‌پیچی

دو قدم مانده به گل

پای فواره جاوید اساطیر زمین می‌مانی

و تو را ترسی شفاف فرامی‌گیرد

در صمیمیت سیال فضا، خش‌خشی می‌شنوی:

کودکی می‌بینی

رفته از کاج بلندی بالا

جوجه بردارد از لانه نور

و از او می‌پرسی

خانه دوست کجاست.

(سهراب سپری)



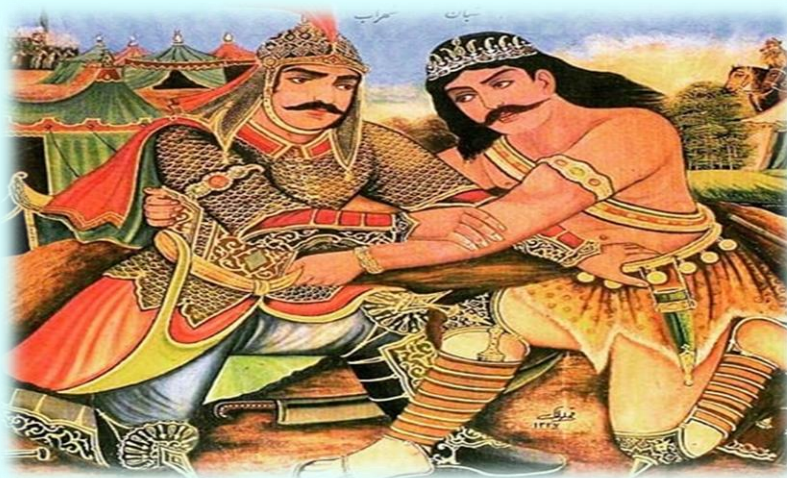
(یار مهربان)

سلام ای خاطرات کودکی‌ها
صدای داس و آب و نان و بابا
تو را تا بی‌نهایت دوست دارم
تو ای زیباترین میراث دنیا
تو یادم داده‌ای پروانه باشم
برای بچه‌ها چون سایه باشم
مرا تا قله‌های عشق بردی
تو گفתי با خدا همسایه باشم
تو ای با روح و جان من صمیمی
تو ای آموزگارم، بهترینی
کُند در چهره‌ات گل آشیانه
کلید مشکلات سرزمینی

شکوه دست‌های آسمانی
کلید مخزن گنج الهی
پیمبر گفته من آموزگارم
علی شد بنده‌ی روح معانی
دوباره دوره کردی کودکی را
دوباره بخش کردی عاشقی را
دوباره قلب من تا بی‌کران رفت
دوباره صرف کردی سادگی را
تو ای آموزگارم زنده باشی
بنامت نامه را کردم چو آغاز
شدم مانند گل از غنچه‌ای باز
سرود و شعر را یادم تو دادی
غم و اندوه بر بادم تو دادی
زمستان گرچه سرما بود سوزان
حرارت بر دل و جانم تو بودی
به ما گفتی که دنیا هست نیرنگ
اگر همت کنی پیروز هستی.

(عباسعلی جاویدان)

شاهنامه خوانی



چگونه شاهنامه خوانی را در میان دانش آموزان ترویج دهیم؟

برای آشنا کردن دانش آموزان با شاهنامه، هدف را قصه گویی و شادی و لذت قرار دهید و بر جنبه داستانی متن تاکید کنید و درک مفاهیم را به عهده‌ی مخاطب بگذارید. می‌توانید بازنویسی‌هایی از شاهنامه را انتخاب کنید و در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهید که ریزه‌کاری‌های داستان‌های شاهنامه را بهتر منتقل کنند و نثر روان و ساده‌ای داشته باشند. آن‌هایی که لحن حماسی و طنین کلام منظوم شاهنامه را دارند و واژگان و ترکیب‌ها به گونه‌ای در نثر آمده‌اند که توان روخوانی شاهنامه را تقویت می‌کنند، مناسب‌ترند.

در ترویج داستان‌های شاهنامه نباید شتاب‌زده عمل کنید. بهتر است بدون شلوغ کردن ذهن مخاطبان، فرصت دهید از داستان شگفت‌زده شوند، لذت ببرند، به شوق بیایند و با داستان بازی کنند. برای مثال، کودکان، چوبی را به عنوان اسب برگزینند، خودشان را هوشنگ شاه بپندارند، بنازند و تیراندازی کنند. این گرایش به تجربه در نوجوانان هم دیده شده است و باید به آن امکان بروز داد. محدودیتی برای گروه‌های سنی مختلف در گزینش داستان‌ها نیست، اما اگر مخاطبان شما آشنایی با شاهنامه را تازه شروع کرده‌اند، روایت‌های کوتاه، ساده و قابل فهم را پیش از داستان‌های بلندتر بیان کنید. برای نمونه، با داستان‌های "پیدایش آتش"، "جنگ سیامک با دیوان"، "فرانک"، "هفت‌خان رستم" و ... شروع کنید و بعد داستان کاوه‌ی آهنگر، زال و رودابه، سیاوش، رستم و اسفندیار و... را بگویید.

اگر متن داستان‌ها را کوتاه کنید و از کودکان بخواهید به شکل آهنگین آن را بخوانند، بی‌گمان بر گیرایی هرچه بیشتر داستان و لذت و شادی کودکان تأثیر خواهد داشت.

چگونگی خواندن شاهنامه، در شوق‌انگیز کردن آن برای کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر است. مروج (شاهنامه‌خوان) باید مسلط، خوش صدا و آشنا به فن بیان باشد.

کتاب‌های بازنویسی‌شده را در اختیار کودکان و نوجوانان بگذارید. فرصت دهید با تماشای تصاویر، بدون توضیح شما صحنه‌های داستان را تجسم کنند و تصویری عینی در ذهنشان پدید بیاید.

پس از آشنایی با چند داستان، بیان چگونگی آغاز سرودن شاهنامه، زندگی فردوسی، رنج سی‌ساله‌ی او برای حفظ هویت ایرانی و زبان فارسی که این شاعر را جاودانه ساخته است، انگیزه و علاقه‌مندی به خواندن این کتاب را افزایش می‌دهد.

در هر سه بخش شاهنامه (کهن، میانی و تاریخی) به‌ویژه در بخش کهن که اساطیری است، گفت‌وگو و برنامه‌ی آموزشی، کار آیی چندانی ندارد و موجب فروکش کردن شور و شوق ناشی از شنیدن داستان‌ها و کاهش لذت می‌شود.

می‌توانید شخصیت‌های داستانی را به دانش‌آموزان نسبت دهید و با استفاده از صندلی داغ بخواهید روی صندلی بنشینند و در مورد احساسات و افکار آن شخصیت در روایت داستان صحبت کنند.

اجرای نمایش خلاق و تهیه‌ی دیوارنگاره، نقاشی و کلاژ از صحنه‌های داستان یا فضاسازی و مجسمه‌سازی از شخصیت‌ها با گل سفال، برای کودکان و نوجوانان بسیار جالب است. در این کارگاه‌ها باید از گواش، رنگ‌وروغن و پاستل استفاده کرد، چون برای کودکان امکان خلاقیت بیشتری را فراهم می‌کنند.

برگزاری جشنواره‌ی قصه‌های شاهنامه در مهدکودک‌ها، دبستان‌ها و اجرای برنامه‌ی نقالی، نمایش و... از سوی دانش‌آموزان می‌تواند خاطرات خوشی را در ذهنشان به جا بگذارد و انگیزه‌ی غواصی بیشتر در این کتاب را که همچون دریاست، به وجود آورد.

تهیه‌ی فیلم و آلبوم عکس از فعالیت‌های شاهنامه‌خوانی و برگزاری نمایشگاهی از آن‌ها و دعوت از دانش‌آموزان، والدین و مسئولان مدرسه برای بازدید، انگیزه‌ی خوبی برای ادامه‌ی شاهنامه‌خوانی است.

در صورت امکان نمایش فیلم از کار نقالان و پرده‌خوانان شاهنامه، برای همه‌ی گروه‌های سنی گیرایی دارد.

آگاهی از نظرات شاعران و ادیبان کشورهای دیگر و نهادهای فرهنگی جهانی از جمله یونسکو و...، همچنین معرفی ترجمه‌های شاهنامه و توضیح در این باره که ژول مول فرانسوی در سده‌ی ۱۹ میلادی سی سال از عمر خود را برای ترجمه‌ی شاهنامه گذراند، نوجوانان را سرشار از اعتمادبه‌نفس و افتخار می‌کند. آن‌ها به خود خواهند بالید که جهانیان به این اثر برجسته‌ی حماسی فارسی چنین قدر می‌نهند. حس میهن‌دوستی در آن‌ها نیرو می‌گیرد و کنج‌کاوی‌شان برای خواندن شاهنامه بیشتر می‌شود.

شخصیت‌های شاهنامه

شخصیت در شاهنامه از اساسی‌ترین عناصر این اثر جاودانه است.

بیراه نیست اگر این عنصر را سنگ بنای شاهنامه بدانیم. چرا که داستان‌ها و حوادث این اثر گران‌سنگ به محوریت شخصیت‌هاست. باید به این نکته توجه داشت که شاهنامه یک اثر داستانی – تاریخی است. پس نگرشی عمیق به این عنصر لازم است. لازم به ذکر است که نمی‌توان دقیقاً انواع شخصیت‌ها را در شاهنامه تقسیم‌بندی کرد، زیرا بعضاً مشترک بین دو یا چند تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند.

تقسیم‌بندی شخصیت‌های شاهنامه:

۱. اساطیری: کیومرث، هوشنگ، تهمورث و جمشید از مهم‌ترین نام‌های این بخش می‌باشند. (در این بخش کشف آتش، ترویج کشاورزی و پیریزی تمدن ایران صورت گرفته است.)

۲. پهلوانی: کاوه، رستم، سهراب، گردآفرید، سام و....

جذاب‌ترین و مشهورترین داستان‌های شاهنامه مربوط به همین بخش است که در آن پیروزی نیکی بر بدی و شر به واسطه ی قدرت اهورایی پهلوانان ایران زمین به دست می‌آید.

۳. تاریخی: اردشیر اول، بهمن، اسفندیار و ...

شروع سلطنت و پایه‌ریزی نوع حکومت را بیشتر در چهره‌های این قسمت از شاهنامه می‌توان یافت.

۴. غیرانسانی: سیمرغ، رخس، دیو سپید و اکوان دیو و....

فردوسی ماهرانه‌ترین محتوای نمادین را در عملکرد این شخصیت‌ها قرار داده که هرکدام با یاری‌رساندن به پهلوانان خود، عامل پیروزی و یاری‌گر آن‌ها بوده‌اند. درعین‌حال، می‌توانستند مظهر اهریمن نیز باشند.

پادشاهی کیومرث



پژوهنده نامه باستان

که از پهلوانان زند داستان

چنین گفت گآیین تخت و کلاه

کیومرث آورد و او بود شاه

چو آمد به برج حمل آفتاب

جهان گشت با فرّ و آیین و آب

کیومرث شد بر جهان کدخدای

نخستین به کوه اندرون ساخت جای

سر بخت و تختش بر آمد به کوه

پلنگینه پوشید خود با گروه

فردوسی از زبان دهقان و پژوهنده باستان این‌گونه روایت می‌کند که کیومرث نخستین کسی بود که رسم فرمانروایی و تاج‌وتخت آورد. آن زمان که فروردین آغاز شد و فصل بهار آمد، کیومرث هم فرمانروایی خود را آغاز کرد. ابتدا در کوهستان منزل کرد و خود و تمام افرادش تن پوشی از پوست پلنگ داشتند.

به گیتی درون سال سی شاه بود

به خوبی چو خورشید بر گاه بود

دد و دام و هر جانور کش بدید

ز گیتی به نزدیک او آرمید

دوتا می شدند بر تخت او از آن بر شده فره و بخت او

پسر بد مر او را یکی خوبروی هنرمند و همچون پدر نامجوی

سیامک بدش نام و فرخنده بود کیومرث را دل بدو زنده بود

کیومرث سی سال تمام و در نهایت خوبی و آرامش فرمانروایی کرد و تمام حیوانات اهلی و وحشی در سرزمین او آرام گرفتند.

کیومرث پسری با نام سیامک داشت که خردمند و خوبرو و مایه آرامش روان و جان پدر بود و کیومرث وابستگی شدیدی به او داشت.

به گیتی نبودش کسی دشمن مگر بدکنش ریمن آهرمنا

به رشک اندر آهرمن بدسگال همی رای زد تا ببالید بال

یکی بچه بودش چو گرگ سترگ دلاور شده با سپاه بزرگ

جهان شد بر آن دیو بچه سیاه زبخت سیامک و زان پایگاه

سپه کرد و نزدیک او راه جست همی تخت و دیهیم کی شاه جست

همی گفت با هر کسی رای خویش جهان کرد یکسر پر آوای خویش

در گیتی کسی دشمن او نبود به جز اهریمن بد کردار که در آتش حسد و کینه می سوخت. اهریمن بچه‌ای داشت که سپاهی بزرگ برای جنگ با کیومرث جمع کرده بود و از آنجا که کیومرث فکر نمی کرد دشمنی به این بزرگی داشته باشد و از وجود او بی خبر بود، سروش به کمک او آمد و او را از نیت دیو نابکار آگاه کرد.

سخن چون به گوش سیامک رسید ز کردار بدخواه دیو پلید

دل شاه بچه برآمد به جوش سپاه انجمن کرد و بگشاد گوش

پوشید تن را به چرم پلنگ که جوشن نبود و نه آیین جنگ

پذیره شدش دیو را جنگجوی سپه را چو روی اندر آمد به روی

چون به گوش سیامک رسید که بچه دیو برای جنگ با آن‌ها سپاهی جمع کرده، او هم آماده نبرد شد و چون در آن دوران هنوز زره و جوشن ساخته نشده بود، به‌جای آن چرم پلنگ پوشید.

سیامک پیامد برهنه تن	بر آویخت با پور آهرمنا
بزد چنگ و ارونه دیو سیاه	دوتا اندر آورد بالای شاه
فکند آن تن شاهزاده به خاک	به چنگال کردش کمرگاه چاک
سیامک به دست خروزان دیو	تبه گشت و ماند انجمن بی خدیو

اولین انسان در شاهنامه "کیومرث" یا "گئومرته" به معنای "زنده میرا" است. او اولین انسان و اولین پادشاه در شاهنامه است که هیچگاه قدرت و عظمت و شهرتش مثل "جمشید" و "فریدون" نشد و مانند آن‌ها بر سر زبان‌ها نیفتاد اما از این نظر که اولین انسان شاهنامه و اولین پادشاه بوده دارای اهمیت است.

جنگ شروع شد و سیامک با بچه اهریمن درگیر شد، در این نبرد بچه دیو، سر و تن شاهزاده را خراشید و جگرگاه او را از هم درید و باعث مرگ سیامک شد.

چو آگه شد از مرگ فرزند شاه	ز تیمار گیتی بر او شد سیاه
فرود آمد از تخت ویله کنان	زنان بر سر و موی و رخ را کنان
دو رخساره پر خون و دل سوگوار	دو دیده پر از نم چو ابر بهار
خروشی بر آمد ز لشکر به زار	کشیدند صف بر در شهریار

کیومرث وقتی از مرگ پسر باخبر شد، از تخت فرود آمد و زار نالید و سپاهیان هم بر کشته سیامک گریه کردند و جامه عزا پوشیدند. پس از یک سال، یک سروش از جانب خداوند به نزد کیومرث آمد و از او خواست که از گریه و زاری خودداری کرده، سپاهی گرد آورد و انتقام خون سیامک را از اهریمن بگیرد.

نشستند سالی چنین سوگوار	پیام آمد از داور کردگار
درود آوردش خجسته سروش	کزین بیش مخروش و باز آر هوش
سپه ساز و برکش به فرمان من	بر آور یکی گرد از آن انجمن
از آن بدکنش دیو روس زمین	بپرداز و پردخته کن دل ز کین

از طرفی، سیامک پسری داشت به نام "هوشنگ" که در نزد پدربزرگ خود مقام و منزلتی بالا داشت و برای پدربزرگ بسیار عزیز بود. پسری که تمام وجودش هوش و فرهنگ بود و کیومرث مثل یک وزیر با او در همه امور مشورت می کرد.

خجسته سیامک یکی پور داشت

که نزد نیا جاه دستور داشت

گرانمایه را نام هوشنگ بود

تو گفתי همه هوش و فرهنگ بود

به نزد نیا یادگار پدر

نیا پروریده مر او را به بر

نیایش به جای پدر داشتی

جز او بر کسی چشم نگماشتی

چو بنهاد دل کینه و جنگ را

بخواند آن گرانمایه هوشنگ را

همه گفتنی ها بدو باز گفت

همه رازها برگشاد از نهفت

کیومرث، هوشنگ را صدا کرده و در مورد جنگ با اهریمن و انتقام سیامک با او صحبت کرده و به او می گوید:

ترا بود باید همی پیشرو

که من رفتنی ام تو سالار نو

کیومرث سپاهی آماده کرده، به جنگ دیو رفته و در نبردی تن به تن، هوشنگ انتقام پدر را می گیرد و زمانی که انتقام سیامک گرفته می شود، کیومرث به راحتی می میرد.

چو آمد مر آن کینه را خواستار

سرآمد کیومرث را یادگار

و در آخرین بیت این داستان فردوسی به مخاطب یادآور می شود که:

جهان سر به سر چو فسانست و بس

نماند بد و نیک بر هیچکس

نمایش



کودکان در هر سن و سالی که باشند، در مدرسه در منزل و تقریباً در هر جایی که هستند، عاشق نمایش دادن هستند. در بیان فواید نمایش می‌توان به این موارد اشاره کرد: افزایش مهارت‌های اجتماعی در کودکان، افزایش روحیه کار جمعی در کودکان، بلوغ عاطفی و رشد آگاهی.

بازی نمایشی، مهارت‌های اجتماعی را از طرق مختلف ارتقاء می‌بخشد؛ از بازی کردن با دیگر کودکان تا پی بردن به اینکه چه احساسی داری وقتی به جای یک شخصیت دیگر هستی. با دادن نقش به کودکان دیگر در داستان خود، کودکان یاد می‌گیرند که چگونه با دیگران هم‌بازی شوند و دیگران را در کار خود سهیم کنند.

نقش بازی کردن می‌تواند به کودکان نکات بسیاری را در مورد احساسات یاد بدهد و این درس‌ها در تمام دوران زندگی با کودک همراه هستند و کمک می‌کنند که یاد بگیرند چگونه احساس خود را بیان و ابراز کنند. همچنین کودکان از طریق بازی نمایشی و نقش بازی کردن درمی‌یابند که جهان چگونه کار می‌کند. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا نتیجه‌گیری و تصمیم‌های منطقی را اتخاذ کنند. به همین علت اجرای نمایش در کلاس می‌تواند روش مفیدی برای آموزش بسیاری از مهارت‌ها به کودکان باشد.

مراحل اجرای نمایش در کلاس

یک داستان مناسب را برای نمایش خلاق انتخاب کنید و برای کلاس بازگو کنید.

طرح اصلی را با کمک کلاس به مراحل و صحنه‌های مختلف تقسیم کنید تا قابل اجرا باشد. مراحل و صحنه‌ها را برای دانش‌آموزان یادداشت کنید.

از روی یادداشت‌ها یک یا چند صحنه را برای اجرا کردن انتخاب کنید.

صحنه یا صحنه‌های انتخاب شده را به مراحل جزئی‌تر تقسیم کنید.

در مورد صحنه یا صحنه‌ها، وضع ظاهری صحنه، انگیزه‌ها، شخصیت‌پردازی، زمان، ساخت ظاهری شخصیت‌ها و غیره بحث کنید. به کودکان کمک کنید تا بتوانند از شخصیت‌ها با توجه به اعمال و اینکه کاری را چگونه و چرا انجام داده‌اند، یک تصویر ذهنی بسازند.

بازیگران را انتخاب کنید و آن‌ها را برای بحث و برنامه‌ریزی در مورد جزئیات اجرای کار در زمان بازی، آزاد بگذارید.

با سایر دانش‌آموزان برنامه‌ریزی کنید و توجه آن‌ها را به اینکه ممکن است تکرار بخشی از وانمود بازی بر عهده آن‌ها باشد، جلب کنید.

از تماشاگران بخواهید که بازی را به دقت تماشا کنند تا پنج نکته موردعلاقه و پنج نکته‌ای که در بازی بعد باید اصلاح شود را پیدا کنند.

با یک علامت از قبل تعیین شده، آغاز نمایش را اعلام کنید و بگذارید تا آخر ادامه یابد.

اجازه دهید بازیگران به جمع پیوندند و همگی به ارزیابی بر اساس ضوابط مذکور بپردازند.

پس از گزینش بازیگران جدید و راهنمایی دانش‌آموزان دیگر بر اساس ضوابط بالا، صحنه را تکرار کنید.

برنامه را ارزیابی کنید و اگر وقت اجازه داد بازیگران جدید را برگزینید و یک بار دیگر صحنه را تکرار کنید.

عنوان نمایش: خروس دنیادیده و روباه مکار

زمان: ۳۰ دقیقه

برگرفته از کتاب: قصه‌های دلنشین برای بچه‌ها (داستان‌های مرزبان‌نامه)

نویسنده: بتول نجفی لیسه رودی

شخصیت‌های داستان: خروس و روباه

شخصیت‌های فرعی: مرغ و جوجه

هدف: آموزشی و تربیتی

راهنمایی مخصوص نمایش:

۱. اجرا به وسیله‌ی دانش‌آموزان، با راهنمایی و نظارت مربی انجام گیرد.
۲. مربی نیز می‌تواند نقش قصه‌گو را در نمایش ایفا کند تا دانش‌آموزان را بر سر شوق آورد.
۳. با توجه به ظاهر شخصیت‌ها، بچه‌ها را گریم کنید.
۴. فضای اجرای نمایش با توجه به متن آن طراحی و تنظیم شود.

قصه‌گو: یکی بود، یکی نبود ... در دهکده‌ی زیبایی، یک خروس دنیادیده و باتجربه بود و علاقه‌ی زیادی به قصه گفتن و داستان شنیدن داشت. برای همین، گاهی وقت‌ها مرغ و جوجه‌ها را دور خودش جمع می‌کرد و از داستان‌های قشنگی که بلد بود برای آن‌ها تعریف می‌کرد: داستان‌های مکر و حيله‌ی روباه‌ها و حقه شغال‌ها و کارهایی که این حیوانات می‌کردند تا مرغ‌ها و جوجه‌ها را گول بزنند و آن‌ها را یک‌لقمه‌ی چرب کنند. جوجه‌ها، داستان‌های آقا خروسه را خیلی دوست داشتند و خانم مرغ‌ها هم از اینکه می‌دیدند جوجه‌های طلایی دور آقا خروسه جمع می‌شوند و قصه‌های او را گوش می‌کنند خوشحال بودند و از دیدن آن‌ها لذت می‌بردند. یک روز که آقا خروسه تنها بود، تصمیم گرفت گشت‌وگذاری برود و سری به بوستان و صحرا بزند. این بود که راه افتاد و رفت و قدم‌زنان صحرای سبز و خرم را در فصل بهار تماشا کرد. درخت‌ها شکوفه کرده بودند و بوی عطر شکوفه‌ها در هوا پخش شده بود و درخت‌های خشک زمستان حالا مثل عروس شده بودند و تمام شاخه‌هایشان پر بود از شکوفه‌های سفید و صورتی.

(آقا خروسه با دیدن این‌همه مناظر زیبا دلش به شوق آمد و شروع کرد به آواز خواندن.)

آقا خروسه: قوقولی قوقو! قوقولی قوقو ...

قصه‌گو: حالا آواز نخوان! روباهی در همان نزدیکی بود و وقتی صدای آقا خروسه را شنید، هوس کرد که شانش را امتحان کند. شاید بتواند که خروس را گول بزند و او را بخورد.

(روباه دوید و نزدیک خروس آمد. اما خروس تا روباه را دید، از ترس پرید بالای دیواری که همان نزدیکی بود و از آنجا روی شاخه‌ی درختی پرید و همان جا نشست. روباه وقتی دید که خروس پرید و بالای بلندی رفت، کمی ناراحت شد اما به روی خودش نیاورد.)

روباه (با زبان بی‌زبانی): سلام آقا خروسه! حال شما؟ احوال شما؟ چه صدایی! چه پر و بالی! چه آوازی! برادر چرا ترسیدی و پریدی بالای درخت؟ مگر از من می‌ترسی؟ من که با تو دشمنی ندارم. صدای آواز قشنگت را شنیدم با خودم گفتم بیایم و به شما سلامی بکنم. هوا هم خیلی خوب است. گل‌ها شکفته و صحرا هم سبز است و آواز قشنگ تو غم را از دل هرکسی بیرون می‌برد. من هم از آواز خوش لذت می‌برم. گفتم بیایم و با هم دوست شویم و قدری در این صحرای زیبا گردش کنیم.

قصه‌گو: خروس که حیوان باتجربه و دانایی بود، داستان‌های زیادی هم از مکر و حيله‌ی روباه‌ها شنیده بود، جواب داد:

خروس: بله! بله! آقا روباهه، هوا خیلی خوب است. آواز من هم بدک نیست. اما من که تو را نمی‌شناسم و پدر خدایامرم هم همیشه می‌گفت که با آدم‌های ناشناس رفاقت نکنم. این را هم می‌دانم که خیلی از خروس‌های بی‌تجربه، از گردش با حیوانات قوی‌تر و ناشناس در جاهای خلوت خیری ندیده‌اند و همیشه پشیمان شده‌اند.

روباه: بله! بله! من هم با پدر خدایامرم شما آشنا بودم و وقتی تو جوجه بودی، زیاد به خانه‌ی شما می‌آمدم. پدرت از تو خیلی تعریف می‌کرد و می‌گفت که جوجه‌ی حرف‌گوش‌کن و باهوشی هستی. خدایامرم همیشه به من می‌گفت که مواظب جوجه خروس من باشی. وقتی به صحرا و دشت می‌رود، همراهش باش تا خطری برایش پیش نیاید.

خروس: اما آقا روباهه، پس چرا پدرم هیچ‌وقت از شما برای من حرفی نزد؟ تازه من اصلاً یادم نمی‌آید که شما را در خانه خودمان دیده باشم.

(روباه فهمید کمی اشتباه کرده)

روباه: خب تو آن‌موقع بچه بودی، یادت نیست. اما من با همه‌ی خانواده‌ی شما آشنا هستم. حالا اگر میل نداری گردش کنی و از راه رفتن با من می‌ترسی، حرف دیگری است. اما خیلی متأسفم که تو دوست و دشمن خود را نمی‌شناسی. مگر کسی از من به تو بدگویی کرده است؟

آقا خروسه: نه! کسی از تو بدگویی نکرده. اما این را هم می‌دانم که مرغ و خروس هیچ رابطه و دوستی با روباه ندارند. خب گوشت خروس خوشمزه است و روباه هم ای ... یک کمی شکمو!

روباه (با خنده): چرا؟ کسی گفته رابطه‌ی دوستی ندارند؟ مگر نشنیدی که سلطان حیوانات چه دستوری داده؟ بله آقا خروسه، دیگر دشمنی از بین حیوانات برداشته شده ... سلطان حکم کرده که همه‌ی حیوانات با هم دوست باشند و کسی به کس دیگر آزار نرساند. پس تو خیلی از همه‌جا بی‌خبری ... همین حالا توی این بیابان همه‌ی حیوانات با هم دوست هستند. مرغ پشت شغال می‌نشیند و در صحرا گردش می‌کند. کبوتر با عقاب دوست شده و در لانه‌ی عقاب زندگی می‌کند.

سگ دیگر به روباه کاری ندارد و با هم رفیق شدند ... خیلی عجیب است، این حکم خیلی وقت است که در این صحرا اجرا شده و تو چطور خبر نداری؟ این حرف‌ها دیگر خیلی قدیمی شده و الان همه با هم دوست شده‌اند!

(خروس با دقت حرف‌های روباه را گوش می‌داد اما در همان حال یک‌دفعه گردن خود را دراز کرد و به دوردست‌ها خیره شد)

روباه: حواست کجاست آقا خروسه؟ انگار به حرف‌هایم گوش نمی‌دهی؟

خروس: نه آقا روباهه، چرا چرا، گوش می‌دهم. اما! انگار یک حیوانی از طرف آبادی دارد به‌سرعت به‌طرف ما می‌آید. نمی‌دانم چه حیوانی است ... اما از گرگ کمی بزرگ‌تر است و گوش‌هایش هم بزرگ است و مثل برق و باد می‌دود.

(روباه تا این حرف را شنید، ترسید و چرخ‌های دور خودش زد و این طرف و آن طرف را نگاه کرد تا شاید پناهگاهی پیدا کند و قایم بشود و دیگر حرفی نزد و دست از فریب خروس برداشت.)

خروس: حالا کجا داری می‌روی آقا روباهه! صبر کن ببینم. مگر این حیوانی که دارد می‌آید چه جانوری است؟ شاید روباه باشد. هان؟

روباه: نه! نشانی‌هایی که تو می‌دهی روباه نیست. گرگ هم نیست. فکر می‌کنم یک سگ شکاری است که دارد به ما نزدیک می‌شود ... خب ما هم میانه‌ی خوبی با هم نداریم. می‌ترسم بیاید و مرا اذیت کند.

خروس: چطور؟ تو را اذیت می‌کند؟ مگر همین‌الان نمی‌گفتی که سلطان دستور داده همه‌ی حیوانات با هم دوست باشند و کسی با کسی کاری نداشته باشد.

روباه (درحالی‌که فرار می‌کرد): بله، گفتم. اما می‌ترسم این سگ هم مثل تو فرمان سلطان را نشنیده باشد! پس ماندن من دیگر صلاح نیست که اگر برسد دیگر حسابم پاک است.

قصه‌گو: روباه این را گفت و فرار را بر قرار ترجیح داد. خروس هم وقتی که مطمئن شد روباه کاملاً دور شده از درخت پایین آمد و با خودش گفت:

خروس: این روباه مکار را ببین، فکر می‌کند خروس دنیادیده‌ای مثل من، گول حرف‌های او را می‌خورد. بیچاره نفهمید که این بار من بودم که بهش کلک زدم و سگی در کار نبود!

قصه‌گو: بله بچه‌ها! خروس این را گفت و قوقولی کنان به طرف لانه‌اش حرکت کرد.

نام نمایش: مملی و هپلی و خپلی، سه دوست خوب تپلی

نویسنده: بابک دهقانی

هدف:

آشنایی با تفکیک زبانه‌ها

آشنایی با بهداشت

رعایت بهداشت محیط

شخصیت‌ها: قصه‌گو، مملی، هپلی و خپلی

قصه‌گو: بچه‌ها سلام حالتون خوبه؟ سلامتین؟ ناز و قشنگ و خوب هستین؟ بادب و تمیز هستین؟ خوب حالا که این قدر خوبین، بادب و تمیزین، قصه دارم براتون، یه قصه‌ی خوب و قشنگ، برای گل‌های رنگارنگ.

روزگاران قدیمو یادتون نیست شما، ولی ما قصه‌گوها روزگاران قدیمو جلو چشمون قشنگ شما بچه‌ها میاریم. خیلی‌خیلی سال پیش توی یک مزرعه سرسبز و قشنگ سه دوست خوب و تپلی در کنار هم زندگی می‌کردند که اسم یکیشون مملی (خیلی مودب وارد صحنه می‌شود و با یک عطسه از صحنه خارج می‌شود)، دومی اسمش هپلی (با موهای به‌هم‌ریخته و یک لباس کثیف که ظاهراً کاکائو روی آن ریخته شده است، وارد صحنه می‌شود و در حالی که پفک می‌خورد و ذره‌های آن روی زمین می‌ریزد از صحنه خارج می‌شود). سومی هم خپلی بود که اون هم دست‌کمی از هپلی نداشت. یک پسر بچه‌ی تپل و شکم‌گنده (قصه‌گو شکمش را به جلو می‌دهد و ادای آدم‌های چاق را درمی‌آورد)، که از بس خورده، حال راه رفتن نداره. خلاصه بچه‌ها، یک روز این سه تا دوست خوب و صمیمی در حال تماشای تلویزیون بودند که ناگهان مملی از جایش بلند شد و گفت:

مملی: امروز چیزهای زیادی درباره‌ی زمین پاک و مدیریت کردن زباله‌ها و چگونگی بیرون ریختن و تفکیک آن‌ها یاد گرفتیم. امروز برای ما سه نفر روز خیلی مهمی است و ما باید به دیگران هم این مطالبی که یاد گرفتیم را انتقال بدهیم.

هپلی: (درحالی که موهایش را می‌خاراند)، مثلاً چی یاد گرفتیم مملی؟

خپلی: هپلی تو تا کی می‌خواهی این‌جوری باشی؟ این‌همه فیلم نگاه کردیم. مثلاً یاد گرفتیم موقع تماشای فیلم می‌تونیم تخمه و پفک هم بخوریم.

هپلی: (با خنده) راست می‌گی. چیپسش هم خوشمزه بود. مخصوصاً اگر سرکه‌ای باشد.

مملی: (با کمی عصبانیت)، نه نه بچه‌ها. این چیزهایی که شما می‌گید علاوه بر اینکه برای بدن هیچ سود و فایده‌ای نداره، تازه می‌تونه محیط اطراف ما رو هم کثیف و آلوده کنه. حالا من کاری به این ندارم که شما چی خوردید و چی نخوردید ولی لطفاً پسماندهای زباله‌های خودتون رو مدیریت کنید.

(هپلی و خپلی هاج و واج به مملی نگاه می‌کنند.)

مملی ادامه می‌دهد: ما یک فیلم در مورد آب‌وهوای زمین تماشا کردیم و نحوه‌ی تفکیک پسماندها رو یاد گرفتیم. ما نباید زباله‌های خشک و تر را با هم قاطی کنیم. باید در محیط منزل، مدرسه، کار و هر جای دیگر، دو سطل زباله قرار بدهیم تا بتوانیم زباله‌ها را از هم جدا نگهداریم. این کار باعث تمیز نگه‌داشتن محیط اطرافمان نیز می‌شود.

هپلی: امممم فکر کنم روشن نگه‌داشتن بخاری‌ها باشه!!

مملی: خوب اگر....

خپلی: (وسط حرف مملی می‌پرد) هوم هوم هووو، چیز چیز! خاموش کردن کولرها!

مملی: خوب ببینید ...

هپلی: (وسط حرف مملی می‌پرد): خپلی تو چرا این‌جوری هستی؟ خوب خاموش کردن کولرها با روشن کردن بخاری‌ها هر دوتاشون میتونه به گرم کردن زمین کمک کنه.

مملی: (با عصبانیت و محکم) نه! بچه‌ها این حرف‌هایی که شما دارید می‌گید درسته اما منظور من چیز دیگه‌ای هستش. ببینید اگر ما زباله سازی کنیم و نتونیم اون‌ها رو از هم جدا نگهداریم می‌تونیم دلیلی بر گرم شدن زمین باشیم. بیاید من براتون توضیح بدم. (دور همدیگه جمع می‌شوند و شروع به پیچ‌پیچ می‌کنند).

قصه‌گو: خلاصه بچه‌ها اون روز با همین بحث‌ها بین مملی و هپلی و خپلی به پایان رسید ... فردای اون روز دوباره هر سه دوست کنار هم جمع شدند و مملی گفت:

مملی: من دیشب اصلا نتونستم بخوابم. به خاطر همین به سراغ یخچال رفتم و می‌خواستم چیزی بخورم که ناگهان متوجه یک برچسب بر روی در یخچال شدم که روی اون، «درجه کنترل دما» نوشته شده بود. ناگهان فکری به ذهنم رسید. جمع شدن زباله‌ها روی هم باعث ایجاد بوی نامطبوع و گرمی خواهد شد. اما اگر ما اجازه ندهیم زباله‌ها روی هم انباشته شود و گرما تولید کند، می‌توانیم از شر بوی بد آن‌ها هم خلاص شویم.

هپلی: بین خپلی، از دیروز تا الان دو تا چیز جدید یاد گرفتیم. یکی اینکه باید زباله‌ها را مدیریت کنیم و دوم اینکه نباید اجازه بدیم زباله‌ها روی هم انباشته بشود.

هپلی: مملی تو واقعا دیشب به این چیزها فکر کردی؟

خپلی: بابا چه حوصله‌ای داری. من دیشب یکی از پاهام روی اون یکی پام بود و درحالی‌که پوست موز و پفک گوشه تختم بود خوابم برده بود (بلند شروع به خندیدن می‌کند).

مملی: بله بچه‌ها. من واقعا داشتیم به این فکر می‌کردم که برای اینکه زمین زیبا همیشه سرسبز بمونه، ما چه کارهایی می‌تونیم انجام بدهیم.

هپلی: خوب از ما می‌پرسیدی بهت می‌گفتیم بابا ...

خپلی: خوب حالا بگو. چی کار باید بکنیم؟

هپلی: راستش فکر می‌کنم مملی داره راست می‌گه. ما باید به ۱۱۸ زنگ بزنی و شماره سازمان مدیریت پسماندها رو بگیریم. بعدش می‌تونیم با مشورت اون‌ها زباله‌های تر و خشک رو مدیریت کنیم.

خپلی: مدیریت زباله‌های تر و خشک دیگه چی هست؟

مملی: خوب بذار این رو من برات توضیح بدم. ببینید ما باید همیشه و همه‌جا دو تا سطل زباله قرار بدیم. یکی برای زباله‌های تر و یکی دیگه برای زباله‌های خشک.

خپلی: خوب این چه کمکی بهمون می‌کنه؟

مملی: جداسازی زباله‌ها باعث می‌شه که از بوی بد اون‌ها خلاص بشیم.

هپلی: تازه مملی من یه بار یه جایی خوندم که نوشته شده بود، این جداسازی به بازیافت زباله‌ها هم کمک می‌کنه.

مملی: آفرین هپلی مشخصه خپلی دوست داری محیط اطرافت تمیز و قشنگ بشه.

هپلی: راستش رو بخوای من از اینکه زباله می‌ریختم روی زمین و اون‌ها رو از هم جدا نمی‌کردم خیلی پشیمون هستم. کاش زودتر به این چیزها فکر می‌کردم.

خپلی: (با ناراحتی) خوب این جواری کارمون خیلی سخت‌تر می‌شه. ببینید بچه‌ها چقدر راحت هر چیزی که دلمون می‌خواد می‌خوریم و هر جا دوست داشته باشیم زباله می‌ریزیم.

هپلی و مملی: (با تعجب همدیگر را نگاه می‌کنند) و می‌گویند: خپلی تو چرا این جواری هستی.

زیادبودن زباله‌ها و تفکیک‌نکردن آن‌ها از همدیگر نه تنها مضره بلکه می‌تونه جون بچه‌ها رو به خطر بندازه.

آن‌ها با هم شروع به خواندن این شعر کردند:

همیشه یادم می‌مونه

بازیافت چقدر آسونه

تو مدرسه تو خونه

بازیافت کردن چه خوبه

آلومینیوم و پلاستیک

مجله و پلاستیک تو سطل بازیافت میرن

قابل مصرف میشن

درخت‌ها و آدم‌ها

همه با هم می‌خوندن

بازیافت کردن چه خوبه

بازیافت کردن چه خوبه

قصه‌گو: بله بچه‌ها، این سه دوست تصمیم گرفتن زباله کمتری تولید کنند و زباله‌ها رو تفکیک کنن. خلاصه ما یاد گرفتیم که نه تنها نباید زباله‌ها رو روی زمین بریزم، بلکه باید اون‌ها رو از هم تفکیک کنیم چرا که ریختن زباله‌ها روی هم، باعث بوی بد و نامطبوع و همچنین گرم‌شدن زمین خواهد شد. قصه ما به سر رسید. کلاغه به خورش نرسید.

نام نمایش: روباه و خروس

نویسنده: مهری طهماسبی دهکردی

اهداف:

آشنایی با ردیلت دزدی

ارزشمندی شجاعت و یاری رساندن به دیگران

شخصیت‌ها: خروس، روباه، ننه گلی، قورباغه، چوپان و گرگ

پرده اول:

صحنه نمایش یک مزرعه است که لانه‌ی مرغ‌ها کنار آن قرار دارد. پنجره‌ی لانه باز است. خروس کنار پنجره نشسته، قاب عکسی که عکس مرغ و جوجه‌ها در آن است را روبروی خودش گذاشته و می‌خواند: (موبایلی هم به گردنش آویزان است).

قووقولی قووقو خروسم / خوش‌آواز و ملوسم

یه کم دلم گرفته / مرغم از خونه رفته

رفته مهمونی مرغم / با جوجه‌های قشنگ

دلم واسه همه شون / شده خیلی خیلی تنگ

باید برم دنبالشون (نگاهی به موبایلش می‌کند و ادامه می‌دهد) چگونه زنگ بزنم بهشون؟

در اینجا ننه گلی درحالی‌که بسیار ناراحت به نظر می‌رسد، وارد صحنه می‌شود. (لباس زنان روستایی را به تن دارد، دامن بلند و جلیقه و روسری گلدار و چادری هم دور کمرش بسته) با ورود او خروس آوازش را قطع می‌کند و خطاب به ننه گلی می‌گوید:

سلام ننه گلی جون / ننه گلی مهربون

ننه گلی آهی می‌کشد و می‌گوید:

علیک سلام خروس جون

خروس: چیه؟ چرا گرفته‌ای؟ / غمی داری، غصه داری؟

ننه گلی کنار خروس می‌نشیند و با گریه می‌گوید:

چی چی بگم خروس جان؟ / دلم تنگه خروس جان

پای اسبم تو جاده / خورده به سنگی گنده
نعل از سُمش جدا شد / توی جاده رها شد
روباهه اون دور و برا / واسه ی خودش می کرد صفا
نعل رو دید و زودی دوید/ به نعل اسب من رسید
نعل اسبمو برداشت / پیش خودش نگه داشت
گفتم که نعل مال منه / مال سم اسب منه
نعل اسبو به من بده / این کار تو خیلی بده
گفت نمی خوام نمیدم / خودم بهش رسیدم
منم با چشم گریون / خسته و زار و نالون
افسار اسبو گرفتم / اونو به طویله بردم
بیچاره اسب لنگم! / اسب لنگ قشنگم!

خروس با عصبانیت روی صحنه قدم می زند. دور و بر ننه گلی می چرخد و بعد با صدای بلند و خشمناک **خطاب** به **روباه** می خواند:

قوقولی قوقو / روباه پُرو / دزد و فریب کار / روباه مکار / الان میام سراغت / میشم موی دماغت / تا نعلو پس نگیرم / از پیش تو نمیرم / ننه گلی بیچاره / اسبش که نعل نداره / حالا یه کم می لنگه / از صبح تا شب بیکاره.

ننه گلی با **تعجب** به او نگاه می کند و می پرسد:

راس میگی تو خروسکم؟ / خروسک ملوسکم

می خوای نعلو بگیری / برای من بیاری؟

کاشکی که پولی داشتم (کیسه یا کیف پولی را از جیب جلیقه اش بیرون می کشد و آن را می تکاند تا نشان دهد خالی است)

پولم را برمی داشتم / می رفتم دم مغازه / می خریدم نعل تازه

اما پولی ندارم / فقیرم و بیچاره ام.

خروس سرش را بالا می‌گیرد و با اعتماد به نفس می‌گوید:

ننه گلی جون نیگام کن / نیگا به سر تا پام کن

می‌بینی چقد قشنگم؟ / خوشگل و رنگارنگم

منم خروس پُردل / نترس و شاد و زبل

دل بزرگی دارم / سر نترسی دارم

میرم روباه می‌بینم / نعل ازش می‌گیرم

خودم می‌شم یار تو / خدا نگهدار تو

راه می‌افتد و ننه گلی برایش دست تکان می‌دهد و می‌گوید:

خدا حافظ خروسکم / خروسک ملوسکم

خروس از صحنه خارج می‌شود.

پرده دوم:

خروس کنار رودخانه ایستاده و به آب نگاه می‌کند. **قورباغه‌ای** جلوی او ظاهر می‌شود و با صدای بلند می‌خواند:

قور و قور و قور قورباغم / توی آب و مردابم

کنار آب می‌شینم / مگس‌ها رو می‌گیرم

قورباغه زبون درازم / مگس میشه شکارم

قور و قور و قور می‌خونم / شنا رو خوب می‌دونم

قور و قور و قور زرنگم / می‌بینی سبزه رنگم؟

(جلوی خروس ورجه ورجه می‌کند)

خروس: آهای آهای قورقوری / حالت خوبه؟ چطوری؟

قورباغه با تمسخر جواب می‌دهد:

هاها هاها خروس بلا / کجا داری میری حالا؟

می‌خوای که از آب رد بشی؟ / بپایه وقت خیس نشی

(چشم‌هایش را می‌بندد و قاه‌قاه می‌خندد)

خروس: قورباغه‌ی غرغرو / حیوون چاق پرو

چرا چشاتو می‌بندی؟ / می‌خوای به من بخندی؟

فکر می‌کنی نمی‌دونم / چه جوری از آب رد بشم؟

قورباغه با تمسخر جواب می‌دهد:

قور و قور و قور خروس جون / تو برو توی بیابون

تویی که بال و پر داری / کنار آب چیکار داری؟

رودخونه خیلی آب داره / بزرگه پیچ و تاب داره

باید شنا بلد باشی / بپری تو آب و رد بشی

خروس کمی نرمش می‌کند و می‌گوید:

صغری و کبری هی نچین / نگاه بکن منو ببین

(با یک حرکت ناگهانی از جا می‌پرد و از عرض رودخانه عبور می‌کند و بعد ادامه می‌دهد)

دویدم و دویدم / به رودخونه رسیدم

دوتا چشمو بستم / از روی اون پریدم

هیچ چیزی مانع نیست / نمره‌ی جرأتم بیست

میرم روباهو ببینم / نعل اسبو بگیرم

قورباغه با تعجب و تحسین، انگشت به دهان سر جایش می‌نشیند. خروس بلند بلند می‌خندد و به راهش ادامه می‌دهد و از صحنه خارج می‌شود.

پرده سوم:

چوپانی نشسته و به درختی تکیه داده و با گیتاری که در دست دارد آهنگ می‌زند و می‌خواند:

منم چوپون تنها / همیشه توی صحرا

شدم من همنشین / این بره‌ها و بزها

گله را می چروم / واسش آواز می خونم / لالا لا لا لای لای لای

خروس آهسته جلو می رود و جلوی چوپان می ایستد. چوپان ساکت می شود. خروس تعظیم می کند و می گوید:

سلام به مرد چوپان / به آقای مهربان

چوپان خنده اش می گیرد و می گوید:

علیک سلام خروس جان / خروسک خوش زبان

تو این ورا چه کار داری؟ / تنهایی داری کجا میری؟

خروس:

راستش آقای چوپان / ای آقای مهربان

میرم سراغ روباه / اون حیوون دل سیاه

یه نعل اسب دزدیده / روباه خیر ندیده

چوپان: (با تعجب) نعل اسب دزدیده؟

خروس:

بله آقای چوپان / نعل اسب ننه گلی مهربان (روی اسم ننه گلی تأکید می کند)

ننه گلی بیچاره / اسبش که نعل نداره / دل تنگ و غصه داره / روباه نعلشو برده / حق گلی را خورده

چوپان:

حال بیا یه کم بشین / خستگی ها رو در بکن

می خوام برات ساز بزنم / تو گوش به ساز من بکن.

خروس کنار چوپان می نشیند و می گوید:

باشه عمو جون مهربون / گوش می کنم با دل و جون

چوپان شروع به نواختن آهنگی شاد می کند. اما صدای زوزه ی گرگ بلند می شود. چوپان با وحشت از جا می پرد و

می گوید:

خاک به سرم گرگ اومد / دشمن گله اومد

چه کنم چیکار کنم / گرگه را تارومار کنم

چوبدستی‌اش را از روی زمین برمی‌دارد و آماده‌ی دفاع می‌شود. خروس با گردن افراشته کنارش می‌ایستد. صدای گرگ به گوش می‌رسد:

منم منم گرگ سیاه/ دشمن میش و بره‌ها

دندونای تیزی دارم / چنگال تیزی دارم

می‌خوام یه گوسفند بگیرم / دلی از عزا دربیارم

خروس موبایلش را در دست گرفته و شماره می‌گیرد. گرگ وارد صحنه می‌شود و چوپان با چوبدستی جلوی او می‌ایستد. گرگ قاه‌قاه می‌خندد و می‌گوید:

گرگم و گله می‌برم

چوپان با عصبانیت جواب می‌دهد: من چوپونم نمی‌ذارم

گرگ: من می‌برم خوب خوبشو

چوپان: من نمیدم گله به تو

گرگ و گوسفند به سبک بازی گرگم و گله می‌برم با هم مبارزه می‌کنند. حرکاتشان خنده‌دار و ریتمیک است. در همان موقع خروس فریاد می‌زند:

گرگ سیاه پررو / زود باش از اینجا برو

هاپ هاپو خان تو راهه / دشمن گرگ سیاهه

گوش کن صداشو می‌شنوی؟ (دکمه موبایلش را فشار می‌دهد) صدای هاپ هاپ بلند و وحشتناکی از موبایل پخش می‌شود. گرگ کمی عقب می‌رود و به اطرافش نگاه می‌کند. صدا همچنان به گوش می‌رسد. گرگ ترسیده و چوپان با چوبدستی به سرش می‌کوبد. گرگ زوزه‌کشان فرار می‌کند.

چوپان نفس راحتی می‌کشد و روی زمین می‌نشیند. خروس کنارش می‌ایستد و می‌گوید:

صد آفرین به چوپان / به آقای نگهبان

گرگو دیدی نترسیدی / وایسادی با اون جنگیدی

گرگو فراری دادی / حالا راحت و شادی

منم دیگه باید برم / نعل اسبه رو بیارم

چوپان برمی خیزد و با مهربانی به سر خروس دست می کشد و می گوید:

دست شما درد نکنه / خروسک ناز و قشنگ

کاشکی همیشه شاد باشی / دل تو هیچ وقت نشه تنگ

خدا نگهدارت باشه / همیشه یاورت باشه

خروس راه می افتد، دستی برای چوپان تکان می دهد و از صحنه خارج می شود.

پرده ی چهارم:

روباه روی صحنه پشت به تماشاچیان نشسته و نعل اسب را درگردن دارد و با موبایلش صحبت می کند و مرتب

می گوید:

الو الو صدا نمیاد / صدا نمیاد

خروس وارد می شود. دور از او می ایستد و نگاهش می کند و ناگهان شروع به خواندن می کند:

الو الو صدا میاد / صدا میاد

روباه وحشت زده برمی گردد و می گوید:

اینجا چکار داری تو؟ / بگو با کی کار داری تو؟

خروس بال را به هم می زند و می گوید:

می دونی چرا من اینجام؟ / این نعل اسبو می خوام (به نعل اشاره می کند)

روباه به نعل نگاه می کند و فریاد می زند:

چی می گی تو خروسک؟ / ای خروس وروجک

من اونو پس نمیدم / نمیدم و نمیدم.

خروس:

اگر تو نعلو پس ندی / منم همین جا می مونم

ازُ صب تا شب تو گوش تو / هی می خونم / هی می خونم

و شروع به خواندن می کند:

قوقولی قوقو / روباه پررو / روباه مکار / دزد و فریب کار

قوقولی قوقو / تو خیلی بدی / این نعل اسبو / باید پس بدی

قوقولی قوقو / نعل مال تو نیست / روباه مکار / زود نعلو از اون / گردنت درآر.

روباه دست هایش را روی گوش هایش می گذارد و می گوید:

کور خوندی تو/ ای خروس / خروسک لوس لوس

نعل مال منه / پشش نمیدم/ اونو به دست / هیچ کس نمیدم.

خروس باز هم فریاد می زند:

اگه پس ندی / اینجا می مونم / تا صبح فردا / آواز می خونم

اونقد می خونم / تا گیج بشی / شکل یه دونه / هویج بشی / قوقولی قوقو.

روباه:

هر کار بکنی / پس نمیدم / نعلو به دستت نمیدم.

خروس با صدای بلندتر آواز می خواند:

قوقولی قوقو / قوقولی قوقو / روباه مکار / روباه مکار

روباه تنبل / روباه بیکار / نعلو دزدیدی / وای به حالت

کاشکی یه هاپو / بیاد سراغت / قوقولی قوقو

روباه با عصبانیت از جا می پرد. گوش هایش را می گیرد و فریاد می زند:

بسه دیگه قوقولی نکن / اینقده منو / خون به دل نکن

چرا میگی من / روباه بدم؟ / چرا من باید / نعلو پس بدم؟

خروس دوباره می خواند:

قوقولی قوقو / نعل مال تو نیست / قوقولی قوقو / نعل مال تو نیست /

روباه فریاد می کشد:

ایست ایست خروس بلا / بسه دیگه نکن صدا / اینقده نگو قوقولی قوقو

(نعل را از گردنش درمی آورد و جلوی خروس می اندازد)

بیا بگیرش / این نعل مال تو / اینقده نگو قوقولی قوقو

تو اومدی سراغم / شدی موی دماغم /

بردار برو ای بلا / خروسک ناقلا / دیگه نیا سراغم / نشو موی دماغم.

خروس دوباره می خواند: قوقولی قوقو

روباه با خشم از صحنه خارج می شود. خروس نعل را برمی دارد و با شادمانی می خندد و راه می افتد. در راه می خواند:

من خیلی شادم / دارم می خندم

راه غم‌ها رو / دارم می بندم

روباه فرار کرد / رفت توی لونه‌ش

حالا می خوابه / تو آشیونه‌ش

حریفم نشد / روباه مکار

دیگه ندارم / با روباهه کار

میرم به خونه / با شادمانی

سراغ ننه / گلی مامانی

حتماً شاد میشه / ننه گلی جون

برام می خنده / ننه مهربون

پرده آخر:

ننه گلی با حالتی منتظر و چشم‌به‌راه توی مزرعه ایستاده است. خروس نعل به دست وارد می شود.

ننه گلی از جا می پرد و به سویش می رود و او را بغل می کند و می بوسد.

خروس: سلام سلام ننه گلی جون / ننه گلی جون مهربون /

همون جوړی که گفتم / نعل اسبو گرفتم /

روباهو از رو بردم / نعلو برات آوردم.

ننه گلی خروس را نوازش می کند و می گوید:

سلام به تو خروسکم / عروسکم ملوسکم

نعلو گرفتی جونم / من قدر تو می دونم

تو پُردل و زرنگی / خروسک قشنگی

خسته نباشی گلکم / خروسک ملوسکم.

خروس با خوشحالی می گوید:

روباهه وقتی منو دید / از من حسایی ترسید

گفت بیا نعلو بردار / برو منو راحت بذار

دیگه نیا سراغم / نشو موی دماغم

منم نعلو آوردم / به دست تو سپردم (نعل را در دست ننه گلی می گذارد)

تا اسبتو نعل بکنی / آماده ی کار بکنی.

ننه گلی نعل را در دست می گیرد، خروس را می بوسد و می گوید:

الهی خیر ببینی / خروسک قشنگم

ممنونتم عزیزم / خروسک زرنگم

میرم که کاری بکنم / اسبمو یاری بکنم. (راه می افتد و می رود و برای خروس دست تکان می دهد)

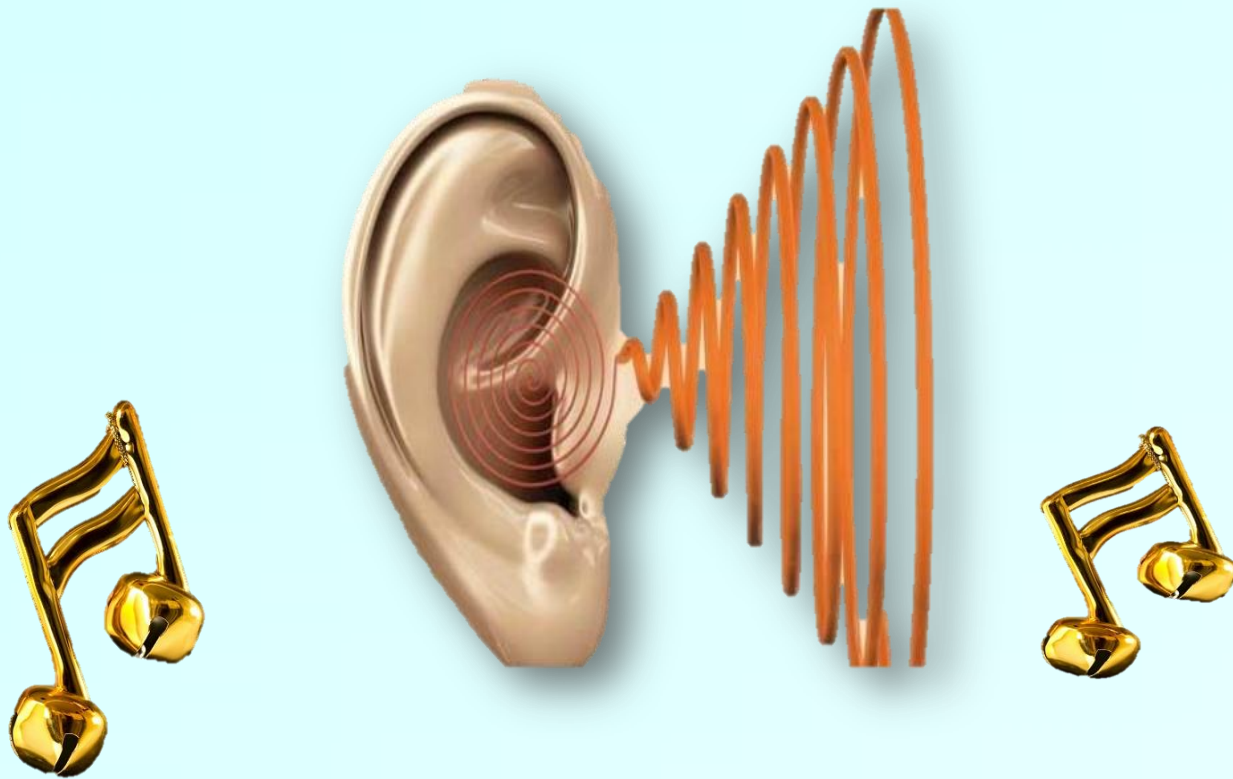
خروس: (بالش را برای او تکان می دهد و می خواند)

قوقولی قوقو / قوقولی قوقو /

ننه گلی جون / میره سرکار / شکر خدا که / نمونه بیکار /

اونچه را می خواست / واسش آوردم / خنده را روی / لبش آوردم /
 هیچ نعل اسبی / شانس نمیاره / شانسی نداره / هر کی بیکاره /
 قوقولی قوقو / زبر و زرنگم / خروس نازم / خیلی قشنگم /
 صبح سحر من / می خونم آواز / تا خواب نمونی / چشات بشن باز /
 وقتی که خورشید / تو آسمونه / آدم زرنگ / خواب نمی مونه /
 با نام خدا / از جاش پا میشه / می کنه ورزش / سرحال میشه / صبحونه خوردن / کار بعدیشه / وقتی که سیر شد /
 کار شروع میشه / آدم زرنگ / کارو دوس داره / کار واسه ی اون / شادی میاره /
 قوقولی قوقو / قوقولی قوقو /
 بعد ساکت می شود و قاب عکس مرغ و جوجه ها را برمی دارد و نگاه می کند و **می خواند:**
 یه مرغی دارم / یه مرغ قشنگ / با جوجه های / خوشگل و زرنگ / چند روزه رفتن /
 اون ها به سفر / یه سفر خوب / امن و بی خطر / دلم چه تنگه / حالا براشون / می خوام برم من /
 به دنبالشون / بیارمشون / اینجا تو لونه / پیشم بمون / تو آشیونه / دوستشون دارم / اینو میدونن /
 ترانه ی شاد / واسم می خونن .
 قاب عکس را سر جایش می گذارد و خطاب به تماشاچی ها **می گوید:**
 من رفتم آی بچه ها / سراغ مرغ و جوجه ها
 دستش را به نشانه خدا حافظی تکان می دهد و **می گوید:**
 قوقولی قوقو / خدانگهدار
 ای بچه های عاقل و هشیار .
 موبایلش زنگ می زند و او همان طور که از صحنه خارج می شود **می گوید:**
 الو الو عزیزم / مرغک نازنینم / دارم میام دارم میام و نمایش به پایان می رسد .

بخش پنجم : تمرینات شنیداری



تمرینات شنیداری



مربی‌ان گرامی:

توجه کردن به تضادهای موسیقی مثل تند و کند، زیر و بم، بلند و آهسته و تقلید از شعر و آهنگ‌های کودکان می‌تواند حس شنیداری را تقویت کند.

توصیه می‌شود صداسازهایی که توسط دانش‌آموزان در بخش کاردستی همین کتاب تهیه شده است، در این قسمت مورد استفاده قرار گیرند.



بازی بله، خیر معکوس

مربی‌ان گرامی:

این بازی، یک بازی کلامی پرهیجان است که نیاز به قدرت تمرکز بالا دارد. در این بازی یک فرد سرزبان‌دار یا خود مربی، باید در حکم پرسش‌گر ظاهر شود و از نفر مقابل سوال‌های بدیهی بپرسد که پاسخ آن‌ها کلمات "بله و خیر" باشد.

دانش‌آموز باید جواب برعکس بدهد یعنی: هرجایی که باید بگوید «بله»، «خیر» بگوید و بالعکس.



شخص پرسش‌گر باید پرحافظه و باتمركز باشد و تا می‌تواند به بازی سرعت بدهد. (بهتر است سوالات از قبل مشخص شوند). کسی که به سوال‌ها جواب می‌دهد، به تمرکز زیاد نیاز دارد.

کسی که در مقابل تعداد بیشتری از سوال‌ها مقاومت می‌کند، برنده‌ی بازی است.

بازی هپ

مربی‌ان گرامی:

بازی هپ، یک بازی دسته‌جمعی است که در محیط بسته هم انجام می‌شود. این بازی، برای گروه سنی ۷ سال به بالا مناسب است. در این بازی یاد می‌گیرند که باید گوش‌به‌زنگ و حواس‌جمع باشند.

روش بازی:

۱. برای انجام این بازی، دانش‌آموزان باید دور هم بنشینند.
 ۲. یکی از دانش‌آموزان که بزرگ‌تر از همه است، استاد بازی می‌شود. او یک عدد انتخاب می‌کند. مثلاً عدد پنج.
 ۳. به هر بازیکن یک عدد می‌رسد مثلاً از یک تا پنج. بازیکن‌ها از یک تا پنج، شروع به شمردن می‌کنند. به هر یک از بازیکن‌ها عدد پنج رسید، باید به‌جای عدد پنج بگوید: هپ. عدد ده و پانزده و بیست هم همین‌طور چون این عددها مضربی از پنج هستند. یعنی پنج تا پنج تا، زیاد می‌شوند.
- برای مثال: یک. دو. سه. چهار. هپ. شش. هفت. هشت. نه. هب. یازده. دوازده. سیزده. چهارده. هپ. شانزده. هفده. هجده. نوزده. هُپ.

این بازی قوانینی دارد که باید به آن‌ها احترام گذاشت تا بازی، درست انجام شود. هرچه تعداد بازی‌کنان بیشتر و مضرب‌های عددی که انتخاب می‌شود دور از ذهن باشد، هیجان بازی بیشتر خواهد شد.

صدای پیرامون ما «۱» (ویژگی صداها)

عده‌ی بازیکن: بچه‌های یک کلاس

دانش‌آموزان در یک دایره روی زمین می‌نشینند. چشم‌هایشان را روی هم می‌گذارند و به مدت کوتاهی (از یک دقیقه شروع کنید تا ۴ دقیقه، زمان بر حسب توانایی سنی و ذهنی کودک انتخاب می‌شود) به صدای پیرامون خود گوش می‌دهند. در غیر این صورت می‌توان از دانش‌آموزان خواست که در ذهن خود محیط پر سروصدایی مانند حیاط مدرسه در زنگ تفریح، شلوغی خیابان و ... تصور کنند یا آموزگار صدای افکت محلی طبیعی مانند صدای جنگل یا منطقه دیگری را به وسیله دستگاه پخش صوت پخش کند.

۱- چه صداهایی را شنیدیم؟

۲- کدام صداها بلند بودند؟

۳- کدام صداها آهسته بودند؟

۴- کدام صداها بم یا (کلفت) بودند؟

۵- کدام صداها زیر یا (نازک) بودند؟

۶- کدام صداها کشیده هستند؟

۷- کدام صداها کوتاه هستند؟

صدای پیرامون ما «۲» (موسیقی طبیعت)

عده‌ی بازیکن: بچه‌های یک کلاس

آموزگار به همراه بچه‌ها به شکل دایره روی زمین می‌نشینند. سپس آموزگار در ابتدا سوالات زیر را مطرح می‌کند: کجا زندگی می‌کنیم؟ (در یک شهر بزرگ؟ یا شهرستانی کنار دریا یا روستایی کوهستانی؟) بعد از انتخاب محل، زمان خاصی را مشخص کنید. مانند یک صبح زود تا ظهر در روستایی کنار رودخانه. سپس بر اساس محل و زمان موردنظر، گفتگو را آغاز کنید. آغاز صبح با چه صداهایی شروع می‌شود؟

۱- صدای رودخانه (گروهی)

۲- صدای جیرجیرک‌ها (گروهی)

۳- صدای خروس (فردی)

۴- پارس سگ‌ها (چند نفر)

۵- صدای گله گوسفند، زنگوله‌ها (گروهی)

وقتی صداها مشخص شدند؛ متوجه می‌شوید که بعضی از صداها بهتر است توسط گروه اجرا شود و بعضی از صداها توسط چند نفر یا یک نفر به تنهایی اجرا شود.

هرکس هر صدایی را بهتر تقلید می‌کند، مجری آن صدا می‌شود. حتی می‌توان انتخاب مجریان صداها را به خود دانش‌آموزان محول کرد. مربی باید با هوشیاری تمام نقش هدایت و هماهنگی را ایفا نماید.

چه صداهایی می‌شنویم؟

تند و کند - بلند و آهسته - کشیده و کوتاه - زیر و بم

این فعالیت با هدف حساس نمودن دانش‌آموزان به صداهای متفاوت قابل اجراست و کل دانش‌آموزان در این فعالیت مشارکت دارند. به روش‌های متعددی می‌توان اهداف این تمرین را پیگیری نمود.

با توصیف و یا قصه‌گویی، فضایی خیالی و ذهنی در دانش‌آموزان ایجاد کنید و از آن‌ها بخواهید صداها و آوایی را که تصور می‌کنند می‌شنوند، خودشان اجرا نموده و ویژگی آن را از نظر تندی و کندی، بلند و آهسته، کشیده و کوتاه و زیر و بم بیان نمایند.

از دانش‌آموزان بخواهید با روش‌های مختلف صداهایی را تولید کنند و در مورد ویژگی آن‌ها در کلاس بحث شود.

دیدن با گوش‌ها (هدایت به وسیله شنیدن)

عده‌ی بازیکن:

نامحدود بوده و مربی (آموزگار) در بازی شرکت نمی‌کند، فقط نقش راهنما را دارد.

وسایل مورد نیاز:

پاکت‌های کاغذی (پاکت آجیل) به اندازه‌ای که سر تا شانه را بپوشاند تا چیزی دیده نشود یا تعدادی روسری برای بستن چشم‌ها.

روش بازی:

در ابتدا آموزگار بازی را برای شاگردان توضیح می‌دهد.

مرحله‌ی اول: بچه‌ها در یک دایره می‌نشینند و به دسته‌های دو نفره تقسیم می‌شوند (به‌غیر از معلم یا اوستا)، شماره یکی‌ها و شماره دومی‌ها.

مرحله‌ی دوم: هر یک از دانش‌آموزان یک صدا از خود بسازند بر اساس اصوات (نه کلمات)، هر تیم دو نفره باید صدای دوستش را به‌خاطر بسپارد. (مانند زو یا سیس یا قدقد یا مومو و ...)

مرحله‌ی سوم: همه می‌ایستند و معلم به هر دو نفر پاکت کاغذی گشاد و بزرگ که سرتاسر شانه او را می‌پوشاند می‌دهد. (یا چشم‌هایشان را با روسری می‌بندد). به‌طوری‌که جایی دیده نشود. در این‌جا معلم برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد که شماره یکی‌ها چشمان خود را با پاکت یا روسری ببندند و شماره دومی‌ها باید با ایجاد صدایی که قبلاً ساخته‌اند، شماره یکی‌ها را راهنمایی کنند. (در جهت‌های متفاوت به حرکت درآورند).

مرحله‌ی چهارم: در این مرحله جای شماره یکی‌ها و دوما عوض می‌شود. جای شماره‌ی یکی‌ها و دوما را می‌توان در گروه‌های گوناگون عوض کرد. از صدای دایره زنگی، چوب، مثلث، طبل کوچک یا هر وسیله‌ی صوتی قابل حرکت می‌توان استفاده کرد.

موسیقی



بعد از صدای طبیعت و افتراق صداهای بم و زیر در صداهای اطراف، می‌توانید توجه دانش‌آموز را به صدای انسان‌ها که اولین آواهای آشنای موسیقی بشریت از آن‌ها الهام گرفته شده، جلب نمایید. به طور مثال صدای بچه‌ها و صدای خانم‌ها زیر و صدای مردان بم می‌باشد.

با پخش صدای آواز بچه‌ها و بزرگسالان، صدای بم و زیر را به راحتی می‌توان آموزش داد مثلاً صدای زنده‌یاد ناصر عبداللهی یکی از نمونه‌های ارزشمند صدای بم می‌باشد.

آموزش موسیقی کودکان مانند سایر مواد آموزشی باید با رعایت شرایط ذهنی، جسمی و عاطفی کودکان طراحی و تدوین شود. مسلماً توجه دارید که آموزش موسیقی در مدارس مانند سایر رشته‌های آموزشی باید دارای روند و مسیری دقیق باشد. همچنین باید توجه کنید که هدف اصلی آموزش موسیقی کودکان در دبستان کسب مهارت خوانندگی و نوازندگی نیست. کسب این مهارت‌ها می‌تواند هدف جانبی باشد. همان‌طور که هدف ما از تدریس ادبیات در مدارس، صرفاً جهت ادیب شدن

دانش آموزان و پرورش ادیب نیست. البته در فرایند آموزش و پرورش درست و در فضای مناسب آموزش مسلماً باید استعداد های مناسب کشف و هدایت شوند. این امر در سایر زمینه های هنری نیز مصداق پیدا می کند. ذکر این نکته مهم است که آموزگار می تواند برای افزایش رشد کودک در هر یک از حیطه های ذکر شده، فعالیت های مناسبی را طراحی یا از فعالیت های پیشنهادی استفاده کند.

در زیر به روش ها و فعالیت هایی برای دستیابی به اهداف بالا اشاره می گردد:

۱- آموزش ترانه و سرود های کودکان به کودکان و تشویق آن ها به خواندن، عواطف آنان را تلطیف می کند. (ترانه ها، سرودها، کلمات و اشعار آن باید متناسب با سن کودکان انتخاب شوند).

۲- شنیدن موسیقی و انجام دادن حرکاتی مانند: دویدن، راه رفتن روی پاشنه ی پا، پنجه ی پا و ...، انجام حرکاتی مانند تقلید از پرواز پرندگان، یورتمه ی اسب و ... به کلاس شادابی می بخشد. استفاده از انواع موسیقی با سرعت های تند و کند و مورد علاقه کودکان، به تطبیق حرکات کودکان بر اساس سرعت قطعات کمک می کند و انتخاب درست از آثار موسیقی نیز مانند انواع مارش ها، موسیقی رقص های محلی و موسیقی محلی دیگر نقاط جهان که آهنگ سازان برجسته ی تاریخ موسیقی برای ارکسترهای بزرگ تنظیم کرده اند، (پرای هنزل و گرتل - اپرای مانی و مانا از حسین دهلوی) از نکات مؤثر برای تربیت حس شنوایی کودکان است. توجه کنیم که مدت زمان پخش موسیقی در کلاس نباید طولانی باشد. بهتر است سرعت قطعات انتخابی متفاوت باشد (تند و کند). تنوع موسیقی ارائه شده در کلاس نیز حائز اهمیت زیادی است.

۳- ایجاد تخیل از راه شنیدن موسیقی: شنیدن قطعات موسیقی که با دقت انتخاب شده باشند و ایجاد و بیان تخیل که می تواند به قصه گویی و پانتومیم ختم شود، در این امر مؤثر است. نقاشی بر اساس موسیقی شنیده شده، گفتگو درباره ی انواع احساساتی که از شنیدن یک قطعه موسیقی به ما دست می دهد و ارتباط با تنوع ریتم و ملودی و شیوه ی اجرای موسیقی مانند تک نوازی یا هم نوازی به رشد تخیل کودک کمک می کند. ضمناً باید توجه داشت که هر قطعه موسیقی از کدام منطقه در جهان و برای چه اهدافی اجرا شده است؛ به عنوان نمونه موسیقی عزا در فرهنگ های گوناگون، موسیقی رزمی و موسیقی رقص های گوناگون، ارتباط آن ها با ویژگی های طبیعت و جغرافیا - نوع کار و ...

چگونه ریتم و آهنگ درونی متل ها می تواند در آموزش زبان و موسیقی تأثیرگذار باشد؟

متل ها چیستند؟ متل ها، جمله ها و عباراتی هستند چند کلمه ای (با معنی یا بدون معنی)، دارای تکرار، ریتم و حرکت که بر اصوات کلمه تأکید دارند. این تأکیدها سبب به وجود آمدن آهنگ کلمه ها می شود. می دانید که تأکیدها بر اصوات کلمه، آهنگ ایجاد می کنند. تأکیدها غالباً در صدای زیر تر (تن بالا) خوانده یا گفته می شوند. این تأکیدها و آهنگ ها بر اساس موسیقی درون زبان مادری ساخته شده اند. کودکان به راحتی این متل ها را فرامی گیرند و از این طریق به زبان مادری تسلط پیدا می کنند. به همین دلیل است که می گویند، صحبت کردن کودکان در ابتدا مانند آواز خواندن است.

کودکان در ابتدا موسیقی کلام را فرامی گیرند. سپس این آهنگ و ریتم کلمات، در اشعار آنان کمی بعدتر در عرصه ی ادبیات بزرگسالان مشاهده می گردد.

متل هایی از قبیل:

اتل متل توتوله

گاو حسن چه جوړه

با نگاهی به اشعار کودکان در کتاب‌های درسی دبستان مشاهده می‌کنید که متل‌ها و شعرهای موزون و آهنگین کودکان به یکباره جای خود را به اشعاری غیر آهنگین و ناموزون می‌دهند. در نظر داشته باشید که هراندازه موسیقی شعر روان‌تر باشد حفظ کردن آن برای کودکان آسان‌تر است. فراموش نکنید که سادگی و روانی نباید جای خود را به تکرار و یکنواختی بی‌مورد بدهند. منظور این است که دانش‌آموزان را با وزن و موسیقی در ادبیات و اشعار فارسی (قبل از درگیر شدن با اوزان پیچیده‌تر شعری آشنا کنید) و با تشویق آنان به پیدا کردن اوزان متنوع در اشعار کتاب فارسی یا در دیگر کتاب‌های شعر، توجه آن‌ها را جلب کرده و به ادبیات علاقه‌مند کنید.

کلیات

صوت و صدا

صدا نتیجه‌ی ارتعاشات است و ارتعاشاتی که دارای نظم و ترتیب خاصی باشند " صدای موسیقی " را تشکیل می‌دهند.

برای موسیقی تعاریف زیادی کرده‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: موسیقی هنر بیان احساسات به وسیله‌ی صداست. موسیقی ترکیبی از صداها است که گوش انسان از شنیدن آن لذت می‌برد. موسیقی هنر وزن و ریتم است.

موسیقی را با توجه به گستردگی ناحیه‌ای که در آن بکار می‌رود، می‌توان به موسیقی محلی، ملی و فراملی تقسیم کرد.

موسیقی محلی: موسیقی است که در بخشی از یک کشور، مثلاً در میان مردم یک شهر یا یک استان رایج است. به‌عنوان نمونه موسیقی خراسانی یا بلوچی یا جنوبی جز موسیقی محلی به شمار می‌آیند.

موسیقی ملی: در تمام نقاط یک کشور بکار می‌رود. مانند: موسیقی اصیل ایرانی که در تمام نقاط کشور رایج است.

موسیقی فراملی: موسیقی است که فراتر از یک کشور کاربرد دارد. از این جهت می‌توان موسیقی " کلاسیک اروپا " را موسیقی فراملی به شمار آورد. چرا که این موسیقی، دارای شهرت جهانی شده است. در مورد سازهای گوناگونی که در نقاط مختلف جهان به کار می‌رود، باید به این نکته توجه داشت که این سازها تحت تأثیر فرهنگ، تمدن، تاریخ، جغرافیا و آب‌وهوای کشوری که در آن به وجود آمده‌اند، قرار دارند. از سوی دیگر موسیقی باید با زمان هم مطابقت داشته باشد، مثلاً در طول روز، برای ایجاد روحیه‌ای شاد، شنیدن موسیقی پرتحرک مناسب‌تر است. درحالی‌که شب، برای ایجاد آرامش و استراحت، با موسیقی ملایم و آرامش‌بخش، تناسب بیشتری دارد.

الفبای موسیقی

برای فراگرفتن موسیقی، احتیاج به یادگرفتن نت و قواعد آن دارید. همان طور که برای آموختن هر زبانی نیاز به الفبا وجود دارد. نت‌ها نیز الفبای موسیقی به حساب می‌آیند. نت‌های موسیقی هفت عدد است: "دو، ر، می، فا، سل، لا، سی." صدای نت "دو" بم‌تر یا کلفت‌تر است و صدای نت "سل" زیرتر یا نازک‌تر از "فا" می‌باشد.

در زبان انگلیسی و فرانسه و برخی کشورهای دیگر هرگاه بخواهند درباره نت‌ها صحبت کرده و از آن‌ها نام ببرند، از علائم اختصاری آن‌ها استفاده می‌کنند. علائم، همان حروف لاتین است. مثلاً:

دو ر می فا سل لاسی

b a g f e d c

پیدایش نخستین سازها

از همان ابتدای خلقت، صداهای مختلف موجود در طبیعت، کنجکاوی انسان را برمی‌انگیخت و موجب میل او به تقلید اصوات می‌شد.

از زمانی که انسان در جنگل‌ها و غارها می‌زیست، صداهای گوش‌نواز و دلنشین در طبیعت، توجه او را به خود جلب می‌کرد. این صداها به حد وصف‌ناپذیری در روح او اثر گذاشته، به‌طوری‌که از آثار و شواهد باقیمانده، می‌توانیم دریابیم آنان با کنجکاوی بسیار در پی شناخت منابع اصلی این صداها برآمده و سعی و کوشش نموده‌اند تا با ساختن وسایل گوناگون به تقلید از طبیعت، خود آفریننده‌ی نغمه‌ها و نواهای دل‌انگیز باشند. بدین ترتیب وسایلی که امروزه آن‌ها را ساز می‌نامند به تدریج به وجود آمدند. کم‌کم هر استاد سازنده، چیزی بر آن‌ها افزود و به تکمیلشان پرداخت.

ساده‌ترین تعریفی که برای ساز می‌توان ارائه داد، این تعریف است:

"ساز، وسیله‌ای است که انسان برای ایجاد و اجرای نغمه‌ها و آهنگ‌های خوش و دلنشین ساخته و به کار گرفته است."

او برای انجام این کار از آنچه که طبیعت در اختیارش گذاشته استفاده نموده، مانند: چوب درختان، استخوان و شاخ حیوانات.

باگذشت زمان و خروج انسان از جنگل و غار و کشف فلز و آتش، کم‌کم مانند همه‌ی عرصه‌های زندگی، هنر ساختن ساز نیز تحول بسیار پذیرفت و سازهای فلزی نیز به وجود آمد.

*توصیه به مربیان گرامی

در پایه‌ی ششم به معرفی سازهای غربی پرداخته می‌شود. بنابراین از مربیان گرامی تقاضا می‌شود که با دانش‌آموزان به شیوه کاربردی عمل نمایند و ایشان را از حفظ کردن طوطی‌وار مطالب برحذر دارند.

*حتما برای آموزش و آشنایی با سازها، از سی‌دی آموزشی یا فایل‌های صوتی که در رابطه با اهداف این بخش تهیه شده، استفاده شود.

در این پایه، دانش‌آموزان با سازهای زهی، بادی، شستی‌دار و کوبه‌ای آشنا می‌شوند و صدای آن‌ها را از هم تفکیک می‌کنند.

با پخش صدای ساز از دانش‌آموزان بخواهید نوع ساز را تشخیص دهند و صدای زیر و بم را از هم افتراق دهند. همچنین تا آنجا که ممکن و میسر است، با اجرای زنده‌ی ساز در قالب بازدید از آموزشگاه‌های موسیقی، گوش موسیقایی دانش‌آموزان را تقویت نموده یا با آوردن سازهای استاندارد و قابل دسترس به کلاس، دانش‌آموزان را از طریق لمس مستقیم با آن‌ها آشنا کنید. امید است که با این کار، گام مثبتی در جهت شکوفاشدن استعدادها و نهفته دانش‌آموزان عزیز دارای آسیب بینایی برداشته شود.

سازهای غربی

سازهای غربی در کشورهای مغرب زمین به علل مختلف موسیقی کاربرد فراوانی یافته و موسیقی‌دانان بزرگی پای به عرصه‌ی گیتی نهاده‌اند. بدین سبب، ساز نیز در آن دیار تنوع بسیاری یافته و در دوره‌های مختلف تاریخی، دچار تحول و پیشرفت‌های زیادی شده است.

سازهای زهی: مانند ویولن، هارپ (چنگ)، گیتار.

«ویولن»

ساز زهی و آرشه‌ای است. این ساز کوچک‌ترین عضو سازهای زهی – آرشه‌ای است. اصالت این ساز به کشور ایتالیا برمی‌گردد.

برای نواختن روی شانه‌ی چپ قرار می‌گیرد و با آرشه که در دست راست نوازنده است، نواخته می‌شود.



« هارپ »

هارپ یا چنگ، گونه‌ای ساز زهی باستانی است و در کنار ساز عود، از مشهورترین سازهای ایران باستان به شمار می‌آمده است.

چنگ، سازی است مثلثی شکل از جنس چوب. این ساز در اندازه‌های مختلفی وجود دارد و بنا بر اندازه ساز، می‌تواند از ۱۹ تا ۴۷ سیم داشته باشد.

نت دو همیشه با رنگ قرمز و نت فا با رنگ آبی یا سیاه و سایر نت‌ها با رنگ سفید مشخص می‌شوند.



رنگ‌های سیم هارپ

« گیتار »

گیتار، نوعی ساز زهی است که با پیک یا انگشت نواخته می‌شود و از این جهت که سیم‌های آن در اثر ارتعاش تولید صدا می‌کنند، گیتار به رغم قدمت تاریخی توانسته است هم‌گام با تحولات موسیقی غرب، پیشرفت چشم‌گیری داشته باشد؛ که در نتیجه گونه‌های متفاوتی از آن به وجود آمده و هم‌اکنون جایگاه ویژه‌ای در موسیقی جهان دارد.



سازهای بادی: مانند انواع ساکسیفون، فلوت و ترومپت

بعضی سازها چوبی و بعضی برنجی هستند.

« ساکسیفون »

ساز ساکسیفون یک ساز بادی می باشد که با بازدم و دم انسان به صدا درمی آید. این ساز معمولاً دارای بدنه برنجی می باشد و سوراخهایی دارد که نوازنده می تواند با باز و بسته کردن آنها، صدا ایجاد کند. می توان گفت که این ساز نوعی مکانیزم کلیدی دارد، بدین صورت که صفحه ای از روی سوراخها برداشته می شود و یا صفحه ای بر روی سوراخها گذاشته می شود و موجب ایجاد صدا می شود.

به دلیل صدای بلند و حماسی ای که این ساز دارد در مجالس رسمی، در رژه های نظامی و مجالس نظامی از این ساز بادی استفاده می کنند و این ساز، حسی حماسی و وطن پرستانه ایجاد می کند که دلیل استفاده آن در رژه ها و مراسم نیز همین می باشد.



« فلوت »

فلوت ها در گذشته از جنس چوب ساخته می شدند (به همین دلیل در قدیم از آن به عنوان ساز بادی چوبی نام برده می شد). ولی امروزه با وجود اینکه این ساز در زمره سازهای بادی چوبی قرار دارد، لیکن ملاک تقسیم بندی آن، جنس و آلیاژی که در ساخت آن استفاده شده نیست، بلکه نحوه تولید صدای آن است. نفس اجراکننده از راه سوراخی که در کنار لوله (نزدیک سر آن) تعبیه گردیده، وارد لوله می شود سپس با باز و بسته کردن سوراخهای متوالی با انگشتان، صدای به وجود آمده را کنترل می نمایند.

ساز شرقی نی هم نوعی فلوت شمرده می شود. به طور کلی فلوت و نی سازهایی هم خانواده هستند.



فلوت ریکوردر

ساده ترین نوع فلوت می باشد. به علت سادگی نواختن معمولاً برای آشنایی کودکان با موسیقی از آن استفاده می کنند.



« ترومپت »

لوله ترومپت به صورت مخروطی ویژه است که به دهانه ای ناقوسی منتهی می شود. لوله این ساز تا سده ۱۵ به شکل مستقیم ساخته می شده و از آن به بعد به شکل منحنی ساخته می شود. بر روی لوله سه دکمه مشاهده می شود که اولی باعث ازدیاد طول لوله برای به دست آوردن یک پرده بم می شود، فشار دکمه دوم، صوت را نیم پرده و فشار دکمه سوم، یک پرده و نیم پایین می آورد.



سازهای شستی دار (کلاوه ای): مانند پیانو، ارگ و آکاردئون.

«آکاردئون»

این ساز را نوازنده بین دو دست خود می گیرد که در میانه ی آن، مجاری هوایی قرار دارند که با باز و بسته شدنشان توسط نوازنده، صدا تولید می شود. در یک سمت صفحه کلید کوچکی تعبیه شده است که کلیدهای آن وظیفه کنترل ورود هوا به مجاری را دارند و در سمت دیگر جعبه طنین قرار دارد که معمولاً آن نیز دکمه های مخصوص خود را دارد.



«پیانو»

یکی از سازهای صفحه‌کلیددار و مشهورترین آن‌ها است. صدای پیانو در اثر برخورد چکش‌هایی با سیم‌های فلزی آن در داخل جعبه چوبی تولید می‌شود. این چکش‌ها در اثر فشرده شدن کلیدها (کلاویه‌ها) به حرکت درمی‌آیند. سیم‌های پیانو به صفحه‌ای موسوم به «صفحه‌ی صدا» متصل شده‌اند که نقش تقویت‌کننده‌ی صدای آن‌ها را دارد.



سازهای کوبه‌ای: مانند سنج، تیمپانی، زایلوفون، طبل بزرگ و کوچک.

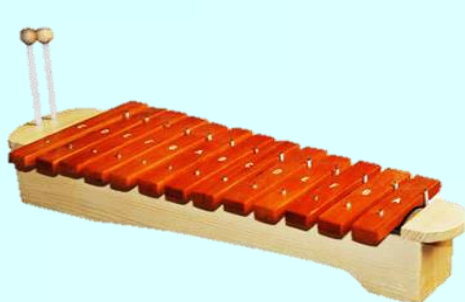
«تیمپانی»

سازی از رده سازهای کوبه‌ای و گونه‌ای طبل بزرگ است که از کاسه بزرگی (معمولاً از مس) و رویه‌ای از پوست حیوان یا پلاستیک ساخته می‌شود و آن را با چوب‌های طبل مخصوص تیمپانی می‌نوازند و معمولاً با آرایش دوتایی یا پنج‌تایی در کنار هم نواخته می‌شوند. این طبل برای اولین بار در قرن ۱۷ همراه با ترومپت به عنوان اولین حضور طبل در ارکستر سمفونی نواخته شد. و در ارکسترهای سمفونیک از میانه قرن نوزدهم رایج شد. یکی از ویژگی‌های آن کوک‌پذیری است. برای کوک آن، پوست رویش کشیده و توسط پیچ‌های تنظیم‌کننده یا پدال کوک می‌شود.



« زایلوفون »

یکی از سازهایی که معمولاً برای شروع آموزش موسیقی کودک مورد استفاده قرار می‌گیرد، ساز زایلوفون می‌باشد. زایلوفون دارای تیغه‌هایی همانند کلیدهای پیانو است. تیغه‌های بلند (نت‌های پائین یا بم) در سمت چپ، تیغه‌های کوتاه (نت‌های بالا یا زیر) در سمت راست نوازنده قرار می‌گیرد. برای نواختن زایلوفون معمولاً نوازنده از دو مضراب، هر کدام در یک دست استفاده می‌کند.



منابع و ماخذ

ردیف	نام مولف / مترجم	عنوان کتاب / مقاله	انتشارات	سال چاپ
۱	مصطفی رومی زاده، علی اصغر اسدی و محمود رضایی	آموزش هنر اول راهنمایی ویژه دانش آموزان آسیب دیده بینایی	سازمان آموزش و پرورش استثنایی	۱۳۸۴
۲	مریم علی همت، عظیمه سادات برزگر و مریم پور وحید	کتاب هنر (چهارم، پنجم و ششم) ویژه ی معلمان نابینا	سازمان آموزش و پرورش استثنایی	۱۳۸۰
۳	گروه برنامه ریزی و آموزشی دانش آموزان آسیب با بینایی	راهنمای معلم کتاب هنر (اول، دوم و سوم) ویژه دانش آموزان آسیب دیده بینایی	سازمان آموزش و پرورش استثنایی	۱۳۹۸
۴	گروه دفتر برنامه ریزی و تالیف کتابهای درسی	راهنمای درس هنر برای معلمان پایه های اول، دوم و سوم ابتدایی	اداره ی کل چاپ و توزیع کتابهای درسی	۱۳۹۱-۹۲
۵	گروه دفتر برنامه ریزی و تالیف کتابهای درسی	راهنمای درس هنر معلمان (چهارم، پنجم و ششم)	اداره ی کل چاپ و توزیع کتابهای درسی	۱۳۹۶-۹۷
۶	مهدی آذر یزدی	قصه های خوب برای بچه های خوب	امیر کبیر	۱۳۹۹
۷	مسعود گلزاری و محمود احیایی	۳۶۵ قصه برای بچه های خوب	مسیر دانشگاه	۱۳۹۵
۸	سهراب سپهری	حجم سبز	ادیسون	۱۳۸۹
۹	https://ketabak.org			